

مجموعه
باستان‌شناسی

گردآورنده
علی اصغر حکمت

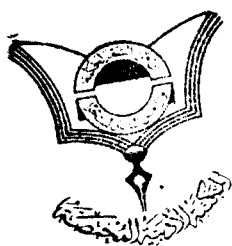
نقش پارسی بر ا حجار ه هند
فهرستی از کتیبه ها و خطوط فارسی بر لوح سنگهای هندوستان

پسرمایه



کتابخانه ابن سینا ناشر و فروشنده کتاب

«آثار پدید است ضنا وید عجم را»



نقش پارسی

بر احوال هند

فهرستی از کتب و خطوط فارسی بر لوح سنگهای هندوستان

گروه آورده

اقل عباد علی صغر حکمت

طبع دوم

با تمام کتابخانه ابن سینا ۱۳۲۷ ش - طهران

حق چاپ و ترجمه برای مؤلف محفوظ است

دیباچه

کتابی که در برابر دیده خواننده گرامی قرار دارد مجموعه ایست از کتیبه ها و خطوط فارسی که این بنده نویسنده در نقاط مختلفه کشور هندوستان یا با چشم خود دیده و ثبت کرده ، یا از روی کتب و مجلات مختلف که اسنادی معتبر و موثق بوده اند فراهم آورده است. در طول مدت چهار سال ایامی را که در خدمت سفارت شاهنشاهی ایران در آن مملکت میگذرانید یکی از تحقیقات جالب و مطالعات پسندیده که وجهه همت خود داشت جمع و تدوین همین آثار نفیسه بود ، زیرا هر کدام سندی دیگر از درجه استیلا و بسط لغت و فرهنگ فارسی در آن دیار باستانی بدست میداد .

این رساله ، نخست در سال های ۳۶-۱۳۳۵ ه . ش . / ۵۷ - ۱۹۵۶ م . در مجله « هند و ایران » Indo - Iranica منطبعه کلکته ، بهمت دوست دانشمند پرفسور محمد اسحاق استاد فارسی دانشگاه آن شهر شهیر ، بتفاریق طبع می شد و بعد از آن مجموعه جدا گانه از آن فراهم گردید که در ۱۱۱ صفحه چاپ و مدون شد و در هندوستان و ایران منتشر گشت. از کوششی که آن استاد بزرگوار در طبع این رساله مبذول کرد نویسنده را مروهون الطاف و مدیون عنایات خود ساخت .

حسن استقبالی که از خوانندگان فارسی و دوستان ادبیات فارسی نسبت باین رساله مختصر مشهود افتاد باعث تشویق و دلگرمی بنده گردید ، پس بر حسب پیشنهاد و تاکید آقای ابراهیم ر مضانی ، صاحب کتابفروشی ابن سینا در تهران که رادمردی معارف پرور است بر تجدید طبع آن همت گماشت ، و چون پس از طبع اول مطالبی تازه و موادی جدید بدست آمده و رونوشت کتیبه های فارسی دیگر فراهم ساخته بود ، آنها را نیز جمع و تدوین کرده بر متن سابق مزید ساخت .

اینک مجموعه جدیدی بطبع رسیده که در حدود هشتاد فقره کتیبه فارسی از اواخر قرن ششم هجری تا اوایل قرن چهاردهم را با نام و نشان متضمن است و غالباً یا مشاهدات شخصی مؤلف یا مستند بمنابع تاریخی میباشد و هر یک اشاره بتاریخ بنای عمارت مهمی یا سال وفات مرد بزرگی می کند. شاید برای اهل تاریخ و ادب خدمتی سودمند و گران بها انجام شده باشد.

امید است که سعی این بنده در پیشگاه دانشمندان ایران و هندوستان مقبول و پسندیده افتد. رنج و تعب که در طول چهار سال در پی این منظور تحمل کرده بیاد آورند و بر خطا و زلت او بادیده عفو نظر فرمایند.

وظیفه اخلاقی خود میدانم که از یاری دوستان هندی خود که در طبع این رساله نویسنده را مدد فرموده اند، مخصوصاً آقای دکتر محمد علی جعفری و آقای ضیاء الدین دیسای تشکر و سپاس فراوان بتقدیم رسانم. زیرا این هر دو تن که از هواخواهان و دوست داران ادب و تاریخ ایران هستند در تصحیح صفحات و تکمیل طبع این اوراق نویسنده را مساعدت بسیار فرموده اند.

خواننده عزیز میداند که این آثار كوچك بمنزله جای پا و نقش قدم قافله بزرگی است که از دیار ایران در مدت هزار سال را حل منازل هندوستان بوده و عرض و طول آن کشور کهن سال را می پیموده اند و هر جا رفته اند یاد گاری از سرزمین نیاکان خود بجای می نهاده اند.

«این خط جاده ها که بصحرا نوشته اند یاران رفته با قلم پا نوشته اند»

تهران - شهریور ۱۳۳۷

علی اصغر حکمت



نظامی گنجوی شاعر معروف ایران در قرن ششم
(از تصویر منقوش بر دیوار طالار کاخ رئیس جمهور دهلی نو)

بسمه تعالی

مقدمه

در تاریخ جهان بسیار مشاهده شده که مردم يك کشور دیر زمانی بزبانی غیر از زبان مادری خود سخن گفته اند، و در آن زبان مکتسب آثاری بی نظیر که در عداد نفیس ترین لطائف ادبی جهان نیست بظهور آورده اند. هرچند مسافرت زبانی از سر زمینی بسر زمین دیگر در آغاز امر در نتیجه علل و اسبابی چند مانند غلبه قومی بر قومی و مهاجرت جماعت کثیری از کشوری بکشوری، یا بواسطه نفوذ عوامل معنوی مانند بسط و انتشار عقیده مذهبی از يك نقطه جهان بنقطه دیگر صورت گرفته است، ولی بهر حال عاقبت کار بجائی رسیده که آن زبان بیگانه در تحت تملک آن قوم در آمده و در کشور ایشان حق توطن پیدا کرده و رفته رفته مانند زبان اصلی مادری جزء اموال و دارائی آن ملت شده است.

استعمال زبان لاتین در اقوام ژرمنی در طول قرون وسطی که بواسطه سپاهیان روم در شمال و غرب اروپا بسط و انتشار حاصل کرد و همچنین استعمال زبان عرب در ملل عجمی نژاد که بواسطه نشر دعوت اسلام صورت گرفت دو نمونه بارز و دو شاهد کامل این مدعاست. از اینجا است که میتوان گفت شاهد ادب را جلوه گاه مخصوصی است که آن نفس ناطقه انسانی می باشد، و منزلگاه او روح و دل است نه سنگ و گل، و منسوب بقوم و ملت خاصی نیست و ملک و مال جماعتی مخصوص نمی باشد. داستان نشر و انبساط زبان فارسی در هندوستان نیز از همین مقوله است.

اگر زبان فارسی را که از اوایل قرن یازدهم میلادی تا امروز در هندوستان رواج یافته و در بعضی اعصار در آن کشور باوج اعتلای خود رسیده و گاهی هم دچار وقفه یا انحطاط شده است از نوع زبانهای ملی هندوستان بشماریم راه مبالغه و اغراق نرفته ایم، زیرا بسیاری از سلاطین و بزرگان را که خود از نژاد هندی بوده و مذهب برهمنی داشته اند می یابیم که همه فارسی را لغت رسمی دربار و دیوان خود قرار داده بودند، همچنین بسیاری از شعرای هند را میشناسیم که اصلاً کشور ایران را ندیده بودند معذلک اشعار آبدار و سخنان نغز فصیح و آثار ادبی گرانها بزبان فارسی از خامه ایشان بجای مانده است.

خلاصه، در طول مدت ده قرن که از عمر نشر و انبساط زبان فارسی در شبه قاره هندوستان میگذرد آنقدر آثار نظم و نثر در آن سرزمین بظهور رسیده، و آنچنان در روح و فکر اقوام هندی نفوذ کرده است که آنرا نمیتوان از ادب ملی مردم آن کشور بیگانه دانست.



سال نخستین هجوم سپاهیان محمود غزنوی را بخاک هند سنه ۱۰۰۱ از تاریخ میلادی نوشته اند. از آنروز که اولین سال دومین هزاره آن تاریخ است تا امروز که در نیمه دوم قرن بیستم هستیم زبان و ادب فارسی در سرزمین پهناور هند پیوسته زنده و رو بنشو و نماست. در طول این هزار سال بعضی ادوار معین مانند دوره سلطنت غزنویان در پنجاب غربی (قرن ۱۱ و ۱۲ میلادی)، و دوره سلطنت سلاطین ترك در هندوستان شمالی (قرن ۱۳ و ۱۴)، و دوران سلطنت مغول کبیر یا گور گانیه ایضاً در هندوستان شمالی و مرکزی (از قرن شانزدهم تا اواسط قرن نوزدهم)، و نیز روزگار سلطنت ملوک بهمنیه در دکن (۱۳۴۷-۱۴۸۲ میلادی)، و در پی آنها سلسله قطب شاهیه همچنان در هندوستان جنوبی (۱۵۱۸-۱۶۸۷ میلادی) ادواریست که در آن مدت زبان شیرین بیان پارسی در شمال و جنوب آن سرزمین باوج تکامل خود رسیده است. در درازنای این هزار سال پیوسته کاروانهای ادب و فرهنگ از مراکز فارسی زبانان (فارس و عراق و خراسان و ماوراءالنهر) به هندوستان و از هندوستان بایران

و آسیای مر کزی در آمد و شد بوده اند (۱)

۱ هم از آغاز این زمان طولانی که دوره سلطنت محمود غزنوی است تا امروز نفوذ و انعکاس کلمات و آثار هندی در صفحات دواوین شعرای ایران کمابیش دیده میشود که از زبانهای محلی هند «پارا کریت» متداول در صوبه های سند و پنجاب و گجرات و غیره بعضی کلمات و اصطلاحات اقتباس کرده و بکار برده اند مثلاً منوچهری (متوفی در ۴۳۲ هـ) در این بیت اشاره بر رسم «لنکن» یعنی صیام معروف هندوان نموده و چنین گفته :

الا تا مؤمنان دارند روزه الا تا هندوان گیرند لنکن

و همچنین سنائی (متوفی در ۵۲۵ هـ) همان کلمه را در این بیت ذکر کرده است :

لنکنت گر ترا کند فربه سیر خوردن ترا زلنکن به

اسدی طوسی (متوفی در اوایل قرن یازدهم میلادی = قرن پنجم هجری) نیز در کرشاسب نامه بمناسبت ذکر وقایع هندوستان روایات و افسانه ها و حکایات و الفاظ هندی را بسیار نقل کرده است که نشان میدهد تا چه پایه تمدن و فرهنگ هندی در مشرق ایران نفوذ داشته .

مثلاً در جنگ کرشاسب با ازدها از ماهی وال (همانست که در انگلیسی Whale نامیده شده است)

نام برده از اینقرار :

بماند از شگفتی سپید بجای بدو گفت مهر اج فرخنده رای

که این ماهیست آنکه خوانند «وال» و زین مه بس افتد هم ایدر بسال

(کرشاسب نامه صفحه ۱۶۷ چاپ تهران)

و همچنین اسدی طوسی در باره افسانه «تخت طاوس» که از قدیم الایام در هند معروف

بوده چنین گفته است :

یکی تخت پیروزه همرنگ نیل ز دو سوی تخت ایستاده دو پیل

تن پیل یاقوت رخشان چو هور زبرجدش خرطوم و دندان بلور

ز در و ز بیجاده دو شیر زیر همان تخت را پایه بر پشت شیر

فرازش یکی نفز طاوس نر طرازیده از کونه کونه کهر

بهر ساعتی کز شب و روز کم ببودی شدی تخت جنبان ز هم

بجستندی آن نره شیران پیای بسر تخت برداشتندی ز جای

نهادی دو سه پیل زی شاه پی یکی نقل دادی یکی جام می

ز بر پر طاوس بفراختی بیانگ آمدی جلوه بر ساختی

ز دم ریختی کرد کافور خشک ز منقار یاقوت و از پر مشک

(صفحه ۷۲ چاپ تهران)

از آنوقت که مسعود سعد سلمان معاصر غزنویان^(۱) فصل باران موسمی هندوستان را وصف کرد و گفت:

برشکال ای بهار هندستان ای نجات از بلای تابستان
دادی از تیرمه بشارتها باز رستیم از آن حرارتها
طبع و حال هوا دگر کردی دشتها را همه شمر کردی
حبذا ابرهای پر نم تو خرما سبزهای خرم تو^(۲)
تا زمان ما که محمد اقبال لاهوری^(۳) «جوانان عجم» را مخاطب کرد
و گفت:

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما ای جوانان عجم جان من و جان شما
عوطه ها زد در ضمیر زندگی اندیشه ام تا بدست آورده ام افکار پنهان شما
فکر رنگینم کند نذر تهی دستان شرق پاره لعلی که دارم از بدخشان شما
حلقه گرد من زیدای پیکران آب و گل آتشی در سینه دارم از نیاکان شما
قریب بهزار سال میگذرد که سرزمین هندوستان چون میدان وسیعی جولانگاه
ادب فارسیست .

يك سند استوار بروست این دایره همانا سیاهه‌ی طولانیست که شیخ ابوالفضل بن
مبارك در کتاب آئین اکبری بروزگار اکبر پادشاه گورکائی از شعرای
فارسی زبان زمان خود گرد آورده و در آنجا عدد گویندگان دربار پادشاه هند را شصت
نفر تعداد کرده است^(۴).

مظاهر تابان این زبان روشن بیان در سرزمین هندوستان گاهی در صفحات
دواوین و منظومه‌های شعرا بصورت ترانه‌ها و اشعار جلوه‌گری میکند و گاهی در

۱ مسعود سعد سلمان شاعر ایرانی متولد در لاهور و متوفی در ۵۱۵ هجری اغلب عمر خود را
در پنجاب گذرانیده و معروفست که او را دیوانی شعر هندی بوده که اکنون موجود نیست .

۲ دیوان مسعود سعد سلمان بتصحیح و تحشیة مرحوم رشید یاسمی چاپ تهران (۱۳۱۸)
صفحه ۵۶۲ .

۳ دکتر محمد اقبال شاعر هندی نژاد متوفی در لاهور سال ۱۳۵۷ هجری .

۴ رجوع شود بآئین اکبری جلد اول .

اوراق کتب منشور در فنون تاریخ و لغت و فلسفه و علوم نمایان میشود .
در تاریخ نظم و نثر فارسی در هندوستان محققین سخن بسیار گفته و نوشته‌اند .
لیکن ما در این سطور کوشش میکنیم که مظهر دیگری را از این موجود لطیف
و عنصر بدیع وصف نمائیم و آن همانا عبارتست از نقوش فارسی بر صفحات الواح احجار
مخصوصاً آنچه که در مقابر گویندگان و مشایخ و بزرگان یافت میشود .



کلمات و عبارات فارسی که منقوش بر چهره سنگها و رخسار احجار است و در طول
و عرض این شبه قاره وسیع پراکنده میباشد از حد شمار و حساب بیرونست ، و احصاء
دقیق و ثبت و ضبط آنها محتاج بوقتی موسع و خاطری آسوده و سفرها در اطراف
آن کشور میباشد که متأسفانه این مقدمات برای کاتب این سطور فراهم نیست ،
لیکن آنچه در طول اقامت خود در یک قسمت از آن شبه قاره یعنی کشور فعلی بهارات (هند)
و در ضمن بعضی از مسافرتها ی کوتاه خود بادیده خود دیده و با قلم خود نسخه برداشته است
بعنوان نمونه و مثال در سطور این رساله ثبت میشود .



مقدمه^۱ باید گفت که کتیبه های فارسی هند نظماً و نثراً بانواع متعدد است
از این قرار :

(الف) کتیبه های ابنیه و قصور پادشاهان مشتمل بر قطعات منشور و منظوم با ذکر
ماده تاریخ .

(ب) کتیبه های مذهبی موجود در اماکن مقدسه مانند مساجد و تکیا و مزارات
اولیاء و مشایخ که آمیخته با آیات قرآنی و احادیث نبوی ، و عبارات و اشعار و قطعات مشتمل
بر ماده تاریخ و ذکر نام بانی .

(ج) کتیبه های موجود در ابنیه عمومی مانند پلها و بازارها و دهنه چاهها
و امثال آن .

(د) کتیبه های موجود در قبور سلاطین و امرا و وزرا و شعرا و غیرهم .

علاوه بر اینها کتیبه‌های دیگر نیز در جاهای مختلف پیدا میشود که نمیتوان آنرا در ذیل نوع خاصی قرار داد. مانند کتیبه‌های روی دیوار غارها و بر باروی قلعه‌ها و کنار آب انبارها و چاهها و لوله فلزی توپها و غیره و غیره.

توجه ما در این مقال بیشتر بیک قسمت از کتیبه‌های نوع چهارم معطوف است که عبارت باشد از کتیبه‌های قبور مشایخ و شعرا و بزرگان ادب، در حقیقت این مقاله نخستین قدمیست که درین طریق طولانی برداشته میشود، و مقدمه‌ایست برای این بحث مفید و مطبوع، و گر نه بسیاری از کتیبه‌ها که هم از این نوع و مقوله میباشد و یک قسمت از تاریخ حیات بزرگان ادب را روشن می‌سازد البته در بسیاری از نقاط دیگر یافت میشود که بنظر نویسنده این سطور نرسیده یا از آن اطلاعی حاصل نکرده است.

این مجموعه فقط مشتمل بر بعضی آثار موجوده در کشور هند میباشد و متأسفانه بجمع‌آوری کتیبه‌های موجود در کشور نو بنیاد پاکستان که سابقاً جزئی از مملکت ملوک مغولیه هند بوده توفیق نیافته‌ام که آنها نیز بنوبت خود و بمناسبت قرب جوار با کشور ایران بسیار بلکه از حد شمار خارج است.

امید که محققین تاریخ و ادب در ایران و هند این مطالعه علمی را که ما شروع کرده‌ایم پیروی کنند و دنباله این بحث و تحقیق دلپذیر و مطلوب را بگیرند و این مقال ناقص را که مانند مشتی از خروار و اندکی از بسیار است با تحقیقات و مطالعات خود بزینت کمال بیارایند.

دهلی نو - علی اصغر حکمت

فصل اول

کتیبه نویسی در هند

رسم کتیبه نویسی : کتیبه نویسی (Epigraphy) بر روی احجار و سنگها در

ایران بسند کتیبه‌های موجوده از زمان سلاطین هخامنشی معمول و مشاهده شده. ولی مسلم است که این رسم در نزد ملل قدیمتر مانند مصر و کلد و آشور و غیره نیز متداول بوده است و ظاهراً ایرانیان از آنها اقتباس کرده‌اند. در هر حال این کار از خصایص طبیعی انسان است و ناشی از غریزه حب بقامی باشد. زیرا آدمی در طول عمر کوتاه خود همواره میکوشد که نامی و اثری از خود در جهان فانی باقی بگذارد تا بعد از وی برقرار و جاوید بماند، و در نتیجه همین خاصیت طبیعی و میل غریزی است که رسم کتیبه نویسی در جماعات بشری بظهور رسیده. لیکن این کار که در ابتدا ناشی از حب نفس بوده است امروز برای علمای تاریخ یک رشته از مهمترین اسناد تاریخی را فراهم ساخته که اگر آن کتیبه‌ها نمی‌بود هر اینه قسمت عمده از تاریخ جهان مجهول میماند.

در هندوستان این عمل از زمان سلطنت سلاطین موریای (Maurya) مانند «چاندرا گوپتا» و «آشوکا» معمول شده (قرن سوم قبل از مسیح) و کتیبه‌های قابل ترجمه‌ای از آن زمان تا کنون باقی مانده است. بعضی از این کتیبه‌ها که امروز پس از بیست و دو قرن از دست بی رحم طبیعت در امان مانده و حرارت آفتاب سوزان هند و باران های سیل آسای آن کشور آنها را نفرسوده و معدوم نساخته و بزمان ما رسیده، از زمان امپراطور آشوکا (۲۷۳-۲۳۲ ق.م) هم اکنون بخط «براهمی» (Brahmi) و بخط «خروشتی» (Kharoshti) موجود است.

نکته دقیقی که در نظر بدوی بدیده محصل تاریخ بر میخورد آنست که این سلاطین عظیم الشان که با اسکندر و خلفای او هم عصر و بلکه قرابت داشته‌اند رابطه

فراوانی با کشور ایران برقرار نموده و در طرز معماری و حجاری و بالاخره کتیبه نویسی سبک و روش ایرانی عصر دارای کبیر را تقلید کرده اند. کتیبه‌های منسوب به «آشوکا» متجاوز از یکصد و پنجاه عدد در سرتاسر هندوستان هنوز یافت میشود. شش ستون و چهارده کتیبه از آن امپراطور بزرگ در نقاط سرحدی هند وجود دارد که ارتباط آن کشور را با ساتراپهای یونانی و ایرانی نشان میدهد. این کتیبه‌ها بلغت «پارا کریت» نوشته شده و در یکی از آنها محل تولد بودا را ذکر میکند. حفاری هائی که اخیراً در خرابه‌های شهر «پاتالی پوترا» که مورخین یونانی بنام پالی بوثرا (Palibothra) ثبت کرده‌اند، وهم اکنون در نزدیکی شهر پتنه مرکز ایالت بیهار در کنار رود گنگه قرار گرفته‌است، نشان میدهد که آن شهر پایتخت این سلاطین بزرگ بوده است. تالار صد ستونی که در آنجا کشف شده بعینه مانند تالار «آبادانا» در تخت جمشید فارس و بهمان سبک میباشد و هنوز بقایای پایه ستونها و سنگها و حتی چوب سقف و ستونهای آن دیده میشود.

چنانکه گفتیم کتیبه‌های آشوکا بعضی بخط براهمی و بعضی بخط خروشتی است، خط خروشتی که برای آنها بکار رفته اصلاً از مغرب آسیا و ایران به هندوستان آمده است. این خط کهن و باستانی که از راست بچپ نوشته میشده با خط براهمی و متفرعات آن که خط اصلی مردم هند باستانیست متساوی‌آدر شمال غربی هندوستان معمول و متداول بوده است (۱)

ایسگرافهای آشوکا امپراطور بزرگ هند بر روی ستونها و صخره‌ها همه جا رسم کتیبه نگاری عصر هخامنشی را بخاطر می‌آورد و نشان میدهد که آن پادشاه بزرگ این عمل مفید و مبارک را از سلاطین هخامنشی تقلید می‌کرده است.

بعد از دوره اشکانیان یعنی در عصر احیای سلطنت ملی ساسانیان در ایران، رابطه قدیم ایران و هند از نو تجدید شده است مخصوصاً در ادوار اخیر عصر ساسانی که مملکت ایران هم مرز هندوستان بوده است آثار این ارتباط بیشتر نمایان است.

۱- رجوع شود به کتاب باستان شناسی در هند :

برجسته ترین نمونه نقش فارسی بر احجار هندی که از اواخر عصر ساسانی در دست است همانا درغارهای معروف اجانتا (Ajanta) در نقاشیهای سقف و دیوار غارهای شماره يك و شماره دوم میباشد که تاریخ آن اوایل قرن هفتم میلادیست. در آنجا تصویر پادشاه هند جنوبی (دکن) پولاکسین دوم (Pulakesin II) منقوش است که سفارت اعزامی از دربار خسرو پرویز (۶۲۶-۶۲۸ م) را میپذیرد. جامه ها و اسلحه و زینت آلات و چهره و اندام ایرانیان در آنجا بخوبی مشهود میباشد. طبری نیز در تاریخ عظیم خود باعزام این سفارت اشاره کرده است.

سگه هائی که از قرن هفتم تا قرن دوازدهم میلادی در هندوستان متداول بوده است همه از حیث وزن و عیار و نقش و نگار از روی مسکوکات پادشاهان ساسانی اقتباس شده. علاوه بر آن در اماکن عدیده در هندوستان جنوبی کتیبه هائی بخط پهلوی موجود است که خط ایرانیان قبل از اسلام بوده است. (۱)

از کتیبه های پهلوی دوره ساسانیان در هندوستان بعضی مربوط بنفوذ کلیسای سریانی است که از طریق ایران در جنوب هندوستان قبل از ظهور اسلام تأسیس شده، و کم و بیش آثاری از مسیحیان آن زمان هنوز باقیست. از آنجمله شش کتیبه پهلوی در روی صلیبهای سنگی نقش شده اند و در کلیساهای جنوب هندوستان اکنون موجود میباشند (۲) عبارت پهلوی این کتیبه ها در کلیساهای مختلف فرق چندانی بایکدیگر ندارند و آن شش صلیب از قرار ذیلست :

۱- کلیسای کوه سن طماس نزدیک مدراس. (Mount St. Thomas)

۲ و ۳- در کلیسای والیاپالی (Valiapalli) در تراونکور (رجوع شود بتصویر شماره يك)

۱- رجوع شود بکتاب کتیبه های پهلوی در جنوب هند :

Pahlavi Inscriptions in South India by A. C. Burnell, Bangalore, 1873.

۲- نقل از مقاله مرحوم بهرام گورطهمورت انکلساریا در *Journal of the K. R. Cama Oriental Institute.*

۴- در کلیسای کاتاماتام (Katamattam) واقع در سیرکا (Sirca) در چهل میلی کتایام (Kotayam) .

۵- کلیسای کاتولیک در موتاشیرا (Muttasira) که آن نیز در پانزده میلی شمال کتایام واقع شده است .

۶- در کلیسای سریانی در الم گده در شمال تراونکور .

این کتیبه ها هریک شامل ۱۲ کلمه است که مرحوم انکلساریا آنها را چنین ترجمه کرده است: (۱)

« سریانیهای که آنها را خدای مسیح و نجات دهنده و وحی عالی از چهار رسول نجات بخشود ». (۲)

تاریخ این صلیب ها ۳۴۰ مسیحی است و در یکی از آنها (صلیب نمره ۲ در کتایام) کتیبه سریانی نیز دارد . انکلساریا معتقد است که این کتیبه پهلوی قبل از اصلاح کلیسای سریانی و تبعید نسطوریان از آنجا (که در ۴۳۵ م . اتفاق افتاده است) کتابت شده .



قدیمیترین کتیبه هندی دوره اسلامی : کتیبه های قرون اسلامی که مورد بحث ما در این مقاله است از دوره فتوحات غزنویان در شمال غربی شبه قاره هندوستان شروع میشود ولی اثر مهمی از عصر غزنویان باقی نمانده است .
در وقت حاضر قدیم ترین کتیبه اسلامی در هندوستان اگر چه بزبان عربی و بخط کوفیست و از موضوع بحث ما خارج است ، معذک از لحاظ تاریخ ایسگرافی

(۱) « The Syrians whom this anointed Lord and
Saviour and the supreme revelation of the
four apostles gave salvation. »

۲- نسبت باین کتیبه های پهلوی و ترجمه آن دانشمند شرق شناس آقای شارپ Rev . R . Sharp کشیش کلیسای شیراز در نامه که بنگارنده نوشته است می گوید : نظر به چند هوزوارش آرامی که باکلمات پهلوی آمیخته بیشتر ترجمه های صلیب منسوب به سن طماس (مدراس) مغلو و مردود است و بنظر ایشان ترجمه آن از اینقرار است : « ای خداوند من مسیح افراس پسر چهار بخت سوریانی که اینرا برید بپخشای . » ظاهراً افراس و پدرش که نام فارسی داشته اند ایرانی بوده اند ولی بکلیسای سریانی (که کلیسای شرق است) ایمان داشته است .



تصویر شماره يك - كتيبه پهلوی دور صلیب
 سنگی در کلیسای سن طماس (مدراس)

دوره اسلامی در کشور هند حائز کمال اهمیت می باشد. این کتیبه که اکنون در موزه پیشاور (پاکستان) وجود دارد بر روی قطعه سنگی است که در قدیم الایام در دیوار گاوچاهی در قریه «هوند»^(۱) نصب شده بوده و در سال (۱۸۹۴ م.) کشف شده سپس در سال (۱۹۱۲ م.) آنرا بموزه شهر پیشاور منتقل ساخته اند.

این کتیبه بر لوحه سنگ سیاه رنگ و مدوری نقر شده و خط آن بسیار محو و بزحمت خوانده میشود. (۲) معذک آنرا چنین کشف و قرائت کرده اند :

سطر اول : بسم الله الرحمن الرحيم

سطر دوم : بنا هذا البئر الفقيه ابو جعفر

سطر سوم : محمد بن عبد الجبار بن محمد

سطر چهارم : الجوزجانی فی ذی القعدة سنة

سطر پنجم : اثنتی و ثمانین و اربع مائة من هجرة النبی

سطر ششم : علیه السلام

سال ۴۸۲ هجری مساویست با ۱۰۹۰ میلادی که تاریخ این کتیبه است و منطبق

میشود با تاریخ سلطنت غزنویان در هند غربی

از آن زمان یعنی قرن پنجم تا اواخر قرن ششم هجری پیوسته آثار و کتیبه های گوناگون در مساجد و ابنیه مذهبی در هند شمالی و غربی باقی مانده که غالباً بزبان عربی و بخطوط کوفی و ثلث و یا نسخ تحریر شده اند.



کتیبه های فارسی : تاریخ قدیمترین کتیبه ها که بزبان فارسی در هندوستان

موجود است از قرن ششم و هفتم هجری مطابق با مائه سیزدهم و چهاردهم مسیحی است و آنچه تا کنون معلوم شده عبارتند از دو سه کتیبه :

۱- قریه هوند (Hund) در ساحل رود سند قرار دارد و در يك زمان پایتخت گانداهارا (قندهار) بوده است. مورخین اسلامی آنرا بنام «اوبند» ضبط کرده اند.

۲- رجوع شود بمجله ایپیکرافیا ایندو مسلم : (1931-32) *Epigraphia Indo - Moslemica*

اول ، کتیبه منشور در مسجد قوه الاسلام (قبة الاسلام) در دهلی .

دوم ، کتیبه منشور بر قبر شیخ احمد خندان در بداون .

عنقریب شرح این هر دو را ذکر خواهیم کرد .

از قرن هفتم هجری ببعد کتیبه هائی که موجود است همه بزبان فارسی است . و کتیبه های عربی بتدریج از میان رفته . باین معنی که در عصر سلاطین خلجی (۱۲۹۰-۱۳۲۰ میلادی) و تغلقی (۱۳۲۰-۱۴۱۳ م) و سادات کبیر (۱۴۱۴-۱۴۵۱ م) و لودی (۱۴۵۱-۱۵۲۶ م) و بالاخره در زمان سلاطین مغول گور گانی غالباً در کتیبه نگاری زبان فارسی جانشین زبان عربی شده است .

همچنین در امارت های کوچک اسلامی که از قرن هفتم هجری در جنوب شبه جزیره هندوستان و نیز در ناحیه بنگاله تأسیس شده اند اکثراً کتیبه های فارسی بجای عربی معمول گردیده است .

کتیبه های اردو : در زمان سلطنت مغولیه (گور گانی) هندوستان در اثر امتزاج زبان و فرهنگ هندی و ایرانی زبان جدیدی بظهور رسید موسوم به « اردو » . این زبان نوزاد اندك اندك دوره تكامل خود را در تمام شئون مدنی و اجتماعی طی نمود زبان فارسی را که بمنزله مادر آن بود تحت الشعاع خود قرار داد و بالاخره در ازمنه اخیر کتیبه نویسی اردو تاحدی جانشین فارسی شد . اولین کتیبه « اردو » که بنظر رسیده در روی دیوار غربی مقبره خواجه نظام الدین اولیا در دهلیست که تاریخ ۱۱۶۹ هجری دارد . ولی با وصف این حال زبان اردو تا عصر حاضر نتوانسته است کتیبه نویسی فارسی را یکباره محو و بکلی زایل نماید . هنوز عبارات و سطوریکه در غالب شهر های مسلمان نشین هندوستان بخط نستعلیق بر روی سنگهای مقابر و مساجد و ابنیه عمومی نقش میشود بیشتر بزبان فارسیست .

فهرست د کتر هورویتز : نسبت بکتیبه ها و خطوط اسلامی موجود در هندوستان د کتر هورویتز آلمانی در سال ۱۹۲۰ م . فهرست منظمی ترتیب داده که اگر چه ناقص است و کتیبه های بسیاری از بلاد هند را فاقد میباشد ولی متضمن فواید بسیار

است^(۱) و بعضی مسائل غامض را که مربوط بمبحث ماست در آن مقاله روشن میسازد. از جمله مینویسد: «کتیبه نگاری در دوره اسلامی هندوستان از اواخر نیمه دوم قرن ششم هجری شروع شده و کتیبه‌هایی را که تاریخ آن قبل از قرن مذکور است ظاهراً از خارج کشور هند داخل آن آورده‌اند. یک نمونه از این کتیبه‌های انتقالی پردی چوین است که از روی مقبره سلطان محمود بن سبکتگین شخصی انگلیسی بنام «لردالن برو (Lord Ellenborough)» برداشته و از غزه به هندوستان آورده و اکنون در قلعه آگره بنام «دروازه معبد سومنات(!)» موجود است و مناجاتی عبری از زبان سلطان بر روی آن منقور .»

احصاء مختصرو تقریبی از کتیبه‌های اسلامی از قرن هفتم یبعد که در فهرست د کتره‌ورویتر آمده قابل توجه است و ما آنرا زیلاً نقل میکنیم از اینقرار:

۱	کتیبه‌های اسلامی اعم از فارسی و عربی در قرن هفتم	۴۰	عدد
۲	« « « « «	۸۰	«
۳	« « « « «	۱۳۰	«
۴	« « « « «	۲۷۰	«
۵	« « « « «	۳۴۰	«
۶	« « « « «	۱۳۵	«
۷	« « « « «	۸۵	«
۸	« « « « «	۱۴۰	«

بطوریکه از این فهرست ملاحظه میشود شماره این کتیبه‌ها تا قرن یازدهم پیوسته روبازدید است و از آن تاریخ یبعد عدداً آنها کاسته میشود ولی بسیاری کتیبه‌های دیگر بفارسی وجود دارد که در این فهرست بحساب نیامده .

از حیث تعداد کتیبه‌های اسلامی در ایالات و صوبه‌های هند در شبه‌قاره هندوستان، از حیث کمیّت پنجاب در مرحله اول است و بعد استان شمالی (U.P.) و سپس بنگاله و بعد بمبئی و از همه فقیرتر ایالت مدراس است در جنوب: در گلبر که وحیدرآباد نیز کتیبه

بسیار دارد و بعد از آن بیجاپور. در شهرهای دهلی، احمدآباد، لاهور، فتح پور سیکری، آگره و کشمیر کتیبه های اسلامی زیاد یافت میشود. اکثر این کتیبه ها بزبان فارسی و بعد از آن عربی و بعضی دیگر مخلوطی از عربی و فارسیست. و چند کتیبه اسلامی هم بزبان فارسی و بخط سنسکریت یافت میشود. قدیمترین کتیبه فارسی در هندوستان شمالی بزبان فارسیست در مسجد قبة الاسلام در دهلی، که شرح آنرا بزودی خواهیم گفت.

در قرن هفتم کتیبه های عربی بر فارسی افزونی دارد ولی در قرن هشتم و نهم کتیبه های فارسی افزایش یافته و تفوق عددی حاصل میکند. در قرن دهم عربی رو با انحطاط میرود و در قرن یازدهم اصلاً کتیبه عربی دیده نمیشود، عجب آنکه در قرن دوازدهم مجدداً کتیبه های عربی ظاهر شده اند. کتیبه های عربی بنثر است و مشتمل بر آیات قرآنی و احادیث نبویه و غالباً دارای اغلاط فاحش نحوی میباشند. کتیبه های فارسی با آنکه ابتدا قدیمترین آنها بنثر است ولی بعدها بصورت ابیات منظوم درآمد که در ضمن قطعات و رباعیات، باز کر تخلص شاعر در بیت آخر، بر روی احجار حکاکی شده اند.

کتیبه های مساجد و مقابر و اماکن مقدسه مذهبی غالباً بمقصود ذکر تاریخ بنا

و نام بانی بظهور رسیده و وسیله خوب و سندی معتبر است برای مطالعه سبک معماری اسلامی در قرون مختلفه در هندوستان. بعضی از این کتیبه های مذهبی که خیلی نادر ولی جالب توجه اند عبارتست از چند کتیبه های ابنیه مذهبی هندو که مربوط بمعابد هندو میباشند ولی بخط و زبان فارسی نوشته شده، مانند کتیبه شاه عالم دوم (۱۱۷۸ هجری) راجع به «دورگا» و مانند معبد «شیوا» در شهر مترا (Muttra) که در سال ۱۲۲۲ هجری ساخته شده و هر دو دارای کتیبه فارسی میباشند. از این عجیب تر عکس آن است: یعنی کتیبه دیگری است که بخط و زبان سنسکریت و مشتمل بر وقفنامه یکی از مساجد اسلامی است. این کتیبه در وراوال Veraval (صوبه بمبئی) بتاریخ ۶۶۲ هجری در زمان امیر رکن الدین پادشاه هرمز شخصی بنام نورالدین فیروز مسجدی بنا نموده، و موقوفات آنرا باخط و زبان سنسکریت در روی سنگ کتیبه کرده است. متن عربی این کتیبه در سومنات پتهن در مسجد قاضی نوشته شده و موجود است.

يك نمونه از کتیبه های فارسی که از حیث نشرو نظم و خط نستعلیق در نهایت نفاست و زیبائی است در اینجا بطور نمونه ثبت مینمائیم و آن مربوط بدوره سلطنت شاه جهان میباشد که در آن دوره کلام و خط فارسی در هندوستان باوج کمال خود رسیده بود. این کتیبه صورت وقفنامه کاروانسرائی است و لوحه سنگ مرمر آن (بطول ۱۱/۷ پا × ۲/۵ پا) در موزه پرنس آف ویلز (Prince of Wales Museum) هم اکنون در شهر بمبئی موجود است (رجوع شود به تصویر شماره ۲) اصل این کاروانسرا در بلده سورت در صوبه گجرات واقع بوده است (۱).

۱- کتیبه وسط (شعر):

- | | |
|-----------------------------|------------------------|
| ۱ بنام فروزنده مهر و ماه | بدوران شاهجهان پادشاه |
| ۲ بنا کرد خان حقیقت سرشت | بصورت سرائی بمعنی بهشت |
| ۳ بتاریخش آمد ز چرخ این ندا | همایون سرای حقیقت بنا |

ه ۱۰۵۴

کتیبه حاشیه (نثر):

«حسبه لله تعالی و تقدس۔ مرید با اخلاص حضرت صاحبقران ثانی ظل سبحانی شاه جهان پادشاه غازی اسحق بیگ یزدی المخاطب حقیقت خان بانی این کاروانسرا گشت . و لمرضات الله تعالی وقف نمود بدین شروط که از علما و صلحا و فقرا و زائران حرمین شریفین لوجه الله بهیچوجه چیزی نگیرند و از مترددین دیگر که کرایه بگیرند بعد از خرج تعمیر سرا و خدمه از دربان و آبکش و خا کروب و خوراک کار که لازم است تاسرا همیشه آباد و باصفا باشد، آنچه بماند بزیاران حرمین شریفین دهند و سپاهی از سواره و پیاده مطلقاً جا ندهند که سرا بجهت نزول و راحت و آسایش مسافرانست . عامل این امور از فضل و رحمت نامتناهی امیدوار و خلاف نماینده بلعنت ابدی و عذاب سرمدی گرفتار فمن بدله بعدما سمعه فانما ائمه علی الذین یبذلونه اللهم اغفر لنا ولوالدینا کتبه محمد امین المشهدی .



کتیبه کاروانسرا در بلدة سورت

مقابل صفحه ۱۶

1. The first part of the paper is devoted to a general discussion of the problem of the existence of a solution of the system of equations

$$\frac{dx}{dt} = A(x)u, \quad x(0) = x_0, \quad u(t) \in U, \quad t \in [0, T],$$

where $A(x)$ is a matrix-valued function, u is a control function, U is a set of admissible controls, and x_0 is a given initial condition.

2. In the second part, we consider the case of a linear system of equations, where $A(x)$ is a constant matrix.

3. In the third part, we consider the case of a nonlinear system of equations, where $A(x)$ is a nonlinear function of x .

4. In the fourth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$.

5. In the fifth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying control function u .

6. In the sixth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying initial condition x_0 .

7. In the seventh part, we consider the case of a system of equations with a time-varying set of admissible controls U .

8. In the eighth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying time interval $[0, T]$.

9. In the ninth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying control function u .

10. In the tenth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying initial condition x_0 .

11. In the eleventh part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying set of admissible controls U .

12. In the twelfth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying time interval $[0, T]$.

13. In the thirteenth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying matrix $B(x)$.

14. In the fourteenth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying control function u and a time-varying matrix $B(x)$.

15. In the fifteenth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying initial condition x_0 and a time-varying matrix $B(x)$.

16. In the sixteenth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying set of admissible controls U and a time-varying matrix $B(x)$.

17. In the seventeenth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying time interval $[0, T]$ and a time-varying matrix $B(x)$.

18. In the eighteenth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying matrix $B(x)$ and a time-varying control function u .

19. In the nineteenth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying matrix $B(x)$ and a time-varying initial condition x_0 .

20. In the twentieth part, we consider the case of a system of equations with a time-varying matrix $A(x)$ and a time-varying matrix $B(x)$ and a time-varying set of admissible controls U .

موضوع کتیبه‌ها : بعضی از این کتیبه‌ها راجع است بنسخ مالیاتها و احقاق حق مظلومین و حفر چاهها و بنای آب انبارها و بعضی دیگر که مربوط بامور مذهبی نیست عبارتست از کتیبه قلاع و دروازه‌ها و قصور و پلها و حمامها و باغها و دکانین و بالاخره توپهای جنگی که بر روی لوله های فلزی آن اشعار پارسی ظریفی حکاکی شده است.

قدیمترین کتیبه فارسی : قدیمترین کتیبه فارسی که از حیث تاریخ اقدام از آن دیده نشده چنانکه سابقاً گفتیم دو کتیبه است^(۱) - کتیبه اول در پیشانی داخلی سردرب دروازه شرقی مسجد قبة الاسلام (معروف به قوه الاسلام) در شهر دهلی وجود دارد و آن لوحه ایست سنگی بطول ۹۱ اینچ و عرض ۱۳ اینچ در دو سطر. سطر اول مشتمل بر آیاتست از قرآن شریف (سوره آل عمران آیات ۹۲ و ۹۶) و در سطر دوم این عبارت بخط بسیار پیچیده کتیبه شده است :

« این حصار را فتح کرد و این مسجد جامع را بساخت بتاریخ فی شهر سنه سبع و ثمانین و خمسّمائة امیر اسفہسالار اجل کبیر قطب الدولة والدین امیر الامر ایبک سلطانی اعزّ الله انصاره بیست و هفت آلت بتخانه کنی در هر بتخانه دوبار هزار وار هزار دلیوال صرف شده بود درین مسجد بکار بسته شده است خدای عزّوجلّ بر آن بنده رحمت کناد هر که بر نیت بانی خیر دعای ایمان گوید ».

بطوری که ملاحظه میشود این کتیبه در سال ۵۸۷ هجری مطابق سال ۱۱۹۱ میلادی نوشته شده است و آن ظاهر آهمان سالیست که قطب الدین ایبک دهلی را فتح نمود (تاریخ وفات قطب الدین ایبک ۶۰۷ هجری است) گرچه بعضی از محققین معتقدند که این کتیبه را چند سال بعد از بنای مسجد ساخته و در آنجا نصب کرده اند^(۲) ولی بهر حال کتیبه این مسجد که در عهد سلطنت شهاب الدین محمد سام غوری بدست

۱- نویسنده این سطور در سال ۱۳۳۴ ه این دو کتیبه را معاینه کرده از یکی از آنها که ممکن بود عکس برداشت که در اینجا مندرج است .

۲- رجوع شود به مجله *Epigraphia Indo - Moslemica* (12-1911) صفحه ۱۳ .
 ایضاً رجوع شود به کتاب آثارالصنادید تألیف مرحوم سیداحمدخان فصل چهارم کتیبه یکودو.

سپهسالاراو قطب‌الدین ایبک ساخته شده قدیمترین کتیبه فارسی موجوده در هندوستان است .

و نیز در بنیان طبقه اول - منار قطب - در همان مسجد نزدیک درب مناره بقایای يك کتیبه فارسی دیگر دیده میشود باین عبارت : « این مناره فضل ابوالمعالی - » ظاهراً این کتیبه نیز از عهد محمد بن سام باقی مانده باشد .

هم چنین در سر درب داخلی دروازه شرقی همان مسجد کتیبه دیگری است که آن نیز بزبان فارسی و بر روی سنگی بطول نوزده اینچ و نیم و بعرض پنجاه و هشت اینچ و سه ربع اینچ میباشد يك سطر فارسی بهمان خط پیچیده نوشته شده است و این چنین خوانده میشود :

« این مسجد را بنیاد کرد قطب‌الدین ایبک خدای بر آن بنده رحمت کند
هر کی بانی این خیر را دعای ایمان گوید » . (رجوع شود به تصویر شماره

(دوم)

دومین کتیبه قدیم فارسی: دومین کتیبه فارسی که بعد از کتیبه سابق اقدم کتیبه

های موجود است و تابحال معلوم شده در مقبره شیخ احمد خندان در شهر بداون (Badaon) واقع است . این کتیبه بخط فارسی بشیوه‌ای بین نسخ و طغرا تحریر و شبیه است بخطی که در طبقه دویم منار قطب در دهلی بکار رفته ، و با کتیبه های موجوده در مسجد قبه الاسلام شیوه واحد دارد و تحول خط کوفی را در هندوستان شمالی نشان میدهد .

قسمت عمده این کتیبه متأسفانه از میان رفته و فقط نام بانی بنا که شخصی موسوم به «یتکین» بوده است (ظاهراً ملك جمال‌الدین ایتکین یکی از امرای دولت غیاث‌الدین بلبن است که در حدود سال ۶۸۱ هجری بامر آن سلطان بدار آویخته شد) خوانده میشود و عبارت آن چنین است .

« ییامرزاد کی بنده یتکین بانی این خیر را بدعا رحمت مدد نماید و کتب
فی الغرة من رمضان سنة ثلث وثمانین وستمائة » (۱)

۱- رجوع شود بکتاب کنزالتواریخ تألیف محمد رضی‌الدین صفحه ۶۳ ایضاً مجله



تصویر شماره ۲ - کتیبه دروازه شرقی مسجد قبة الاسلام ، دهلی



تصویر شماره ۳ - کتیبه شیخ احمد خندان در شهر بدارن

بطوری که ملاحظه می شود این کتیبه نود و شش سال بعد از کتیبه نخستین بوجود آمده است . (رجوع شود بتصویر شماره سوم)

دیگر لوحه سنگ قبر کهنسالی که در موزه قلعه سرخ دهلی بشماره ۴۰/۱۰۰۱ موجود است يك سطر فارسی از اوایل قرن هفتم دارد که در عداد قدیمترین آثار کتیبه های فارسی هند بشمار است . نام قطب الدین ایبک را ذکر میکند - گویند این سنگ در قریه «مهرولی» در جنوب دهلی کشف شده و از آنجا بآن موزه آورده شد ولی صحت آن قول محل تردید است. اهمیت این کتیبه از لحاظ تاریخ آنست و با آنکه خط آن بسیار محو شده هنوز چنین خوانده میشود .

در حاشیه - «شهد الله انه لا اله الا هو الملئكة والوالعلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام في شهر سنة ثمان وستمائة»

۶۰۸

در ذیل متن - «..... بنده بر آورده کرد.... بقعه بر سد قطب الدین ایبک را دعا گوید»



قدیمترین کتیبه فارسی در جنوب هندوستان : دو کتیبه مذکور در فوق اقدم کتیبه های موجود در هندوستان شمالی است اما قدیمترین کتیبه فارسی در جنوب هندوستان بنا بر آنچه تا کنون معلوم شده در شهر کلبر گه (Gulbarga) پایتخت سلاطین بهمنیه دکن وجود دارد . این سلاطین که در قرن هشتم و نهم و دهم هجری از ۱۳۴۷ تا ۱۵۳۸ م . در جنوب هندوستان سلطنت کرده اند در شهر کلبر که مسجدی ساخته اند که دارای کتیبه ای فارسی است . و قسمت عمده آن کتیبه بمرور زمان محو شده ولی قسمت اخیر آن که مشتمل بر نام سلطان زمان و بانی مسجد و تاریخ آنست محفوظ مانده و از این قرار خوانده میشود :

«این مسجد مبارک الله تعالی و تبارک بعهد بانی مبانی خیرات و قبله اقبال سعادت خدایگان سلاطین علاءالدین ابوالمظفر بهمن شاه عمر الله دینه و دنیا بنده امیدوار حضرت کبریا سیف دولتشه در شهر اربع و

خمسین و سبعمائة عمارت کرد ابدالاباد آباد باد ، بحق عامر بیت معمور و کعبه مشهور» (۱)

بطوری که ملاحظه میشود این کتیبه در ۷۵۴ هجری در جنوب هندوستان بوجود آمده و در حدود صد و هفتاد سال بعد از پیدایش کتیبه فارسی در شمال هندوستان است .

چنانکه گفتیم کتیبه های فارسی با انواع گوناگون است که مهم تر از همه چهار نوع میباشد : (۱) کتیبه های قصور سلطنتی . (۲) کتیبه های مساجد و اماکن مذهبی . (۳) کتیبه های متفرقه : از قبیل پل ها و دروازه ها و چشمه سارها و چاه های آب و غیره . و ما در این رساله از سه نوع فوق بذکر چند نمونه که از آثار مشهور فارسی است اکتفا میکنیم . نوع (۴) که عبارت از کتیبه های موجود بر سنگهای قبور و مزارات شعرا و در گاههای مشایخ متصوفه است موضوع کلام ما در فصل چهارم این مقاله میباشد .

فصل دوم - کتیبه‌های فارسی در قصور سلطنتی

بهترین نمونه کتیبه‌های فارسی در قصور سلطنتی هند از زمان سلاطین مغولیه باقی مانده است که هم از حیث عبارت فصیح و بلیغ و هم از حیث نظم سلیس و روان و هم از جهت خط ظریف و زیباست. اگر تمام کتیبه‌های فارسی قصور سلطنتی سلاله‌های مختلف سلاطین مسلمان هند را بخواهیم در اینجا ذکر نمائیم از حوصله این مقال خارجست بنابراین بذکر چند نمونه و مثال معروف اکتفا خواهد شد.

۱- قلعه سرخ دهلی - قصر سلاطین مغولیه (از عهد شاهجهان ببعد)

در عمارت خوابگاه یا «بری بیتک» که عمارت ظریف نفیسی است از سنگ مرمر و اطراف آن مملو است از پرچین‌سازی و منبت‌کاری و در آن شاه نشینی است شامل دو محراب: محراب شمالی و محراب جنوبی. در محراب جنوبی در روی مرمر سفید بخط نستعلیق با آب طلا این کتیبه ظریف منقوش است: (۱)

«سبحان الله این چه منزلهاست رنگین و نشیمنهاست دلنشین قطعه بهشت برین چون گویم که قدسیان همت بلند بتماشایش آرزومند. اگر ساکنان اطراف و اکناف بسان بیت‌العتیق بطوافش آیند رواست و اگر نظارکیان انفس و آفاق مثل حجر اسود به تقبیل آستان رفیع الشان شتابند سزا. آغاز قلعه والا که از کاخ گردون برتر است و رشک سد اسکندر. و این عمارت دلگشا و باغ حیات بخش که در منازل چون روح در بدن است و شمع در انجمن. و نهر اطهر که آب صافیش به نیاز آئینه جهان نماست و دانارا از عالم غیب پرده کشا. و آبخارها که هر يك گوئی سپیده صبحدم است یا لوحه اسرار از لوح و قلم و فواره‌ها که هر کدامش پنجه نور است.....»

در کتیبه محراب شمالی چنین منقوشست (دنباله عبارت فوق) :

«بمصافحه آسمانیان مائل ، یالآلی متلا لی است بانعام زمینیان نازل . و حوض که همه از آب زندگانی پر بصفا رشك نور و چشمه خور - دوازدهم ذی الحجه سال دوازدهم جلوس اقدس مطابق هزار و چهل و هشت هجری بعالمیان نوید کامرانی داد و انجامش که بصرف پنجاه لك رویه صورت پذیرفت بیست و چهارم ربیع الاول سال بیست و یکم جلوس همایون موافق سنه هزار و پنجاه و هشت بفر قدوم میمنت لزوم گیتی خدیو کیهان خداوند بانی این مبائی آسمانی - شهاب الدین محمد صاحبقران ثانی - شاهجهان پادشاه غازی در فیض بروی جهانیان بکشاد».

و نیز این ابیات با آب طلا بر دیوار نقش شده :

« شهنشاه آفاق شاه جهان	باقبال ثانی صاحبقران
در ایوان شاهی بصد احتشام	چو خورشید بر چرخ بادا مدام
اساسی است تا ناگزیر این بنا	بود قصر اقبال او عرش سا
زهی دلنشین قصر پیراسته	بهشتی بصد خوبی آراسته
شرافت یکی آیه در شأن او	سعادت در آغوش ایوان او
چو..... در این سرای سرور	کند..... از جبهه دور
بیایش سر صدق هر کس که سود	چو دریای جون آبرویش فروز
زمانه چو دیوار او بر فراشت	به پیش رخ مهر آئینه داشت
زبس روی دیوارش آراسته است	ز نقاش چین رونما خواسته است
چنان بر سرش دست ایام کرد	که گردون بلندی از او وام کرد
ز فواره و حوض دریا نشان	بآب زمین شسته رو آسمان
چو جای شهنشاه عادل بود	از آن پادشاه منازل بود »

در شاه محل یا دیوان خاص این شعر بر دیوار هر محراب بخط نستعلیق زیبا با

آب طلا نقش شده است :

«اگر فردوس بر روی زمین است همینست و همینست و همینست»

نیز در عمارت خوابگاه درغرفه‌ای که در طرف شرقی عمارت واقع شده و دریچه‌های آن بطرف رود جمنا باز میشود و ظاهراً محل خواب شاهجهان بوده است این رباعی بخط نستعلیق بسیار ظریف مسطور است :

ای بند پبای قفل بر دل هشدار وی دوخته چشم پای بر گل هشدار
عزم سفر مغرب و رو در مشرق ای راهرو پشت بمنزل هشدار
در خارج این خوابگاه در اوایل قرن سیزدهم بامر اکبر شاه دویم ایوان کوچکی هشت گوش ساخته شده که بیرج مثنی معروفست و در گرداگرد دیوار آن این قطعه که متضمن تاریخ بناست بخط نستعلیق کتیبه شده است:

ثنا و حمد سزاوار مالک الملکی	که کرد پادشه دهر همچو شاهنشه
کز اب وجدشه و ابن شاه است تا تیمور	جهان پناه و فلک بار که ستاره سپه
معین دین و ابوالنصر اکبر غازی	شه جهان و جهانگیر عهد و ظل الله
بروی برج مثنی ز نو مرتب ساخت	نشیمنی که بر او چشم دوخت مهر و مه
زسیدالشعرا کرد حکم تاریخش	که بر سفید بماند نوشته حرف سپه
نوشت مصرع تاریخ این بنا سید	«بود نشیمن عالی اساس اکبر شه»

۱۲۲۳



۲- درقلعه سرخ اکبر واقع در شهر آگره (اکبر آباد) : در شهر آگره که

روزگاری دراز تختگاه اکبر و جهانگیر و شاهجهان بوده است کتیبه‌های فارسی زیاد دیده میشود. از جمله درقلعه سرخ که ارگ سلطنتی است بر روی دیوار عمارتی که برای دیوان خاص شاهجهان بنا کرده است این کتیبه که متضمن ماده تاریخ بنامیباشد منقوشست :

از این دلگشا قصر عالی بنا	سر اکبر آباد شد عرش سا
بود کنگرش از جبین سپهر	نمایان چو دندان سین سپهر
سجود در این سرای سرور	کند سر نوشت بد از جبهه دور

شرافت یکی آیه در شأن او	سعادت در آغوش ایوان او
ره جور از بیش و کم بسته است	بزنجیر عدلش ستم بسته است
بنازم بزنجیر کز عدل شاه	همه چشم شد در ره داد خواه
بر احوال مردم چنان سر حساب	که داند چه بینند شبها بخواب
در ایوان شاهی بصد احتشام	چو خورشید بر چرخ بادا مدام
چو ایوان او عالم آرای شد	سر خاک از او آسمان سای شد
شهنشاه آفاق شاه جهان	که نازد بر او روح صاحبقران
باین رونق و زیب و زینت مکان	ندیده بروی زمین آسمان
بود صحن بامش چو سیمای مهر	بزیرش فتاده چو سایه سپهر
بتاریخش اندیشه آورد رو	در فیض شد باز از چار سو
چنین گفت طبع حقایق شناس	«سعادت سرای وهمایون اساس»

۱۰۴۶

تاریخ بنای شاهجهانی در آن قصر از کلام ابوطالب کلیم کاشانی است :

پیش دولت سرای شاهجهان	طاق کسری جبین نهد بر خاک
بهر تاریخ قصر او بدعا	قدسیان گفته اند از دل پاک
«طاق ایوان پادشاه جهان	باد محراب انجم و افلاک»

۱۰۴۰

و نیز در صفا ایوان بالائی قصر در همان قلعه تختی است از سنگ مرمر سیاه صیقلی بطول سه متر (تقریباً) و بعرض دو متر که در چهار طرف آن قطعه‌ای در ماده تاریخ بخط نستعلیق بسیار ظریف منقور است و این تخت برای جهانگیر ساخته شده است چون همه جا اشاره بنام او شده (جهانگیر ابتدا سلطان سلیم نامیده میشده است):

باشد این تختگاه فرخنده	تکیه گاه خدایگان کریم
پادشاهی که تیغ او سازد	چون دویگر سرعدو بدو نیم
.....	
پی تاریخ او بفکر شدم	مددی جستم از خدای حلیم؟

تا فلك تختگاه خورشید است گفت «ماند سریر شاه سلیم»

۱۰۱۱

و در دوطرف تخت دو دایره کوچک منقور است که در میان آن ها این بیت نوشته شده است :

همیشه باد مزین بنور مهر آله سریر حضرت سلطان سلیم اکبر شاه
و بر جبهه آن تخت بخط نستعلیق ریزتری این رباعی کنده شده که اشاره بنام
گذاری آن پادشاه مینماید :

چون شاه سلیم وارث تاج و نكین بر تخت نشست و بست گیتی آئین
شد اسم مبارکش جهانگیر چو ذات از نور عدالت لقبش نورالدین

۳- در قلعه فتح پور سیکری : قلعه فتح پور سیکری که مدت هیجده سال در آغاز
سلطنت پایتخت جلال الدین محمد اکبر پادشاه بوده است در اطاق کوچک فوقانی که
نشیمنگاه خود آن پادشاه است بالای هر يك از آن درها باب طلا این ابیات چهار گانه
مسطور است :

قصر شاهیت بهر باب به از خلد برین
سخنی نیست در این باب که خلدیست برین
غرفه شاه نشینش خوش و مطبوع و بلند
کرده در قطعه او جنت اعلی تضمین
چون ملك هر که کند سجده خاك در تو
شود از خاصیت خاك درت زهره جبین
فرش ایوان ترا آینه سازد رضوان
خاك درگاه ترا سرمه کند حورالعین

☆☆☆

۴- کتیبه های فارسی در قصور راجه های هند : باید دانست که نقش کتیبه

فارسی نثراً و نظماً که متضمن مادهٔ تاریخ باشد منحصر بقصور سلاطین مسلمان نمی باشد بلکه امرای هندو و مهاراجه ها نیز هر يك در تختگاه خود کاخها و قصور بنا کرده و بتقلید سلاطین مغول مسلمان در آن ها مادهٔ تاریخ و شرح بنا را بفارسی کتیبه نموده اند اینک برای نمونه یکی را ذیلاً ذکر میکنیم :

قصهٔ آمبر : در آمبر (Amber) که تا سال ۱۷۲۸ م. پایتخت مهاراجه (جی پور)

بوده است و در پنج میلی آن شهر بزرگ روی تل مرتفعی قرار گرفته يك قصر قدیمی موجود است که در اوایل قرن هفدهم میلادی بناشده و از نفایس آثار معماری هندوستان میباشد و مهاراجه مان سینگ (Man Singh) بنای آنرا شروع نموده و مهاراجه جی سینگ (Jai Singh) آنرا با تمام رسانده است .

نویسنده این سطور در هنگامی که بتماشای این قصر رفتم بجستجوی کتیبهٔ فارسی بودم ولی چیزی یافت نشد تا بعد از تفحص بسیار یکی از خدمه کهنسال مرا بزایه تنک و تاریکی رهبری کرد که لوحه ای از سنگ مرمر بر روی زمین نصب کرده و در روی آن این کتیبه بزبان فارسی نقر شده بود . (ظاهراً این لوحه در آغاز در محل مرتفعی نصب شده بوده بعدها آنرا از محل خود کنده و باینجا نقل کرده اند) :

« در عهد شهنشاه سلاطین نشان جلال الدنیا والدین محمد اکبر پادشاه خلدالله ملکه بامر عالی بانی قصر سلطنت و کامرانی انوشیروان ثانی مهاراج راجه مان سینگ ابن مهاراج خلدالله اقباله بتاریخ شهر ذیحجه سنه هزارو هشت این بنای جنت مثال در مدت بیست و پنج سال در نهایت اهتمام زینت اتمام و زیب اختتام یافت بالخیر والاقبال .

همیشه تا که بنای فلک بود بادا بنای دولت عمر تو از خلل خالی

تمت فی سنة ۱۰۰۸

فصل سوم = کتیبه‌های فارسی مساجد

چنان که مذکور شد برای ذکر تاریخ بنا و نام بانی در اماکن مقدسه مخصوصاً در مساجد که درازمنه مختلف در سرتاسر شبه قاره هندوستان به همت سلاطین و امرا و وزرای مسلمان و ارباب خیرات بنامیشده است کتیبه‌هایی بزبان فارسی هم اکنون موجود است که احصاء آنها از حوصله این رساله بیرون می‌باشد.

مادر این فصل بذکر چند نمونه و مثال از مساجد مهم و تاریخی که نویسنده سطور آنها زیارت نموده و یا در باب آنها مطالعاتی کرده است اکتفای نمائیم و آنها را ذیلاً به ترتیب نظم تاریخی ذکر می‌کنیم:



۱ - مسجد کهنه در نواحی فتح پور (سیکری): شهر سیکری در نزد مورخین

مسلمانان از آن جهت معروفست که چنانکه در فوق گفتیم چند سال پایتخت امپراطور عظیم هند اکبر بن همایون بوده است و در آنجا ابنیه و قصور عیدیه و مسجدی عظیم بنیاد نهاده که از حیث معماری و حجاری در جهان بی نظیر است و محل توجه سیاحان و جهانگردان عالم می‌باشد و مدفن شیخ سلیم چشتی که مورد حرمت و احترام آن پادشاه بوده است هم در جنب آن مسجد واقعست. اینک آنجا را فتح پور نام نهاده‌اند (یعنی شهر فیروزی) از آن جهت است که در آنجا بابر جد اعلای سلاطین مغولیه هند لشکر عظیم راجپوت را که بر علیه او تجهیز شده بود در سال ۱۵۲۷ م. درهم شکست.

ولی باید دانست که آن ناحیه چند قرن قبل از حمله بابر در تحت نفوذ تمدن اسلامی قرار داشته است زیرا در خرابه‌های قدیم آن دو کتیبه از عهد علاء الدین خلجی باقی مانده که مربوط با اوایل قرن هشتم هجریست. یکی از این کتیبه‌ها متعلقست به مسجد خرابه‌ای بنام «مسجد انبیاء ولی» در قصبه ناگار (Nagar) در حومه فتح پور. و آن مسجد کوچکی

است که بسبب معماری شرق ایران ساخته شده و آن لوحه‌های کتیبه‌را در دیوار شرقی حیاط مسجد نصب کرده‌اند. خط این کتیبه با آنکه کم‌کم در اثر تصرف هوا محو می‌شود هنوز تاحدی خوانده می‌شود؛ از این قرار است :

« تمام شد این عمارت مسجد در عهد خلافت پادشاه جهان و خسرو زمان ناصر زمرهٔ مظلومان علاء الدین و الدین مغیث الاسلام و المسلمین القائم بحجة الله المخصوص بعناية الرحمن محمد شاه السلطان خلدت خلافته بتاریخ روز چهارشنبه دوازدهم ماه شوال سنه ثلاث عشر و سبعه مائة » (۱).

۷۱۳



۲ - مسجد کوتله نظام الدین : این مسجد متصل بدرگاه نظام الدین اولیاء در دهلی واقعست و یکی از امراء فیروز شاه در سال ۷۷۲ هـ / ۱۳۷۰ م آنرا بنا کرده و بر دروازه آن کتیبه دارد که از این قرار است:

« بکرم و فضل حق سبحانه و تعالی در عهد دولت سلطان السلاطین الزمان الوائق بتائید الرحمن ابوالمظفر فیروز شاه السلطان خلد الله ملکه و اعلى امره و شأنه این مسجد بنا کرد بنده زاده در گاه آسمان جاه عالم پناه جوانان شه مقبول الملقب بخان جهان ابن خان جهان در سال هفتصد و هفتاد و دو از هجرت پیغمبر. خدای بآن بنده رحمت کند هر که در این مسجد نماز بگذارد این بند را بقاتحت و دعای ایمان یاد کند » (۲).

و باید گفت که فیروز شاه تغلق را نیز مسجد مهمی در همان نزدیکی است که بسال ۷۷۵ هـ / ۱۳۷۴ م از سنک و ساروج بنا کرده و در تاریخ فرشته و تاریخ فتوحات فیروز شاهی از آن نام برده‌اند و آن در روزگار قدیم مسجد جامع شهر دهللی بوده و در سال ۸۰۱ هـ / ۱۳۹۷ م که امیر تیمور دهللی را فتح کرد در آن مسجد خطبه بنام او خوانده‌اند.

۳ - کالی مسجد یا کلان مسجد : در زمان فیروز شاه تغلق وقتی که شهر جدیدی در عرصهٔ دهلی که اکنون در جنوب شاهجهان آباد (دهلی کهنه) قرار دارد بنام «فیروز آباد» بنا گردید در یکی از محلات شهر خان جهان در سال ۷۸۹ هجری (۱۳۸۷ مسیحی) مسجدی بنا کرد. وقتی که شهر فیروز آباد ویران گردید و (شاه جهان آباد) ساخته شد این مسجد در داخل شهر واقع گشت و اکنون در مکان مرتفعی در نزدیکی «تر کمان دروازه» در دهلی قدیم واقعست و در سردر مسجد این کتیبه بخط نسخ موجود.

«بسم الله الرحمن الرحيم بفضل وعنايت آفریدگار در عهد دولت پادشاه دیندار
الوائق بتائید الرحمن ابوالمظفر فیروز شاه السطان خلد ملکه این مسجد بنا
کرد بنده زاده در گاه جوانان مشه مقبول المخاطب خان جهان ابن خان جهان.
خدای بر آن بنده رحمت کند هر که در مسجد بیاید بدعاء خیر پادشاه
مسلمان و این بنده بفاتحه و اخلاص یاد کند حق تعالی آن بنده را بیامزد.
بحرمة النبی وآله مسجد مرتب شد بتاریخ دهم ماه جمادی الآخر سنه تسع
و ثمانین و سبعمة» (۱).

۷۸۹



۴ - مسجد قلعه کهنه دهلی : شیر شاه افغان سوری که در حدود نهصد و چهل- و هشت هجری مطابق ۱۵۴۱ م. در هندوستان سلطنت میکرده است در پورانا قلعه (قلعه کهنه) دهلی بمناسبت جلوس خود در همان سال مسجدی بنا کرده است که بسیار خوش منظر و زیباست و در همه جا آیاتی از قرآن مجید بخط نسخ و کوفی منقوش گردیده است. در اکبر نامه این مسجد را مسجد جامع دهلی میخواند و در کتیبه های آن این شعر موجود است:

«تا جهان آباد باشد این مقام آباد باد
خلق عالم اندرش هم خرم و هم شاد باد»

وپسر شیرشاه - اسلام شاه - نیز در آنجا کتیبه‌ای دارد پارسی بتاریخ سنه ۹۵۲^(۱)



۵ - مسجد آمبر : در میان خرابه‌های شهر قدیم « آمبر » (Amber) پنج میلی

چیپور مسجدی موجود است که بامر جلال الدین اکبر ساخته شده و در آنجا نیز بر روی لوحه سنگی از سنگ سرخ چندبیتی فارسی نقر شده که آن ابیات اینست:

چون بحکم نافذ شاهنشہ گردون شکوه

اکبر غازی جلال الدین محمد پادشاه

شد بنا بهر نماز جمعه از بهر ثواب
مسجدی در گوشه امبیر از لطف اله

شد تمام این مسجد اندر نهصد و هفتاد و هشت

مردم اسلام را این مسجد آمد سجده گاه

۹۷۸



۶ - مسجد جامع فتح پور سیکری : نیز در پهلوی مقبره شیخ سلیم چشتی در

قصبه فتحپور سیکری که در ابتدای سلطنت اکبر پایتخت او بوده است مسجد نظریقی قرار دارد که از لحاظ معماری از تفایس مساجد هندوستان است و نمونه کاملی از معماری اسلامی عصر مغولی میباشد ولی با اقتباس از معماری سبک هندو ساخته شده . گویند این مسجد را اکبر پادشاه مغول بنذر و شکرانه تولد جهانگیر بامر شیخ الاسلام شیخ سلیم چشتی بنیاد نهاد. عمارتش همه از سنگهای ظریف است و پنج لك رویه بمصرف ساختمان آن رسیده^(۲) و در عالم اسلام بی نظیر است . در طرفین پایه درب ورود آن مسجد این قطعه مشتمل بر ماده تاریخ و نام بانی کتیبه شده است :

در زمان شه جهان اکبر که ازو ملک در نظام آمد

۱ - رجوع شود بآثار الصنادید کتیبه نمرة ۲۳ .

۲ - رجوع شود به مفتاح التواریخ طبع نولکشور ، ص ۱۸۱ .

شیخ الاسلام مسجدی آراست کز صفا کعبه احترام آمد
 سال اتمام این بنای رفیع « ثانی المسجد الحرام » آمد
 ۵۹۷۹ .



۷- مسجد جامع اله آباد :- مسجدیست عالی در قلعه اله آباد (که فعلا جایگاه پادگان نظامی است) و بانی آن شایسته خان از امرای عصر شاهجهان است و آن در سنه ۱۰۵۶ بنا شده . يك منظومه بیست و سه بیتي مشتمل بر تاریخ در داخل مسجد نزدیک کتبند منقوش است . مطلع آن اینست :

« زهی بنای همایون که در اله آباد بحکم پادشه دین پناه شد بنیاد »
 و مقطع آن این بیت است :

« بگفت هاتف تاریخ سال تعمیرش بر آستانش مهر منیر سر بنهاد »
 هزار و پنجاه و شش رفته بود از هجرت که دست باز کشید از عمارتش استاد
 باهتمام مرید فدوی خلیل الله موسوی باتمام رسید . »

اگر کلمات « آستان » و « مهر منیر » را جمع کنند بحساب جمل ۱۰۵۶ استخراج میشود .



۸- مسجد جامع اکبر آباد (آگره) . در نزدیکی قلعه سرخ قرار دارد . بنای جهان آرا بیکم و کسری دختر شاهجهانست . مسجد زیبا و مجللی میباشد . یکصد ذرع طول و صد ذرع عرض و هشتاد ذرع مربع صحن آنست ، مشتمل بر سه کتبند عالی و پنجاه ایوان . کتیبه ای بخط طغری دریشانی آن عمارت بر سنگ مرمر نقر شده که زیلا درج میشود . نکته جالب در این کتیبه آنست که مبلغ مصارف آنرا بروپیه هندی و معادل آنرا بیول ایران و ترکستان ذکر کرده :

«این مسجدیست شریف خدا پرستان روی زمین را، و معبدیست منیف عبادت گزین را، منظریست نور افزا دیده و ران عبادت آئین را، و مسکنی است دلگشا عارفان حقیقت بین را که بامر رفیع القدر نواب فلك جناب، خورشید احتجاب، آفتاب همت، نقاب عفت سیده نساء زمان، صاحبۀ نسوان دوران، ملکه جهان، مالک کیهان، ناموس العالمین، اعز اولاد امیر المؤمنین، جهان آرا بیگم در عهد سعادت مهد صاحب عصر والی دهر، ظل ظلیل، حضرت سلطان، خلیفه خلیل ایزد مئتان، باعث امن و امان، پادشاه هفت اقلیم، برازنده تخت و دیهیم، حارس ملک و ملت، قانع جور و بدعت، پادشاه دین پناه، شهنشاه حق آگاه، مظهر کرم وجود، برگزیده حضرت معبود، فرمانفرمای بحر و بر، داد ده عدل گستر، رافع اوای بر و احسان، جهان بان ملکستان، مقنن قوانین رعیت پروری و پرورده نوازی، ابوالمظفر شهاب الدین محمد صاحبقران ثانی شاهجهان پادشاه غازی. بمبلغ پنج لک روپیه که قریب هفتده هزار تومان رایج ایران و بیست و پنج لک خانی نقد توران باشد در عرض پنج سال صورت انجام پذیرفت. ایزد بی نیاز و دادار بی انباز این بناء رفیع را چون بیت المعمور پایدار و چون کاخ فلك برقرار دارد.... تم فی سنه ۱۰۵۸ هـ»



۹- مسجد اکبر آبادی: در شهر شاهجهان آباد (دهلی کهنه) در فیض بازار مسجدی بوده که بانی آن اعزاز النساء بیگم زوجه شاهجهان پادشاه معروف به «اکبر آبادی محل» میباشد و آن را در ۱۰۶۰ هجری از سنگ سرخ بنا کرده است. این مسجد کتیبه فارسی داشته از این قرار: (۱)

«این مسجد فیض انما وسرای راحت جا و حمام نظافت اما و چوک دل گشا که عبادتگاه حق پرستان روزگار و روح افزای مترددان اقطار و نزهتگاه

۱- رجوع شود به باب چهارم آثارالصنادید ص ۶۶. بعد از تحقیقات ثانوی معلوم شد که مسجد و مدرسه اکبر آبادی که در آنجا بعضی از علماء متأخرین مانند شیخ عبدالقادر بن ولی الله الدهلوی تدریس میکردند در سال ۱۲۷۳ هـ ق. بکلی منهدم شده است و فعلا در فیض بازار وجود ندارد.

آسمانیان و دارالنفع زمینیانست ، درعهد سعادت مهد پادشاه اسلام کهف انام، سایه والا پایه پروردگار، خلیفه برگزیده کردگار، رحمت اعم ذی الجلال، مظهر اتم دادار بی همال، ابوالمظفر شهاب الدین محمد صاحبقران ثانی شاه جهان پادشاه غازی ، پرستار خاص پادشاهی، پرستنده با اخلاص ظل الهی ، موفقه خیرات و مبرات ، محرره سعادات و حسنات ، اعزاز النساء ، مشهوره با کبر آبادی محل، بفرمان معلی بنا کرد و بجهت ابتغاء رضاء الهی و اقتناء ثواب اخروی حاصل سری محتوی برمسجد با حقوق ومرافق داخله وخارجه وقف لازم شرعی نمود و مقرر ساخت که اگر بمرمت این امکنه احتیاج افتد آنچه از حاصل موقوفه بعدالترمیم باقی ماند بخدمه مسجد و حمام و طلبه علم رسانند والا تمام را بجماعت مسطوره بدهند . این منازل منیعه در عرض دو سال بصرف صدو پنجاه هزار رویه آخر شهر رمضان المبارک سال هزار و شصتم هجری مطابق بیست و چهارم سال جلوس عالم آراء صورت انجام پذیرفت . ایزد تعالی اجر این خیر جاری ونفع باقی بروزگار فرخنده آثار پادشاه دین پرور حق کزین حقیقت گستر وبانیه این مبانی وعامرہ اینمغانی عائد گرداند آمین یارب العالمین . « ۱۰۶۰ هـ .



۱۰- مسجد جامع دهلی :

مهمترین و زیباترین مساجد هند مسجد جامع دهلی یا مسجد جهان نماست که در شهر «شاهجهان آباد» معروف به «دهلی کهنه» قرار دارد و در زمان سلطنت شاهجهان بن جهانگیر باسنگ سرخ و مرمر سفید در مدت شش سال ساخته شده . بنای آن در سال ۱۰۶۰ هجری (مطابق با ۱۶۵۰ م .) آغاز گردیده است و کتیبه آن بنام شاهجهان در پیشانی شبستان با خط زیبائی خوانده میشود . این کتیبه بزبان فارسی فصیح بخط نسخ نوشته شده و شامل ده خانه مربع مستطیل است و هر خانه سه سطر است بشرح ذیل :

مربع اول- «بفرمان شهنشاه جهان، پادشاه زمین و زمان، کیهان خدیو کشورستان، کیتی خداوند گردون توان، موسس قوانین عدل و سیاست، مشید ارکان ملک و دولت، بسیاریاران عالی فطرت، قضا فرمان قدر قدرت، فرخنده رأی خجسته منظر، فرخ طالع بلند اختر، آسمان حشمت انجم سپاه، خورشید عظمت فلک بارگاه

مربع دوم- «مظهر قدرت الهی، مورد کرامت نامتناهی، مظهر کلمه الله العلیا، مروج الملة الحنیفة البیضاء، ملجأ الملوك والسلاطین، خلیفة الله فی الارضین. الخاقان الاعدل الاعظم والقائمان الاجل الاکرم - ابوالمظفر شهاب الدین محمد صاحبقران ثانی - شاه جهان پادشاه غازی - لازالت رایات دولته منصوره، واعداء حضرته مقهوره، که دیده بصیرت حق بینش از شعشعه انوار هدایت - انما یعمر مساجد الله

مربع سوم - «من آمن بالله والیوم الآخر - مستنیر است و آینه ضمیر صدق گزینش از اشعه مشکوۀ روایت - احب البلاد الی الله مساجدها - فروغ پذیر، این مسجد کوه اساس گردون مماس که کریمه - لمسجد اسس علی التقوی - بیان بنیان پایدار اوست، وبتنه - القی فی الارض رواسی ان تمید بکم - کنایه ایوان استوار، و قمره قبه فلک شانش از طبقات آسمان گذشته و شرفه طاق سپهر نشانش باوج کیوان پیوسته

مربع چهارم - «گر ز طاق قبه مقصوره اش جوئی نشان

هیچ نتوان گفت غیر از کهکشان و آسمان

فرد بودی قبه گر گردون نبودی ثانی

طاق بودی طاق اگر جفتش نبودی کهکشان

فروغ شمسۀ پیش طاق جهان نمایش روشنی بخش مصایح سموات، پرتو کلس کنبه عالم آرایش نور افزای قنادیل جنات، منبر سنگ مرمرش چون صخره مسجد اقصی مرقعات

مربع پنجم - «مقام قاب قوسین او ادنی ، محراب فیض گسترش مانند صبح صادق
 کشاده پیشانی بشارت رسان - ولقد جائهم من ربهم الهدی - ابواب رحمت
 ایابش صلاى - والله يدعو الى دارالسلام - بمسامع خاص و عام رسانیده ،
 منار سپهر مدارش ندای - و یجزی الذین احسنوا بالحسنى - از نه رواق گنبد
 فیروزه فام گذرانیده ، سقف رفیع باصفایش تماشای روحانیان کره افلاک

مربع ششم - «صحن وسیع دلگشایش سجده گاه پاک نژادان معموره خاك روح فضای
 فیض انتما ، و طیب هوای روح افزایش از روضه رضوان حکایت کرده ، و
 عذوبت ماء معین حوض دانشین نظافت امایش از چشمه سلسبیل خبر داده ،
 در روز جمعه دهم شهرشوال سال هزار و شصت هجری موافق سال چهارم از
 دور سیوم جلوس میمنت مأنوس بساعت خجسته

مربع هفتم - «وطالع شایسته سرمایه ابتنا و پیرایه تأسیس یافت و در عرض مدت شش
 سال بحسن سعی کارپردازان کردان کار گزار و فرط اعتناء و اهتمام کارفرمایان
 صاحب اقتدار و بذل جد و جهد استادان ماهر دانشور ، و وفور کوشش
 تیشه کاران چابک دست صاحب هنر ، و اتفاق مبلغ ده لك رویه صورت انجام
 و طراز اختتام پذیرفت و مقارن اتمام در روز عید فطر

مربع هشتم - «بفرقدوم اقدس پادشاه ظل الله ، صافی نیت خدا آگاه ، زیب وزینت گرفت .
 و باقامت نماز عید و ادای وظایف اسلام چون مسجد الحرام در روز عید
 اضحی مرجع طوایف اقام گردید و مبانی اسلام و ایمان را متانت کرامت
 فرمود . سیاحان ربع مسکون و مسلك نوردان کوه و هامون را آراسته عمارتی
 باین رفعت و حصانت در آینه بصر

مربع نهم - «و مرآت خیال مرتسم نگشته و حقایق گزاران وقایع دهر و فکرت پردازان
 نظم و نثر را که سوانح نگاران بدایع ارباب ملك و دولت و صنایع شناسان
 اصحاب مکنّت و قدرتند افراخته بنائی باین شکوه و عظمت بر زبان قلم و
 قلم زبان نگذشته . فرازنده کاخ هستی و طرازنده بلندی و پستی این بنیان

رفیع را که قرۃ العین ینش و زینت بخش کارخانه آفرینش است
 مربع دهم - «پایدار داشته، صدای تسبیح مسبحانش را هنگامه آرای ذاکران مجامع
 ملکوت و زمزمه تهلیل مهلائش را نشاط افزای معتکفان جوامع جبروت
 دارد. و روس منابر معموره جهان را بخطبه دولت جاوید طراز این پادشاه
 داد گردین پرور که بمیامن ذات مقدس مبارکش ابواب امن و امان بر روی
 روزگار گشاده است آراسته دارد بحق الحق و اهله.»

۱۰۶۰ هـ.



۱۱- کتیبه مسجد روشن الدوله: درمرکز چاندنی چوک، بازارد هلی کهنه، مسجد
 وسیعی بوده است در روبروی فواره چاندنی چوک که یک قسمت صحن آنرا اکنون اداره
 پلیس دهلی متصرف شده و بنائی ساخته است. آنچه باقی مانده مسجد کوچکی است که
 آنرا بهندی «سونهری مسجد» (مسجد طلایی) گویند. ظاهراً درابتدا گنبد هائی از
 طلای ناب داشته که ازین رفته و فعلاً بجای آنها از برنز ساخته اند. درپیشانی مصلاهی
 مسجد که ازسنگ مرمر سفید بنا شده این سه بیت کتیبه موجود است (دریک سطر):

بعهد پادشاه هفت کشور	سلیمان فر محمد شاه داور
بنذر (شاه بیگ) (۱) آن قطب آفاق	شد این مسجد بزینت در جهان طاق
خدابانی است لیک از روی احسان	بنام روشن الدوله ظفر خان
بتاریخش ز هجرت تاشمار است	هزار و یکصد و سی و چهار است

۱۱۳۴ هـ.

معروف است که در سال فتح دهلی بدست نادرشاه در سال ۱۷۳۹ م. قتل عام.
 شهر در تعقیب سوء قصدی که نسبت باو بعمل آمد در این مسجد آغاز گردید.



۱۲- کتیبه عید گاه کهررا (Kharera): در قریه کهررا در جنوب دهلی قدیم در

(۱) بیگ یا بهیک (ماهاد مخلوط هندی) بمعنی کدائی است - در اینجا اشاره بیکی از مشایخ
 است که این لقب را داشته.

در کنار جاده قطب منار کتیبه فارسی بروی لوحه سنگی موجود است که مواجه طرف مشرق میباشد.

اهمیت این کتیبه از آن جهت است که بلافاصله بعد از حمله تیمور در شعبان ۸۰۷ هجری نگاشته شده است و اشاره بخرابی شهر دهلی مینماید. آن کتیبه منسوب است بسطان اقبال خان لودی (مقتول در سنه ۸۰۸) مشهور به ملو خان که در آنجا مسجدی ساخته بوده و این دیوار از آن باقی مانده است. خان مذکور بعد از آنکه تیمور دهلی را ترک کرد از طرف محمود تغلق که در قنوج اقامت داشت آن شهر را تصرف کرده و در آن حکومت فرمود. یکی از خواجه سرایان او بنام دلپسند خان مأمور ساختمان این مسجد بوده است. عین کتیبه از اینقرار است:

«بسم الله الرحمن الرحيم چون قبة الاسلام دارالملک دهلی فی بلاد ممالک از شر مغل ملایعین و فساد کفره و شیاطین روی بخرابی آورده و مسکن و حوش و طیور گشته و مساجد و مدارس و خوانق و نماز گاه و سایر خیرات مندرس و بایر مانده بعون عنایت یزدانی و فیض رافت سبحانی بنده در گامربانی، اقبال خان عرف ملو سلطانی، توفیق رفیق شد و اقبال مساعدت نمود تا دارالملک دهلی و بلاد ممالک و سایر خیرات را بسعی جمیل و کوشش جلیل احیا کرده و آبادان گردانید و این نماز گاه که از شعائر دین مسلمانی و از اعلام شرع رحمانیست از خالص مال خود بنا فرمود، تا عامه مسلمانان نفع گیرند و بانی خیر را بدعای خیر مدد نمایند. فی السّادس عشر من شهر شعبان عمت برکاته سنه سبع و ثمانمأة بنای این عمارت روحانی بفرمایش بنده دلپسند خانی. ۸۰۷ هـ.



را بذکر کتیبه مسجدی که در اواسط قرن سیزدهم هجری ساخته شده و اکنون در دهلی موجود است می‌پردازیم. این کتیبه در پیشانی شبستان مسجد شیعیان در دهلی کهنه (شاهجهان آباد) در نزدیکی کشمیری دروازه کتابت شده است. مسجد مذکور جز آنکه منتسب بجماعت اثناعشریه است امتیاز دیگری ندارد و از حیث ساختمان و معماری جالب توجه نیست و متصدیان نیز آنرا پاکیزه نگاه نداشته‌اند. و ظاهر آبانی مسجد حامد علی خان اعتمادالدوله شخصی بوده است از رجال اواخر عهد بهادر شاه آخرین سلطان سلسله مغولیه. کتیبه مذکور از اشعار اسدالله خان غالب است که بخط نستعلیق جدید در چهار سطر بر روی لوحه سنگ نقش شده و مشتمل است بر اسم بانی و تاریخ بنا از اینقرار:

اعتمادالدوله کز افراط جود	هست در پیش کفش قلزم غدیر
دیده ور حامد علیخان کز صفا	بیند اسرار ازل را در ضمیر
ساخت در دهلی همایون مسجدی	تا شود طاعتگه برنا و پیر
غالب، آن طوبی نشیمن عندلیب	زد بامداد سخن سنجی صغیر
شد نظیر کعبه در عالم پدید	سال تعمیرش بود «کعبه نظیر»

«باهتمام مولوی تیغ علی- سنه ۱۲۵۷ هـ.»

فصل چهارم - کتیبه های متفرقه

چند فقره کتیبه فارسی گوناگون که در ابنیه و آثار ویا کتب مختلف بنظر نویسنده این سطور رسیده است و خالی از اهمیت ادبی یا فایده تاریخی نیست اینک بطور اجمال در این قسمت ذکر می نمایم تا بر خواننده معلوم شود که این نوع کتیبه ها در هندوستان چگونه است :



الف - نیلی چهتری یا چتر کبود : یکی از ابنیه قدیمی دهلی که مرحوم سر سید احمد خان در کتاب خود وصف کرده و قابل ذکر است ، عمارت است که بمناسبت کاشی کاری کبود رنگی که در سطح خارجی کنبد آن بوده است لقب « نیلی چهتری » بآن داده اند ، و آن نزدیک دروازه کلکته در کنار رودخانه جمنا در نزدیکی قلعه (سلیم گره) قرار دارد . در وقت حاضر فقط مختصر آثار کنبد کاشی کاری باقی مانده و عمارت نیلی چهتری مبدل بمعبد هندوئی (شیوا) شده است . ظاهراً در وسط قرن هجدهم مارا تاها آن عمارت را بمعبد تبدیل کرده اند . در ترك جهانگیری نوشته است که این عمارت را همایون پادشاه در سال ۹۳۹ هجری مطابق ۱۵۳۲ مسیحی بنا کرده بود . ولی ظاهراً اصل آن از ابنیه قدیمی دوره سلاطین قبل از اسلام دهلی باشد . دو کتیبه فارسی هر کدام در دوستون از جهانگیر بن اکبر پادشاه در آن یافت میشده که ذیلا در اینجا هر دو ثبت میشود (۱) :

کتیبه اول

طرف راست :

» یا فتاح

وقتی که پادشاه هفت کشور نورالدین جهانگیر پادشاه غازی از دار الخلافه آگره متوجه سیر کشمیر جنت نظیر بودند این مطلع را بر زبان الهام بیان گذرانیدند :

طرف چپ:

«الله اکبر»

بدیهه حضرت جهانگیر شاه اکبر :

عجب پر فیض جای کامرانست نشیمنگاه جنت آشیانست (۱)

سنه چهارده جلوس جهانگیری موافق سنه هزار و بیست و هشت

کتیبه دوم

کتیبه دوم را در سال بعد بامر جهانگیر نقش کرده بوده اند و آن نیز در دو ستون متوازی و هر ستون مشتمل بر چهار سطر ، و بیت دوم همان قطعه ایست که مطلع آن در کتیبه اول ذکر شده :

ستون اول:

«یا ناصر»

چون آن شهنشاه گیتی پناه از کشمیر دلپذیر مراجعت نمودند و باین مکان

فیض رسان نزول اجلال فرمودند

حکم کردند که این حسن مطلع را نیز نقش نمایند

ستون دوم :

«الله اکبر»

همایون شاه ابن شاه بابر که اصل پاکش از صاحبقرانست

سنه شانزده جلوس مبارک جهانگیری موافق سنه هزار و سی

در بعضی تواریخ مسطور است که این مکان مقبره نواب نوبت خان از امراء

همایون پادشاه بوده و در سر درب دروازه آن این کتیبه مرقوم ولی فعلا اثری از آن موجود نیست (۲).

بدین عالم ندیده چشم ایام

چنین خوش منظری عالی مقامی

چو پرسیدم بگفتا «یافت اتمام»

پی تاریخ اتمامش خرد را

۹۷۳ هـ.

(۱) جنت آشیانی لقب همایون پادشاه است . سلاطین مغول را رسم چنان بوده که بعد از وفات

لقبی بآنها مینهادند .

(۲) رجوع شود به مفتاح التواریخ ، طبع نولکشور ، ص ۱۷۴ .



ب - کتیبه دهنه چاه - لوحه سنگی که فعلاً در موزه قلعه سرخ دهلی بشماره ۴۰/۱۰۰۶ موجود است متعلق بدهنه چاهی بوده در قریه سلطانپور نزدیکی دهلی که در قرن هفتم بخط نسخ برجسته کتیبه شده است و فعلاً بزحمت خوانده میشود. ظاهراً یکی از غلامان آزاد شده موسوم به بدرالدین ایاز رومی آن چاه را احداث کرده و این کتیبه را در دیوار دهنه آن نصب نموده. عبارت کتیبه از اینقرار است :

سطر اول : « بنا کرد این چاه را و معمور گردانید

« دوم : از خالص مال خود بنده ضعیف صالح

« سوم : معتق بدرالدین ایاز رومی و وقف کرد

« چهارم : این چاه برای مسجدی که در شهر دهلی مشهور است

« پنجم : تابدو آنچ حاصل شود چنانچ در

« ششم : وقف بگذاشت بمصرف رسد در سال احدی وستین و ستمایه »

۵۶۶۱ هـ



ج - سرچشمه ویرینا گک - در ۵۳ مایلی شرق شهر سرینگر در کشمیر، در دامنه کوههای شرقی موسوم به - پیر بنجال - جنب شاهراه و گردنه - بنی هال - چشمه عظیمی از زمین فوران دارد که منبع و سرچشمه رود جهم است. این چشمه بزرگ در دامنه تل مرتفعی که مستور از جنگل کاج است در ارتفاع ۵۹۰۰ پا واقع شده و قصبه آبادی بنام - ویرینا گک - در جنب آنست. در سر این چشمه بامر جهانگیر پادشاه حوضی مثنی ساخته اند که قطر آن ظاهراً پنجاه متر بنظر می آید و گرداگرد آن ۲۴ دهنه طاقنماهای ظریف بنا کرده اند. سپس بامر شاهجهان از آن حوض نهری بطول ۵۰۰ متر امتداد داده اند که بعد از آبشار خوشمنظری بقریه ویرینا گک میرود.

شاهجهان در کنار آن نهر قصری و باغی ساخته بوده که اکنون خراب شده و اثری از آن جز بعض پایه ها و دیوارها باقی نمانده و بر روی خرابهای آن اخیراً دبستانی بنا کرده اند. اکنون در دو طرف آن نهر که قریب سه متر عرض دارد پارک بسیار مصفا و با تزیینی وجود دارد مستور از چمن سبز و گل های ناز و چنارهای باشکوه و بیدهای خرم که گردشگاه سیاحان و محل تماشای جهانگردانست.

کتیبه اول

تاریخ بنای حوض بشعر فارسی در روی لوحه سنگی بطول يك متر و نیم باخط نستعلیق درشت چنین کتیبه شده است :

« پادشاه هفت کشور، شهنشاه عدالت گستر، ابوالمظفر نورالدین جهانگیر پادشاه بن اکبر پادشاه غازی بتاریخ سنه پانزده جلوس در این سرچشمه فیض آئین نزول اجلال فرمودند و این عمارت بحکم آن حضرت صورت اتمام پذیرفت .

از جهانگیر شاه اکبر شاه

این بنا سر کشیده بر افلاک

بنایی عقل یافت تاریخش

«قصر آباد و چشمه و رناک»

۱۰۲۹ هـ.

کتیبه دوم

هفت سال بعد از نقر کتیبه فوق در زمان شاهجهان بن جهانگیر کتیبه دیگری در تاریخ بنای نهر و آبشار در لوحه سنگی بهمان اندازه و بخط نستعلیق نقش شده است که آن نیز در دیوار کنار حوض نصب شده از این قرار :

حیدر بحکم شاهجهان پادشاه دهر

شکر خدا که ساخت چنین آبشار و جوی

این جوی داده است ز جوی بهشت یاد
 زمین آبشار یافتہ کشمیر آبروی
 تاریخ جوی آب بگفتا سرش غیب
 از «چشمه بهشت» برون آمده است «جوی» (۱)

۱۰۳۶ هـ.



د - کتیبه دهنه چاه :- در موزه قلعه سرخ ایضاً لوحه سنگ مرمر سیاهی موجود است
 بشماره ۴۰/۱۰۰۹ که بر روی آن تاریخ بنای چاهی را بدو زبان فارسی و سانسکریت
 نقش کرده اند. در طرف راست کتیبه فارسی است بخط برجسته نسخ و چنین خوانده
 میشود :

سطر اول : « بناء این عمارت چاه در عهد دولت شاه کفار شکن اسلام
 « دوم : پناه المجاهد فی سبیل الله سکندر شاه بن بهلول شاه
 « سوم : سلطان خلد الله ملکه و سلطانہ دریافت ثواب
 « چهارم : این خیر جاری شیخ سکندر بن شیخ بایزید بن شیخ یحیی
 شیرانی

سطر پنجم : وی بی مراد خاتون بنت دلاور خان شیروانی اتباع شیخ مذکور
 « ششم : فرمایش ودال^۲ بر این خیر بی بی عایشه بنت سلطان بهلول
 « هفتم : مرید شیخ سکندر مذکور . العشرين من صفر سنه ثلاث و
 عشرين وتسع مائه

۹۲۳ هـ.



ه - مدرسه خیر المنازل - در شهر دهلی در نزدیکی پورانا قلعه (قلعه کهنه)

۱ - توضیح - کلمه «چشمه بهشت» مساویست با ۱۰۵۵ که چون از آن کلمه «جوی» که مساوی
 است با ۱۹ بیرون کنیم ۱۰۳۶ باقی میماند و آن تاریخ بناست .

مدرسه‌ای قدیمی است که ماهم بیگم دایهٔ اکبر پادشاه آنرا بنیاد کرد و فعالارو بخرابی میرود و آن موسوم است به «خیر المنازل». این مدرسه در سال ۹۶۹ هجری مطابق ۱۵۶۱ میلادی در اوایل سلطنت اکبر بن همایون پادشاه بنا شده است. این قطعه در پیشانی آن بقعه بخط نستعلیق متضمن مادهٔ تاریخ کتیبه شده :

بدوران جلال الدین محمد	که باشد اکبر شاهان عادل
چو ماهم بیگم عصمت پناهی	بنا کرد این بنا بهر افاضل
ولی شد ساعی این بقعهٔ خیر	شهاب الدین احمد خان باذل
زهی خیریت این منزل خیر	که شد تاریخ او «خیر المنازل» (۱)

۹۶۹ هـ.



و - پل جونپور:- شهر جونپور Jaunpur که در ۳۵ میلی شمال غربی بنارس واقع است از شهرهای تاریخی هندوستان میباشد و در ساحل رود گمتی Gumti قرار دارد. این شهر را بنام محمد بن تغلق که موسوم به جونا شاه بوده است فیروز شاه باریک بنا نموده است و از ۱۳۹۷ م. تا ۱۴۸۶ م. پایتخت یک سلسله از سلاطین مسلمان هند است که موسوم اند به سلاطین «شرقی». اکبر پادشاه در ۱۵۵۹ م. آنرا فتح و ضمیمهٔ ممالک محروسه خود نمود. این شهر زیبا و خوشمنظر که از قدیم مرکز اهل علم و ادب و مجمع مدارس و محافل علمی است بنام «شیراز هندوستان» معروف میباشد. در آنجا معابد و کنائس قدیم بودائی بسیار بوده است که بعدها از سنگهای آنها مساجد رفیع اسلامی ساخته اند و سبک معماری آنها شباهت به سائر مساجد هند ندارد. (۲)

در وسط شهر بر روی رودخانهٔ گمتی پلی بسیار زیبا از سنگ سرخ ساخته اند موسوم به «پل اکبری» که ۶۶۰ پا طول آنتست و بسیار پل ظریفی است. این پل را منعم خان که یکی از امرای اکبر پادشاه و حاکم جونپور بوده است در ۱۵۶۸ م. = ۹۷۵ هـ. بنا نموده و نویسنده این سطور سال گذشته بتمشای آن نائل گردید.

۱ - رجوع شود با ثار الصنادید. صفحه ۵۴

۲ - رجوع شود بمقاله نویسنده این سطور «Shiraz of India» منطبعه در مجله March of India

دهلی ، ماه مارچ ، ۱۹۵۸ .

این اشعار در مادهٔ تاریخ آن در زیر یکی از طاقهای پل بر روی لوحهٔ سنگی کتیبه شده است :

خان خانان منعم عالم ایدم	بست این پل را بتوفیق کریم
نام او منعم از آن آمد که هست	بر خلاق هم کریم و هم رحیم
از صراط مستقیمش ظاهر است	شاهراش سوی جنات النعیم
ره بتاریخش بری کر افکنی	لفظ «بد» را از «صراط المستقیم»

۵۹۷۵ .

* * *

ز سرای بختاورنگر : در مفتاح التواریخ مسطور است که بختاورخان یکی از امرای اورنگ زیب در سال ۱۰۸۲ هـ در نزدیکی دهلی سرا و باغ و مسجد و تالابی بنا نمود و آن را «بختاورنگر» نام نهاد و شاعران پایتخت را تکلیف فرمود که مادهٔ تاریخی برای آن بسازند . نظم هیچکس پسند نیفتاد . تا آنکه قطعهٔ ذیل از محمد افضل سرخوش صاحب تذکره کلمات الشعرا مورد پسند او واقع شد و آنرا برپیشانی سرای مذکور نقر کردند (۱)

در همایون عهد عالمگیر شاه	زیب تاج و تخت و فخر دین و داد
بهر تعمیر سرای دلگشا	خان بختاور کف همت گشاد
رونقش از گلشن و مسجد فزود	آبروی دیگر از تالاب داد
چون شد این معمورهٔ دلکش بنا	عقل - بختاورنگر - نامش نهاد
خواست طبع سرخوش جام سخن	سال اتمامش ز فیض بامداد
شاد و خرم زو بر آمد «راهرو»	گفت «بختاورنگر آباد باد»

۵۱۰۸۲ .

در این تاریخ عمیه است یعنی عدد «راهرو» (۴۱۲) از عدد «بختاورنگر آباد باد» (۱۴۹۴) خارج میشود ۱۰۸۲ باقی میماند که سال بنای آن سراسر است .

* * *

ح - آب انبار - در نزدیکی مقبره قطب الدین بختیار کاکی (رح) و «عمارت دلکشا» استخر عظیمی وجود دارد که موسومست به (راجون کی بائین) یعنی چاه پله دار معمارها و این کتیبه ناقص از زمان سکندر شاه لودی در آنجا بخط ثلث موجود است:

«در عهد همایون سلطان الاعظم المعظم المتوکل علی الرحمن سکندر شاه ابن بهلول شاه سلطان خلد الله ملکه و سلطانه بنا کرد این گنبد بنده امیدوار بر رحمت پروردگار دولتخان (دولت خاتون؟) خواجه محمد غره ماه رجب سنه اثنی عشر وتسعمائه (۱). ۹۱۲هـ.

ط - ماده تاریخ و مقبره آنکه خان - در شهر دهلی در جوار درگاه خواجه نظام الدین اولیاء مقبره ایست بنام «مقبره آنکه خان» ملقب باعظم خان از رجال عصر اکبر پادشاه که در سال ۹۶۹ هجری نامی او را کشته است و بعداً کوکلتاش خان پسر او در این مکان برای وی مقبره عالی بنا کرده و آن بسیار مقبره ظریفی است از سنگ سرخ و سنگ مرمر، و کاشی کاری و منبت کاری بسیار دارد. این ماده تاریخ مضحک را برای او گفته اند:

خان اعظم سپاه اعظم خان که چو او کس در این زمانه ندید
بشهادت رسید ماه صیام شربت موت روزه دار چشید
کاش سال دگر شهید شدی که شدی سال فوت «خان شهید»
اگر اتفاقاً جناب خان يك سال قبل از آن تاریخ کشته شده بود آن شاعر هر
آینه میگفت «کاش سال گذشته بود شهید» تا ماده تاریخ درست دریابید! (۲).

ی - دوازه مقیم در قلعه رُهتاس - راجه مان سینگ، پسر راجه بها کوان داس که

۱ - رجوع شود به مجله Epigraphia Indo - Moslemica (1919-20) صفحه ۷.

۲ - رجوع شود به آثار الصنادید، جلد سوم، ص ۵۷.

ازامرا ورجال مقرب اکبر پادشاه است و شرح حال او بتفصیل در تواریخ اکبری مسطور
و مستغنی از تکرار است، در زمان «صوبه داری» خود در ایالت بهار حرمسرای در قلعه
رُهتاس بنا کرده که بر دروازه آن این ماده تاریخ را نگاشته اند:

«دروازه مقیم بنای چو شد تمام دروازه سپهر زرشکش سقیم شد
سال عمارتش چو نمودم بطبع گفت «از راجه مان سینک بنای مقیم شد»
تحریرا فی تاریخ بیست و هشتم شهر رجب المرجب سنه هزار و پنچ هجری.»
۱۰۰۵ هـ.



یا۔ کتیبه پل جمنا - در قسمت غربی پل سلیم گره واقع در شمال قلعه سرخ دهلی
در روی يك لوحه سنگ مرمر در چهار سطر این ابیات بخط نستعلیق نوشته شده (این
لوحه اکنون در موزه قلعه سرخ دهلی بشماره ۴۰/۱۰۲۳ محفوظ است.):
سطر اول: «(الله اکبر) بحکم پادشاه هفت کشور (جل جلاله)
شهنشاه بعدل و داد و تدبیر (یافتاح)
سطر دوم: (یا ناصر) جهانگیر بن شاهنشاه اکبر (یا فیاض)
که شمشیرش جهان را کرد تسخیر (یا حی)
سطر سوم: (سنه ۱۷) چو این پل گشت در دهلی مرتب (جلوس)
که وصفش را نشاید کرد تحریر (جهانگیری)
سطر چهارم: (باهتمام) پی تاریخ اتمامش خرد گفت (حسین چلیپی)
«پل شاهنشاه دهلی جهانگیر» (کتبه شریف)»

۱۰۳۱ هـ.

این پل راجه جهانگیر پادشاه در برابر دروازه جنوبی قلعه سلیم گره در دهلی بنا
کرده است. قلعه سلیم گره را سلیم شاه پسر شیر شاه سوری افغان در سال ۹۵۳ هـ. بنا
نموده و این پل را بعدها انگلیسها خراب کرده و بجای آن پل جدید عظیمی برای
عبور راه آهن و وسایل نقلیه بنا کرده اند.



یب - کتیبه ماده تاریخ ساختن دهانه چاه :- در شمال حمام در قلعه سرخ دهلی
قطعه‌ای از بها در شاه ثانی متخلص بظفر (۱۸۶۵ م.) در روی سنگ مرمری نقر شده بود که
اکنون آن لوحه سنگ منتقل شده به موزه قلعه سرخ بشماره C. ۴۹ و چنین خوانده
میشود :

الله اکبر

ظفر این چاه از ما یاد گاری که آبش شربت قند و نبات است

محمد بیر

ازین خوشتر نباشد سال تاریخ « هویدا چشمه آب حیات است »

۱۲۵۸ هـ

یج - کتیبه بر لوله توپها :- در قرن نوزدهم مرسوم چنان بوده است که بر روی لوله توپ
بعضی عبارات و اشعار مناسب حکاکی میکردند و از اینگونه توپها از زمان اورنگ زیب
تا کنون نمونه‌هایی چند باقی مانده که در نقاط مختلف هندوستان مانند قلعه سرخ دهلی
و قلعه گولکنده در حیدرآباد (دکن) و قلعه وایلم در کلکته یافت میشود . بعضی از
آن ابیات لطیف و مناسب میباشد مثلاً بر روی توپی موسوم به « نصرت جنگ » متعلق
به جنگ سیکها در پنجاب چنین کتیبه شده :

هست این توپ از دهای دمان از دم خود شرار برق فشان

بیک آواز خود کند ناگاه بخت دشمن چودود خویش سیاه

مفتح قلعه سخت چو خنک (کد) زین سبب نام گشت « نصرت جنگ »

۱۸۸۷ سمبت (۱)

بر روی توپ دیگر موسوم به « کوه شکن » این ابیات نوشته شده است :

(۱) سمبت - تاریخ هندوها که آنرا سمبت Samvat گویند از ۲۳ فبرواری ۵۷ ق.م

شروع میشود و آن روزی است که یکی از سلاطین گویتا بر قبایل مهاجم ساکا فیروزی یافت و روز فتح را
مبدء تاریخ قرار داد .

چو اژدر ها بجان وتن بسی داغ کهن دارم
حذر کن ای رقیب ازمن که آتش دردهن دارم

ای راست روی توپ ز نواب نامدار
در راستی و پر دلی خود یگانه
اژدر دمی و شیر نژادی و جنگجوی
ماری و مهره داری و صاحب خزانه

قدیمترین این گونه توپها که بنظر نویسنده این سطور رسیده است لوله توپی
است بوزن $9\frac{1}{4}$ پوند مورخ به ۱۸۱۱ م. که در اواخر زمان مغولیه ساخته شده و متعلق به
جنگ انگلیسها با سیکهای پنجاب است و اکنون در قلعه ویلیم (Fort William) در کلکته
وجود دارد.

فصل پنجم = سنگ قبور والواح مزارات و کتیبه در گاهها

بطوریکه در مقدمه کتاب گفتیم مقصود عمده مادر این مجموعه بسط کلام در باره نقوشی است که بزبان فارسی بر سنگ قبور و مزارات شعرا ، و در بقاع و در گاههای عرفا و مشایخ در نقاط مختلفه هندوستان موجود است . زیرا ثبت آنها علاوه بر آنکه از لحاظ تاریخ کتیبه‌ها اهمیت دارد از لحاظ روشن شدن تاریخ حیات و ممات صاحبان قبور نیز مفید خواهد بود . البته قبور بسیاری از شعراء فارسی زبان در آن دیار بکلی مجهول مانده و شاید محل آنها بر احدی معلوم نباشد و بطول مرور از منہ از میان رفته‌اند . همچنین بسیاری دیگر موجود است که بنظر نویسنده این سطور نرسیده و در این اوراق ثبت نکرده‌ام و ممکنست بعدها تحقیق و مطالعه شود و بدین فهرست اجمالی اضافه گردد . آنچه این بنده توانستم در اینجا جمع کنم تعدادی است که بنظر رسیده و بترتیب تقدم تاریخی در این فصل ثبت می‌گردد .



۱ - درگاه خواجه معین الدین چشتی (رح) - « درگاه شریف » یعنی مقبره

خواجه معین الدین چشتی عارف قرن هفتم در شهر اجمیر^(۱) واقعست . این خواجه که سلسله او از طریق خواجه عثمان هارونی بزرگ و مقدم متصوفه هند به ممشاد دینوری

۱ - اجمیر Ajmer شهرست تاریخی در راجپوتانا که اکنون قریب دویست هزار نفر سکنه دارد . و از قدیم الایام هندوها و مسلمانان در آنجا معابد و اماکن مقدسه ساخته‌اند . اکبر بن هما یون نظر بموقعیت نظامی آن شهر امر کزو پایگاه جنگهای خود قرار داد و قلعه‌ای در آنجا ساخته‌است که هما اکنون موجود و جایگاه موزه شهر اجمیر است . جهانگیر مدت سه سال هنگامیکه باراجه‌های راجستان مشغول جنگ بود آن شهر را پایتخت خود قرار داد . معبد منحصر بفرد خدای برهمادر کنار دریاچه - پوشکار - در آنشهر زیارتگاه هندوان و درگاه خواجه معین الدین چشتی زیارتگاه مسلمانان هنداست که خیل زوار از هر دو گروه از اقصی نقاط هند بقصد ثواب بدان شهر می‌شتابند . همه ساله در ماه رجب از اول تا ششم مجلس عرس (سالگره وفات) در درگاه شریف منعقد است و هزارها نفر آنجا می‌آیند و آتش نذر می‌پزند .

میپویند نخستین کسی است که مبادی تصوف اسلامی را به هندوستان آورده، همانطور که پادشاه معاصر او شهاب الدین محمد سام غوری سلطنت اسلامی را در هندوستان شمالی برقرار کرد. او را «خواجۀ غریب نواز» لقب داده اند. اکبر بن همایون پادشاه معروف هند که از ارادتمندان سلسلۀ چشتیه بوده است زیارت درگاه او را ثانی اثنین حج مکۀ مکرمه قرار داد و یک مرتبه پای پیاده از آگره برای زیارت آن درگاه باجمیر رفت و مسجد اکبری که در درگاه او ساخته است از مساجد مهمه است. سلاطین مغولی پس از وی تا زمان اورنگ زیب همه در آن درگاه مساجد و ابنیه ساخته اند.

در بالای دروازه بلندی که شاهجهان در مدخل آرامگاه ساخته است دو ترنج در دو طرف دروازه منقوشست و در وسط کلمۀ مبارکه لا اله الا الله محمد رسول الله. در ترنج دست راست این مصرع نوشته شده «بعهد شاه جهان پادشاه دین پرور» در ترنج دست چپ این مصرع تحریر شده «زدوده ظلمت کفر آفتاب دین یکسر. بتاریخ ۱۰۶۵ هجری.» در دروازه دویم قطعۀ ذیل را بخط نازیبائی در قرون اخیر کتیبه کرده اند:

منظر روکش ایوان بهشتست اینجا

حدقه چشم ملک قالب خشت است اینجا

در ازل هر چه که شد ثبت بلوح محفوظ

خواجۀ بر سنگ در خویش نوشتست اینجا

پای از سر کن و آهسته رو آهسته خرام

عارفا خواجۀ چشت است اینجا

بر سر دروازه سوم که موسومست به (حسینی دروازه) يك بيت عربی و يك بيت

فارسی کتیبه شده. شعر عربی:

فطوبی لباب کبیت العتیق

حوالیه من کل فج عمیق

شعر فارسی:

بدبخت کسی که رو بتابد

زین در که در دگر نیابد

داخل آرامگاه کتیبه قابل ذکری ندارد ظاهراً اگر در قدیم هم چیزی بوده بتدریج از میان رفته است فقط در سردرب حجره مدفن يك سطر بخط نستعلیق خیلی تازه نوشته شده و مشتمل بر سه مصرع است و مصرع وسط متضمن ماده تاریخ وفات خواجه است بدینقرار :

۱ - اگر فردوس بر روی زمین است

۲ - گو «سراج جنان معین الدین»

۶۳۳ هـ .

۳ - همینست و همینست و همینست

در بالای سر مدفن تاریخ نقاشی ورنک آمیزی گنبد که در اوایل سلطنت سلسله مغولیه یا بعد شیر شاه سوری انجام گرفته ذکر شده است در يك بیت فارسی اینچنین :

از پی تاریخ نقش گنبد خواجه معین
گفت هاتف گو معظم : «قبه عرش برین»

۵۹۳۹ هـ .

مسجد شاهجهان در عقب روضه خواجه واقع شده است و آن در سنه ۱۰۴۷ هـ بنا گردیده و گویند چهل هزار رویه بمصرف بنای آن رسیده . ابوطالب کلیم رادر وصف آن مسجد قصیده ایست متضمن ماده تاریخ که این سه بیت از آنست :

« داد یمن حرمت اجمیر را فیض حرم

سر نوشت ساکنانش نیست جز خط امان

زین محل فیض هر حاجت که میخواهی بخواه

میتوان صد دسته گل بست از يك گلستان

مسجدی کان کعبه ثا نیست تاریخش بود

« کعبه حاجات دنیا مسجد شاه جهان »

۱۰۴۷ هـ .



۲- درگاه قطب صاحب - قطب الدین بختیار کاکی یکی از مشایخ صوفیه است

که در ربیع الاول سال ۶۳۴ هجری مطابق با ۱۲۳۶ میلادی وفات یافته و در جنوب دهلی مدفون شده است. در سال ۹۴۸ هجری خلیل الله خان که از امرای شیر شاه سوریست چهار دیواری بر آن مقبره بنا کرده که فعلا از میان رفته است. در سال ۹۵۸ هجری در زمان اسلامشاه بن شیر شاه یوسف خان نامی دروازه ای برای آن ساخته است که تاریخ بنای آنرا «درگاه خواجه اقطاب» (۹۵۸) یافته اند.

در سال ۱۱۱۹ ه. در زمان سلطنت شاه عالم بهادر شاه شخصی بنام شا کر خان دروازه ای در طرف مغرب بنا ساخته است که هنوز باقیست. همچنین در سال ۱۱۳۰ ه. مطابق با ۱۷۱۷ میلادی در زمان سلطنت فرخ سیر در اطراف مقبره طاق نما هائی از سنگ مرمر بسیار نفیس نصب شده و بر روی آن کتیبه ای چند موجود است. (۱)

صورت کتیبه زمان فرخ سیر :

از سعی کمترین غلامان شهریار با اعتقاد معتقد کامل العیار
رفتند قدسیان بدیار بهشت عدن تاریخ یافتند «حصار بهشت عدن»
در حاشیه : - «باهتمام کمترین غلامان فرخشاهی سنه هفت جلوس اتمام یافت
سنه ۱۱۳۰ هجری. راقمه عبدالله شیرین رقم».

و نیز در دروازه دیگر کتیبه ای از همان زمان در سه بیت :

از حکم پادشاه جهان خسرو انام فرخ سیر شهنشه نه آسمان غلام
گردمزار خواجه دین قطب نه فلک گردد بگرد روضه او آدم و ملک
تعمیر شد محجر زیبا و منتظم مانند قبله اشرف و چون کعبه محترم
متصل به درگاه خواجه مسجدی است که سه درجه دارد. درجه اول را در زمان
حیات خواجه خود بنا نموده و درجه دوم بنای اسلام شاه سوری است و درجه سوم را
فرخ سیر پادشاه در سنه ۱۱۳۰ ه. بنا نموده و این تاریخ بر آن کنده :

مورد لطف و عنایات شه والا جناب خسرو فرخ سیر شاهنشاه مالک رقاب
ساخت از روی ارادت و از رسوخ اعتقاد مسجدی زیبا بنا و سجده گاه شیخ و شاب

باسروش غیب‌هاتف گفت در گوش خرد سال تاریخ بنایش «بیت ربی مستجاب»

۱۱۳۰ هـ.

۳ - مقبره پرواز شاه^(۱) - در قصبه کهمبایت Gambay در ناحیه کیرا در ۲۵۰ میلی

شمالی شهر بمبائی مقبره ایست که آنرا مقبره پرواز شاه میخوانند. و سنگهای متعدد از قبور اطراف جمع آوری و در دیواره آن نصب کرده اند. یکی از آنجمله لوحه مزار شخصی عارف موسوم به زین الدین علی بن سالار بن علی الیزدی است که در سال ۶۸۵ هـ. وفات یافته است. و در آن لوحه غزلی لطیف و عرفانی که خود گفته بخط قریب به ثلث از شخص متوفی منقور است. مضامین و قدمت این غزل قابل توجه است بشرح ذیل:

سطر اول - «مقصد جان رونمود جان بمیان گومباش

دل چو همه حال گشت. قال لسان گومباش

بیمدد صوت و حرف کشف شد اسرار غیب « ۲ -

کام و زبان گوهرین شرح و بیان گومباش

از صدف تن چو یافت جان کهر سر عشق « ۳ -

در همه جا از صدف نام و نشان گومباش

چون لب جان نوش کرد جرعه جام بقا « ۴ -

منزل دار فنا در ره جان گومباش

از سقر و جنت است خوف و امان همه « ۵ -

ما چو از آن فارغیم خوف و امان گومباش

مایه سود و زیان دنیی و عقبای تست « ۶ -

هر دو چو در باختی سود و زیان گومباش

روح چو از باغ عیش نوبر وحدت گرفت « ۷ -

ابر یقین کومبار، کشت کمان گومباش

(۱) این کتیبه تاریخی در مجلات رسمی باستانشناسی هنوز بطبع نرسیده. لکن آقای ضیاءالدین دیسای رئیس قسمت کتیبه‌های عربی و فارسی در اداره باستانشناسی هند. لطفاً رونوشتی از آن بنویسند داده اند که در اینجا درج شد.

- سطر ۸ - چون کی فرود آمدیم در حرم کبریا
 شهر روح الامین جلوه کنان گومباش
- « ۹ - جمله صحرا و کوه نور تجلی گرفت
 ما بتجلی خوشیم حور و جنان گومباش
- « ۱۰ - زبده هر دو جهان نقد حیات
 تنگ در آغوش ماست هر دو جهان گومباش
- « ۱۱ - ذات تو - سالاربا - روح مکان است و کون
 دور و زمان گومگرد کون و مکان گومباش
- « ۱۲ - هذا قبر الصدر الكبير المرحوم سلطان المحققين زين الملة والحق والدين
 « ۱۳ - علی بن سالار بن علی الیزدی توفی يوم الاحد الثالث عشرين ذی الحجه
 سنه خمس وثمانين ستمائه « ۶۸۵ هـ .
- در صدر سنگ در وسط - کلمه شریفه «جلاله» بخط طغرا منقوش و در دو جانب
 آن در باغی منقور است که رباعی دست راست ناقص و رباعی دست چپ از این قرار کاملاً
 خوانده میشود :
- مابهر نظام کائنات آمده ایم با ذات قدیم در صفات آمده ایم
 نور همه نور سایه سایه ماست توسایه مبین کی مابذات آمده ایم
 و در اطراف سنگ آیات قرآنی به خط ثلث مرقوم است .

۴ - درگاه خواجه نظام الدین اولیاء (رح) - خواجه نظام الدین از اجله مشایخ
 متصوفه هند است . وی در قصبه بداون در سال ۶۳۴ هـ / ۱۲۳۶ م . متولد گردید . نامش
 محمد بن احمد بن علی البخاری و لقبش سلطان المشایخ و سلطان الاولیاء است و جانشین
 شیخ فرید الدین گنج شکر میباشد . اجدادش از بخارا بلاهور آمده اند و بعداً در بداون
 ساکن شده اند . این عارف بزرگ بتاریخ سیزدهم ربیع الآخر سال ۷۲۵ هجری بدرود
 زندگی گفت و در دهلی مدفون گردید . در این تاریخ قبر او بنام - درگاه نظام الدین -

محل معتبری است. اکنون این درگاه شریف مشتمل بر ابنیه متعددمی باشد. از آنجمله مسجدیست موسوم بجماعتخانه که آنرا ظاهراً خضر خان پسر سلطان علاء الدین خلجی بنا کرده است و ستون وسطی این مسجد از سنگی سرخ یک پارچه است. در داخل مسجد کتیبه های قرآنی بسیار بخط نسخ منقور میباشد. روی دیواری که بطرف صحن واقعست این رباعی در تاریخ وفات خواجه نظام الدین بخط نستعلیق خوبی کتیبه شده :

نظام دو گیتی شه ماء و طین	سراج دو عالم شده بالیقین
چوتاریخ فوتش بجستم ز غیب	نداداد هاتف «شهنشاه دین» (۱)

۷۲۵ هجری

در خارج آرامگاه نظام الدین اولیاء در دیوار حائط شرقی این رباعی کتیبه شده است :

آنها که بکوی قرب جا یافته اند	کام دل خود بمدعا یافته اند
این مرتبه دانی ز کجا یافته اند	از شیخ نظام اولیا یافته اند

قائله میر زیدی برهانوی « ۵۹۶۹ .

برای دانستن تاریخچه بنای درگاه حضرت نظام الدین اولیا خلاصه از شرح جامعی که مرحوم سید احمدخان در آثار الصنادید نوشته است در اینجا ترجمه و ثبت می شود: (۲)

« پس از فوت نظام الدین اولیا در سال ۷۲۵ هجری مطابق ۱۳۲۴ میلادی گنبدی بر روی مزار او برپا کردند. بعد از آن فیروز شاه تغلق بر فراز آن صندوقی از چوب صندل بنا کرد که قندیلها و زنجیرهای طلا از آن آویزان بود. در زمان اکبر پادشاه یکی از امرای وی موسوم بسید فریدون خان در پیرامون گنبد مزبور حائطی از سنگ مرمر نصب نمود و اشعاری مشتمل بر تاریخ وفات آن بزرگوار بر آن نقش کرد و ماده تاریخ

را «قبله که خاص وعام» ثبت نمود. پس از آن فرید خان ملقب بمرتضی خان در زمان سلطنت نورالدین جهانگیر در حدود سال ۱۰۱۷ هجری بنائى دور آن بنام نمود، و همچنین در عصر شاهجهان خلیل الله خان نعمت اللهی و سپس در زمان سایر سلاطین نیز اضافاتی در آن بعمل آمد.

همه ساله در روز هفدهم ربیع الثانی که روز سالگره وفات آن بزرگوار است مجلس تذکری که آنرا با اصطلاح صوفیه «عرس» میگویند در درگاه منعقد میشود.

۵ - آرامگاه امیر خسرو دهلوی - در جنب درگاه نظام الدین اولیا آرامگاه شاعر

بزرگ هند ابوالحسن معروف بامیر خسرو دهلوی واقع شده است.

وی از اساتید شعرای نامدار فارسی زبانست. پدرش از ترکستان بهندوستان مهاجرت کرده و در دربار سلاطین خلجی دهلوی موقعیتی یافته است. خود وی نیز در نزد هفت پادشاه از سلاطین دهلوی مقرب بوده. آثار بسیار بنظم فارسی از او باقی مانده علاوه بر مثنویات خمسه که در جواب خمسه نظامی گفته است مثنویات دیگر مانند «نہ سپهر» و «قران السعدین» و «دلرانی خضر خان» و دیوان کلیات مرکب از قصاید و غزلیات از او باقی مانده است.

وی در ذیقعدہ ۷۲۵ هجری شش ماه بعد از وفات پیر و مرشد خود نظام الدین اولیا وفات یافت و در جنب قبر او مدفون گردید. سید مهدی نامی بر سر مزار او محجری بنا کرد در سال ۹۹۷ هجری. و در سال ۱۰۱۴ هجری شخصی دیگر بنام عماد الدین حسن برجی بر سر آن قبر بنا نمود و در آنجا این اشعار بخط نستعلیق کتیبه شده است:

الف - در درگاه طاق محراب مانند کتیبه ایست بشرح ذیل:

«نورالدین محمد

بدور شهنشاه عالم پناه ابوالمظفر پادشاه عادل جهانگیر غازی خلد الله ملکه و سلطانه وفاز علی العالمین بره واحسانه»

ب - بر روی لوحه ای که بطور عمودی بر بالای قبر نصب شده این منظومه منقور است.

زمین را از این لوح شد سرفرازی بدوران بابر شهنشاه غازی

میر خسرو خسرو ملک سخن آن محیط فضل و دریای کمال

نثر او دلکش تر از مء معین نظم او صافی تر از آب زلال

بلبل دستا نسرای بیقرین طوطی شگر مقال بیمثال

از پی تاریخ سال فوت او چون نهادم سر بز انوی خیال

شد «عذیم المثل» یک تاریخ او دیگری شد «طوطی شکر مقال»

حرّره شهاب المعمائی الیزدی ۵۷۲۵ هـ

پس از آن بخط نستعلیق ریز این بیت کتیبه شده است :

ز حرف وصل جانان صادق آمد لوح خاك من

طریق ساده لوحی بس نشان عشق پاك من

د - بعد از آن این قطعه هست :

مهدی خواجه سید باجاه و جلال شد بانی این اساس بی شبه ومثال

گفتم «سعی جمیل مهدی خواجه» تاریخ بنای این چو کردند سؤال

تنبیه - ماده تاریخ بنا که عبارت از «سعی جمیل مهدی خواجه» است بحساب

جمل ۸۹۷ است و درین سنگ که باسم بابر پادشاه منقوش است ۳۵ سال با تاریخ جلوس

بابر اختلاف دارد زیرا ظهیرالدین بابر در ۹۳۷ وفات یافته و در ۹۳۲ بر تخت سلطنت

هند نشسته است . ظاهراً برای سازنده ماده تاریخ اشتباهی روی داده باشد .

(رجوع شود به تصویر شماره چهارم)

مهدی خواجه یکی از امرای دربار بابر و ظاهراً شوهر خواهر (داماد) او

بوده است . (۱)

۵ - در روی دیوار غربی بدون تاریخ این غزل از خسرو مسطور است :

ای شربت عاشقی بجامت وز دوست زمان زمان پیامت

شد سلك فرید از تو منظوم زانست که شد لقب نظامت

جاوید بقاست بنده خسرو چون شد بهزار جان غلامت

و- و درروی دیوار جنوبی این رباعی نوشته شده :

« مرا نام نیکست و خواجه عظیم دوشین و دولام و دوقاف و دوجیم
اگر نام یابی تو زین حرفها بدانم که هستی تو مردی فهمیم^(۱)
کاتب مذکور نبیره شیخ فرید شکر گنج »

(رجوع شود به تصویر شماره پنجم)

ز- درروی دیوار شرقی این کتیبه مسطور است :

ای خسرو بی نظیر عالم با روضه تو مرا نیاز است
تعمیر نمود طاهر آنرا فیض ازلی همیشه باز است
تاریخ بناش عقل گفتا « باروضه بگو که جای راز است »

۱۰۱۴ هـ .

ح- در دیوار شمالی کتیبه نقر شده است هکذا :

« قائل این کلام ربانی این مقام طاهر محمد عمادالدین حسن بن سلطان علی
سبزواری سنه ۱۰۱۴ هجری غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه الکاتب عبد النبی
بن ایوب »

ط- در روی دیوار های خارجی مقبره خسرو این ابیات کتیبه شده است :

شه ملک سخن خسرو سر و سالار درویشان
که نامش هست بر لوح جهان چون نقش درخارا
چنان در صورت خوبی سخن پرداز شد طبعش
که زیبی داد از آن صورت بخوبی لوح معنی را
شد او غواص دریای تفکر وز محیط فضل
برون آورد درهای معانی را از آن دریا

۱- این معما که نام خسرو را بطریق تعمیمه در مصرع دوم بکار برده بدین ترتیب حل میشود که :

(دوشین = ۶۰۰ = خ ؛ دولام = ۶۰ = س ؛ دوقاف = ۲۰۰ = ر ؛ دوجیم = ۶ = و .) که رویهم رفته کلمه « خسرو » از آن استخراج میشود .

تصویر شماره ۵۰ - کتیبه جنوبی قبر خسرو دهلوی



بسال پنج پنج و هفتصد از هجرت حضرت
ز دارالملک دنیا کرد رحلت جانب عقبی

عاقبت بخیر باد

بتقدیر الهی مرغ روحش سد ره ماوا شد
ندای ارجعی چون در رسید از عالم بالا
گذشته بود سی و هشت و نهصد سال از هجرت
بدوران همایون پادشاه غازی دانا
شهنشاهی که میشاید اگر کرو بیان دائم
دعای دولتش گویند نزد ربی الاعلی
رفیع القدر و صاحب دولتی پاکی که در عالم
نبودست و نباشد مثل او بی مثل و بیهمتا
خدایا تا جهان باشد بدولت باشد و بادش

خداوند جهان یاور معین و ناصر الاعدا

ی. در کتیبه درب ورودی ایوان روبروی مقبره خسرو که راجع است بشخصی
اکرام نام که (در ۱۲۲۶ فوت شده) این رباعی نوشته شده است :

اکرام ز نور لطف شه داشته ضو چون زره کز آفتاب دارد پرتو
آسود بیای خسرو و سید گفت « اکرام بیاسود بیای خسرو »

سنه ۱۲۱۶ هـ.



۶- آرامگاه حسن دهلوی - آرامگاه حسن دهلوی معاصر امیر خسرو در قصبه

خلد آباد معروف بروضه واقع شده است و آن در نه میلی شمال ایستگاه راه آهن
دولت آباد میباشد. مقابر اولیا که برای نشر دعوت اسلام در قرون هفتم و هشتم هجری
بجنوب هند مسافرت کرده اند در اینجا فراوان است. اورنگ زیب عالمگیر در سال
۱۷۰۷ م. شهر روضه را برای آرامگاه خود انتخاب کرد و همانجا مدفون شد و چون

یکی از القاب او «خلد مکانی» بود از آن پس شهر روضه به «خلد آباد» معروف گردید.

مقبره خواجه حسن دهلوی شاعر معروف فارسی زبان در قرن هشتم تقریباً نیم فرسنگ در جنوب غربی خلد آباد واقعست و مشتملست بر یک مسجد کوچک و یک فضای محصور. قبر ملک «چهجو» برادرزاده غیاث الدین بلبن نیز در آنجا قرار دارد. لوحی سنگی در دیوار مسجد کهنه خلد آباد دیده میشود که از سنگ سرخ تراشیده اند، و بر روی آن کتیبه ای فارسی راجع بتاریخ بنای مسجد را نقش کرده اند که در سال ۷۱۹ هجری در عصر قطب الدین مبارکشاه خلجی توسط یکی از غلامان او موسوم به عنبر ساخته شده. این عنبر ظاهراً حاجب درگاه خسروخان سپهسالار بوده است.

حسن دهلوی در ۶۵۲ هجری متولد و در سال ۷۳۸ وفات یافته و معاصر با قطب الدین مبارکشاه و پدر او علاء الدین خلجی است. بنابراین بنای آن مسجد مسلماً در زمان آن شاعر بوده است.

مبارکشاه خلجی در سال ۷۱۸ هجری بعزم رزم راجه های کجرات و فتح قلعه «دیوگیر» - دولت آباد - بجنوب هند حمله آورد و ظاهراً این مسجد یکسال بعد از فتح آن قلعه ساخته شده است. این کتیبه بشعر فارسی و خط شبیه بنسخ است و گویا در آن زمان در جنوب هند و در اردوی شاه خوشنویسی پیدا نمیشده است که آنرا باخطی بدین ناپختگی نگاشته اند. کتیبه از این قرار است:

سطر اول:

بعهد دولت سلطان عالم	کی عدلش در جهان چون شمس تابان
شه کیتی* قطب دین و دنیا	مبارکشاه سلطان بن سلطان

سطر دوم:

بنا کرد این عمارت بنده عنبر	یک از حجاب اعظم خسروخان
محرم ماه بود و از عشر اول	ازو تاریخ هفصد نوزده دان ^(۱)

(رجوع شود به تصویر شماره ششم)



تصویر شماره ۶ - کتیبه مسجد مبارک شاه خلیج ، قرب مقبره حسن دهلوی - خلد آباد

دروقت حاضر بر روی مزار خواجه حسن دهلوی سنگ نو سفیدی قرار دارد که در سطح آن عبارت ذیل منقور است ، ظاهراً آنرا درازمنه اخیره نصب کرده اند .
سطر ۱- هوالحی القيوم .

» ۲- نجم الدین خواجه امیر حسن دهلوی

» ۳- ابن علاء سجزی صاحب فوائد الفؤاد

» ۴- تاریخ ولادت ۶۵۲ هجری

» ۵- تاریخ وفات «مخدوم اولیا» ۷۳۸ هجری

مقبره میر غلامعلی آزاد بلگرامی که از اجله فضاء قرن اخیر است نیز در جنب آن قرار دارد .



۷- خانقاه سیدعلی همدانی : - میر سیدعلی همدانی معروف بامیر کبیر که از مشاهیر متصوفه اسلام است، خانقاه اودر شهر سرینگر- کشمیر- در محلی که اولین بار در آنجا نماز گذارده است بنا شده ، و اکنون این خانقاه که بنام «مسجدشاه همدان» معروف است در نزد کشمیریان از اماکن مقدسه شمرده میشود . حتی هندوها نیز آنرا محترم میدانند .

میر سیدعلی که در سال ۷۱۴ هجری در همدان متولد شده است در زمانی مقارن با عصر امیر تیمور از ایران بکشمیر دوسفر کرده . در سفر اول در سال ۷۷۴ بکشمیر رسیده است . مجدداً در سال ۷۸۱ بکشمیر باز آمده و در آنجا اقامت گزیده و بنشر دعوت اسلام مشغول گشته است و در سال ۷۸۵ بسمت ترکستان مسافرت کرده و در محلی موسوم به «تاخلی» نزدیک «کونار» Kunar که فعلاً در خاک تاجیکستان- جماهیر شوروی- واقعست، در سال ۷۸۶ در ماه ذیحجه وفات یافته و قبر اودر همانجاست^(۱) .

خانقاه او موسوم به «خانقاه معلی» یا «مسجدشاه همدان» در محله علاء الدین پور

۱- برای شرح حال و آثار میر سید علی همدانی رجوع شود بتاریخ کشمیر اعظمی - مجالس المؤمنین . کشمیر Kashir تألیف دکتر صوفی (طبع لاهور) . و همچنین مقاله اینجانب در مجله آسیائی پاریس سال ۱۹۵۲ م .

مابین پل سوم و چهارم ، در شهر سرنگر واقع شده است و ظاهراً در ۷۹۸ هـ . بتوسط پسر او سید محمد ساخته شده باشد . ابوالفضل در آئین اکبری از آن یاد میکند . تمام آن بنا از قطعات چوب ضخیم و مکعب است که بر روی هم مانند خشت نصب کرده اند ، و در وسط آن بنا تالار وسیع مربعی قرار دارد . گویند آنجا است که میر سید علی نماز میگذاشته . در سردر ورود این خانقاه در سمت راست این بیت فارسی مکتوبست :

ایدل اگر ت مطلب فیض دو جهانست

رو بر در شاهنشاه همدانست .

و در سمت چپ این بیت دوم :

مقرون با جابت ز در اوست دعاها

عرشت درش بلکه ازو عرش نشانست

همچنین در طرف راست این بیت :

خانقاهست این مکان یا مسجد اقصاستی

مسکن امن و امان یا جنت الماواستی

و در سمت دست چپ بیت دوم :

قبه نور است یا سرچشمه آب حیات

یا مگر از رحمت حق خیمه برپاستی

و در بالای سر در ورود این رباعی :

چو شد از گاه احمد خاتم دین ز هجرت هفصد و ست و ثمانین

برفت از عالم فانی بباقی امیر هر دو عالم آل یاسین

همچنین این رباعی در پیشانی بنا کتیبه شده است :

هر فیض که در سابقه هر دو جهانست

در پیروی حضرت شاه همدانست

شاه همدان آنکه شهنشاه جهانست

ای خالک بر آن دیده که در رب و گمانست

در داخل خانقاه در بالای محراب این رباعی که شامل ماده تاریخ وفات اوست
کتیبه شده :

حضرت شاه همدان کریم آیه رحمت ز کلام قدیم
گفت دم آخر و تاریخ شد «بسم الله الرحمن الرحيم»

۵۷۸۶ هـ

نیز این رباعی که ظاهراً از خود آن سید است در بالای محراب منقوشست :

شاه ز کرم بر من درویش نگر بر حال من خسته دلریش نگر
هر چند نیم لایق بخشایش تو بر من منکر بر کرم خویش نگر

* * *

۸- در گاه شاه عطا : این کتیبه در دیوار مزار است بنام شاه عطا در قصبه دبی-

کوت Debikot در ناحیه دیناج پور Dinajpur در بنگاله . این مقبره و مسجد جنب آن
در حال ویرانی است ، لیکن گنبدی بر روی قبر هنوز باقیست که زیارتگاه مسلمانان آن
دیار است . چهار کتیبه دارد که قدیمترین آن متعلق بزمان سلطنت سکندر شاه، پادشاه
بنگاله میباشد (وی پدر سلطان غیاث الدین اعظم شاه ، ممدوح خواجه حافظ شیرازی
است که تاریخ سلطنت او از ۱۳۸۹ م / ۷۹۲ هـ تا ۱۴۰۹ م / ۸۱۳ هـ امتداد داشته (۱)).
این کتیبه کهنسال در چهار سطر بخط ثلث بسیار ظریف بفارسی منظوم و منشور آمیخته
بعربی بر روی سنگ حجاری شده، و اشعار آن در کمال متانت و استحکامست و نشان میدهد
که در آن زمان زبان و ادب فارسی در بنگاله در منتهای قوت بوده است . متن کتیبه
این است :

درین گنبد که بنیاد عطا یست عمارت خانه کونین بادا
ملایک در ثباتش خوانده تاحشر بنینا فوقکم سبعا شادا

۱- رجوع شود به «الضوء اللامع» تألیف السخاوی، و نیز رجوع شود به تاریخ بنگاله جلد دوم
طبع دانشگاه دکا ۱۹۴۸، ص ۱۱۷.

«بغنايت هفت ايوان بديع كه السذى خلق سبع سماوات طباقاً تقدست اسمائه
باتمام رسيد عمارت گنبد رفيع كه نسخه ايست از تختۀ سقف جلال و لقد زينّا السماء
الدنيا بمصاييح درروضۀ متبرك قطب الاوليا و حيد المحققين سراج الحق والشرع والدين
مولانا عطا اعطاه الله تعالى فضيلته في الدارين بامر صاحب العهد والزمان باعث العدل
والاحسان حامى البلاد راعى العباد السلطان العادل العالم الاعظم ظل الله في العالم المخصوص
بعناية الرحمن ابوالمجاهد سكندر شاه بن الياس شاه السلطان خلد الله ملكه :

پادشاه جهان سكندر شاه كه بنامش در دعا سفتند
نورالله شانه خواندند خلد الله ملكه گفتند

في تاريخ سنة خمس وستين و سبعمائه . عمل بنده در گاه غياث زرین دست» (۱).

۷۶۵ هـ .

(رجوع شود به تصوير شماره هفتم)

ابن لوحۀ سنگ تقريباً بطول دوپا و عرض يك پا در ديوار در گاه نصب شده و
كتيبه در طرف يمين درب ورود قرار دارد .

۹ - در گاه روشن چراغ دهلی : - مقبرۀ عارفیست بنام نصیرالدین و ملقب

بروشن چراغ دهلی که در ۷۴۷ هجری مطابق ۱۳۵۶ م . وفات یافته است . و بامر فیروز
شاه تغلق بر فراز قبر او در گاهی ساخته شده که اکنون در نزدیکی دهلی موجود است
و گنبد مر تفعی دارد و ستونها از سنگ قرمز . و این کتیبه در آن در گاه است که بخط
نزدیک بثلث نوشته شده است در پنج سطر : (۲)

سطر اول : بسم الله تيمناً بذکره

سطر دوم : عمارت این گنبد میمون در عهد همايون

سطر سوم : الوائق بتأیید الرحمن ابوالمظفر فیروز شاه السلطان

۱ - رجوع شود به مجله *Epigraphia Indo-Moslemica* (1929-30) ، صفحه ۱۰ .

۲ - رجوع شود بآثار الضانید ، باب سوم صفحه ۳۶ و صفحه ۵۳ .



تصویر شماره ۷ - کتبه کنبه در کاه شامعطا.

سطر چهارم: خلدالله ملکه سال بر هفتصد و هفتاد و پنج از تاریخ هجرت
سطر پنجم: رسول الله صلى الله عليه وسلم بود (۱).

۷۷۵ هـ.

۱۰ - در گاه پیر چندا حسینی :- در ناحیه دکن در شهر کهنه موسوم به گوکی -

Gogi قبور چندتن از اولیا قرار دارد که مهمتر از همه قبر عارفی معروف به پیر چندای حسینی است که نام او جلال الدین محمود^(۱) میباشد. وی در عصر احمد و علاء الدین احمد دویم بهمنی میزیسته است. این مرد عارف در شعبان ۸۵۸ هـ. وفات یافته و کلمه «رخ چندا» راماده تاریخ او گرفته اند. در جوار قبر او در شهر گوکی قبور سلاطین عادلشاهی وجود دارد (۲).

قدیمترین کتیبه فارسی که درین شهر دیده میشود متعلق است بزمان سلطان محمد بن تغلق که شرح و تاریخ بنای قلعه و برج دروازه آنرا متضمن است، و بخط قریب بنسخ در روی سنگ بتاریخ ۷۳۸ هجری تحریر شده. دیگر در بالای درب چله خانه عارفی بنام شاه حبیب الله بخط نسخ این شعر کتیبه شده است :-

«لمحرره ۹۴۲»

حجره دنیا بلفظ سخن از آن شد متصف

تا بدان معنی حبیب الله گردد معتکف

در بالای دروازه مقبره شاه چندای حسینی کتیبه ای فارسی بخط مخلوط نسخ و ثلث دیده میشود که از حیث عبارت و شعر چندان لطیف ندارد. آن کتیبه در چهار سطر بتاریخ هزار و هفت هجریست بشرح ذیل :

سطر اول :

الهی عاقبت محمود کردان

بلائی ناگهانی دور کردان

۱ - برای شرح حال این عارف رجوع شود بتاریخ فرشته.

۲ - سلاطین عادلشاهی دکن از ۱۴۹۰ م. تا ۱۵۵۸ م. در جنوب هندوستان سلطنت کرده اند.

سطر دوم :

که بیشک ییابی تو رحمت خدا
تصور نما قدرت آله
سطر سوم : بدور شاه ابراهیم عادلشاه بن شاه علی عادلشاه
سطر چهارم :

بامر الهی چو راضی شوی
که بی شک و شبهه بجنّت روی
سطر پنجم :

سنگ دروازه روضا
زمان شاه عادل سلاطین پنا
سطر ششم :

عمرت درازبادا چندانکه بی نهایت
دولت همیشه باشد دشمن بزیر پات

سطر هفتم : بنا کردند شیخ میان متولی در سال الهجریه دهصد و هفت سال
سطر هشتم :

کسیکه نه این کرده این کرده است تمام
بجز نیکنامی نماند مدام

این کتیبه نمونه خوبیست از انحطاط نظم و نثر فارسی در اوایل قرن یازدهم
هجری در بعضی نواحی جنوب هندوستان (۱).

۱۱ - مقبره شیخ نورالدین ولی : - در قصبه شار شریف Tchar-Sharif در هجده

میلی جنوب شرقی شهر سرینگر - کشمیر مقبره و مسجدی موجود است که هر دو از
آبیه قرن نهم هجری و یادگار زمان سلطنت شاه زین العابدین پادشاه معروف کشمیر

میباشد. و آن مقبره یکی از پیشروان فرقه «ریشیه»^(۱) است که ممزوجی است از تصوف اسلام و مبادی هندوئیسم، هم اکنون بر سر این مقبره هندو و مسلمان و شیعه و سنی دعا و نذر اعدا دارند. و هر يك آن شیخ را منتسب بخود میدانند. درون مقبره کتیبه‌هایی بشعر اردو موجود است ولی يك کتیبه هم بشعر فارسی نیز دیده میشود که تاریخ وفات شیخ را نشان میدهد، و هی هده:

شیخ رهبر هور انور نور دین بیخ اسلام از وجودش شد متین
 شد بحق ملحق چو بواندر گلاب در شب قدر آن امام السواصلین
 سال وصل شیخ عالی منزلت قدسیان گفتند «شمس العارفین»



۱۲ - مزار مولی کمال: این مقبره در ناحیه مالوا (Malva) در شهر دهار (Dhar) واقع و متعلقست به شیخ کمال مآلوی از شاگردان خواجه نظام الدین اولیا. اشاراتی بنام واحوال او در آئین اکبری و در ارمغان شاهجهانی آمده است. این شهر در زمان سلاطین تغلقی بدست فیروز شاه در ۷۹۲ ه. فتح شده است. محمود تغلق در نتیجه حمله تیمور بهندوستان باین ناحیه پناه برد. و در آن شهر از قرن هشتم تا زمان حکومت انگلیسها آثار کتیبه های فارسی در اماکن مقدسه و در مساجد فراوان یافت میشود. از آن جمله مقبره مولی کمال است که معاصر محمود خلجی بوده است و این پادشاه از سال ۸۳۹ تا ۸۸۳ ه. در آن ناحیه حکومت میکرده است. در سردر آن بنا این کتیبه در روی سنگ سیاهی بصورت نیمدایره بخط نسخ حکاکی شده:

الله ولی المؤمنین

این روضه رضوان و چنین زیب و جمال

وین قبه پر نور و چنین قطب کمال

۱- کلمه ریشی *Rishi* به سانسکریت بمعنای «عارف» و «حکیم» است و پیشوایان این فرقه در کشمیر همه بنام «باباریش» در قرن هشتم و نهم مرجع و معتقد عام بوده اند و قبور آنها در آن ناحیه هم اکنون زیارتگاه مسلمانان است.

چون از پی ز ایران مسکین غریب
 در ساحت و صحن تنگ بوده است مجال
 این هر دو رواق و صحن و این گنبد و در
 با پرده سنگ و خانه و آب زلال
 و آن صفحه درون خانقاه و دهلیز
 با کشک و با کنگره هر یک چو هلال
 هم از پی آسایش هر اهل دلی
 هم از پی مشغولی هر صاحب حال
 در عهد همایون خود آن شاه جهان
 محمود شه خلجی خورشید مثال
 در هیصد (۱) و ستین و یک آراست ز سر
 کاراسته باد قصر عمرش همه سال
 بر در که این دو شاه دین و دنیا
 محمود گدا فتاده در صف نعال
 چون هست صلاهی عام ازین در همه را
 باشد که بیور رکن گویند تعال
 کتیبه و عمل الحافظ الشیرازی المرشدی فی سنه . . . (۲)

۵۸۶۱

۱۳ - کتیبه گنبد قنوج: (۳) در مشرق شهر قنوج در ناحیه استان شمالی (U.P.)
 نزدیک قلعه کهنه در گاهی است که در آن دور و روضه واقع است بسنگ های سرخ و سفید که
 یکی از آنها دارای تاریخ است و گویند که آن روضه قبر یکی از اولاد «مخدوم جهانیان»

۱- در غالب کتیبه های قرن نهم کلمه هشتصد بصورت هیصد نوشته شده است .

۲- رجوع شود به مجله *Epigraphia Indo-Moslemica* (1909-1910) صفحه ۱۴ .

۳- رجوع شود به مفتاح التواریخ - طبع نولکشور . ص ۱۲۷ .

است و در آنجا سنگی موجود است که سابقاً در پیشانی دروازه خارجی بنا نصب بوده .
 و از آن معلوم میشود که یکی از امرای حسین شاه شرقی موسوم به شاه پری خان در سال
 ۸۸۱ هـ . کنبندی عالی بر آن روضه بنا کرده و آن سنگ را نصب نموده و این اشعار بر آن
 سنگ کتیبه شده است :

این گنبد بدیع که از چرخ بر تراست
 وین طاق بی نظیر که با زیب و زیور است
 کشته بنا به عهد همایون حسین شاه
 کاند در زمانه ذات جلیلش مظفر است
 ترتیب کرد شاه پری خان فتح خان
 کز فضل حق جهان همه او را مسخر است
 بسا هزار سال حیاتش فلک بکام
 کاین ملک بر دوام بذاتش مقرر است
 هشتاد و یک و هشتصد از هجرت رسول
 تاریخ و سال گشت ز ماه پیمبر است
 بانی طاق سید راحوی بن جلال
 کافاق از جمالش خوشتر منور است (کذا)
 کاتب حروف حاتم مسکین که و نحیف
 امیدوار مغفرت از حضرت اکبر است
 ۸۸۱ هـ .

۱۴ - کتیبه مسجد و مرقد شاه برهان: در جنوب هند در مسجد شهر آشتی (Ashti)

در ناحیه بید^(۱) کتیبه ای فارسی بخط نستعلیق موجود است .
 این مسجد را شخصی بنام غوری خان در سال ۸۸۸ هجری بنا کرده است و این
 قطعه در دیوار خارجی مصلی بر لوحه سنگی نصب شده است در دو سطر :

سطر اول :

از برای شاه برهان مرشد راه یقین
مسجد و مرقد مرتب ساخت غوری خان مهین

سطر دوم :

از پی تاریخ اتمامش چو میجستم خبر
این نوید دل بیامد « شد مکمل قصر دین »

• ۸۸۸

ظاهر آ مقبره عارفی بنام شاه برهان است و مربوط بزمان برهان نظام شاه
نمیباشد (۱)



۱۵ - روضه سیدالسادات : در قصبه بیدر (Bidar) دو کتیبه موجود است از
اوایل قرن دهم هجری که کتیبه اولی در سردرب دروازه دویسم قلعه بیدر (۲) بخط
زیبای نسخ و طغرا موجود است و نشان میدهد که این دروازه را امیری بنام سیف خان
در سال ۹۰۹ هجری بنا کرده است. آن کتیبه عبارتست از پنج سطر و قطعه ای است فصیح،
مشمول بر نام بانی و تاریخ بنا و نام کاتب ازین قرار (۳) :

سطر اول :

ای زمین آستان آسمان ملک و دین
آسمانی آسمان کر نقش بندد بر زمین

سطر دوم :

او شکوب اولت سبع سموات طباق
نقش در گاه تو طبتم فادخلوها خالدین

۱ - رجوع شود به مجله *Epigraphia Indo-Moslemica* (1921-1922) صفحه ۲۹ .

۲ - رجوع شود بتاریخ فرشته که در آنجا شرح قلعه بیدرو بانی آن احمد شاه بهمنی و تعمیراتی
که بعداً در زمان محمود شاه بهمنی در آن بعمل آمده بتفصیل مسطور است .

۳ - رجوع شود به مجله *Epigraphia Indo - Moslemica* (1925-26) صفحه ۱۸

سطر سوم :

طاق در گاه تو طغرائیست بر منشور ملک

رسم ارکان تو بنیاد است در ارکان دین

سطر چهارم :

حلقه در گاه جاهت گوشوار عز و جاه

پایه صدر رفیعت دستگاه ملک و دین

سطر پنجم :

بانی هذا الباب اياز المخاطب بسيف خان كوتوال بك في سنة تسع وتسع مائة

كتيبه محمود شاه ابن السلطان محمد شاه البهمنى . ۹۰۹ هـ

کتیبه دویم در همان شهر در محل چشمه ایست موسوم به «چشمه سیدالسادات» و آن در نزدیکی مقبره یکی از اولیا ملقب بسیدالسادات قرار دارد. آبى معدنى از سنگ بیرون میترآود و طاقى بر سر آن چشمه افراشته اند و بر لوحه سنگ سیاهی کتیبه ذیل را نقش کرده اند بخط نسخ بسیار زیبا در سه سطر :

سطر اول : « بنا کرده عماره این چشمه حیات درین مقام شریف وروضه مطهر

لحضرة سیدالسادات المخدم السید حنیف نورالله مرقدہ

سطر دویم : فی زمان السلطان الاعظم المتوکل علی الله القوى الغنی ابوالمغازی

شهاب الدنیا والدین محمود شاه بن محمد شاه الولی البهمنى

سطر سوم : اقل عبادالله درویش حسینی مشهدی المخاطب من الحضرة العالیه

بسقاخان غفرالله له ولوالدیه فی سابع من شعبان سنة عشر وتسعمائة الهجرة النبویه .

. ۹۱۰ هـ

و سیدالسادات مذکور موسوم بسید محمد حنیف الجیلانی در عصر سلطنت

احمد شاه اول از ایران باین دیار آمده و محل تکریم و تقدیس سلطان و درباریان او

قرار گرفت و بعد از اوتاج سلطنت را وی تیمناً و تبرکاً بسر محمود شاه گذاشت. وفات

او در سال ۹۰۱ هجری واقع شده است. این محمد شاه چهاردهمین سلطان از سلسله



۱۶ - مقبره مولانا جمالی : در نواحی مسجد قطب الدین و نزدیک آرامگاه

قطب الدین بختیار کاکی (رح) در شهر دهلی قدیم مقبره و مسجد مولانا جمالی قرار دارد این مقبره و مسجد را ابتدا خود صاحب قبر ساخته و بعد ها ساختمان آن توسط شخصی باسم شیخ فضل الله معروف بجلال خان بسال ۹۳۵ هـ . تکمیل شده است (۱) .

مولانا جمالی دهلوی که اورا «امیر خسرو ثانی» لقب داده اند در ابتدای عمر در نزد مولانا عبدالرحمن جامی در هرات تلمذ میکرده است ، پس از وفات او بهندوستان بازگشته و در دهلی در دربار سلطان اسکندر لودی تقرب یافته (۲) و در تصوف مرید شیخ شمس الدین کنبوه دهلویست و از ورساله ایست موسوم «بسیر العارفین» که در آن شرح احوال مشایخ صوفیه هندوستان را از خواجه معین الدین چشتی اجمیری تا استاد خود همه را ذکر کرده ، در سال ۹۳۷ هجری مطابق ۱۵۳۰ م. در اوایل سلطنت همایون پادشاه وفات یافته است و تاریخ وفات اورا در عبارت «خسرو هند بود» یافته اند.

آرامگاه او حجره زیبایی است مربع که از سنگهای ملون بظرافت تمام بنا شده و بانواع کچ بری و منبت سازی و نقاشی و کاشی کاری آراسته بوده است . فضائی دلاویز و نظر اندازی فرح انگیز دارد . نگارنده این سطور در دیماه ۱۳۳۴ آرامگاه اورا زیارت کرده است . در گرداگرد اضلاع داخلی آن حجره دو غزل و یک رباعی که از خود او است و بظرافت کچ بری کرده اند ، یاد داشت نموده و در اینجا نقل مینماید . اینک غزل اول :

اگر بفکر کشد سر سیاهکاری ما

بود بعفو تو چشم امیدواری ما

باستان تو شرمنده سگان توایم

که شب قرار ندارد ز آه و زاری ما

۱- رجوع شود به آثار الصنادید باب سوم ص ۴۷ .

۲ - رجوع شود به منتخب التواریخ تألیف عبدالقادر بدایونی و همچنین تاریخ فرشته .

اگر پیرده راز تو محرمی یابد
 فرشته فخر نماید پیرده داری ما
 بخاک کوی تو در چشم مردمان خواریم
 بنزد اهل نظر عزتست خواری ما
 زابر لطف تو شد ناپدید گرد گناه
 ولیک شسته نشد داغ شرمساری ما
 بروز هجر تو در بیکسی و تنهائی
 بجز غمت نرسد کس بغمکساری ما
 جمالیایا بدر یار التجا می آر
 که هست بر در دلداد رستگاری ما

غزل دوم:

ز حد گذشت بعشق تو بیقراری ما
 امید هست که رحم آوری بزاری ما
 جمال عفو تو کی آمدی برون ز نقاب
 اگر نه روی نمودی کناهکاری ما
 اگر چه در خور قهریم از گنه کاری
 بود بلطف تو چشم امیدواری ما
 بعزت جبروت و بحرمت ملکوت
 رسمیم اگر نظر آری بخاکساری ما
 اگر پیرده راز تو پیرده دار شویم
 فرشته را نسزد جای پیرده داری ما
 زیک ترشح ابر کرم فرو شوئی
 غبار جرم ز رخسار شرمساری ما

نظر بسوی جمالی فکن زعین عطا

مین بجانب سستی و خامکاری ما

رباعی :

ای رحمت تو زمعصیت برده کرو وی قهر ترا لطف تو فرموده ، برو
جائیکه شد از خرمن عفو تو سخن آنجا گنه خلق بسنجند بجو

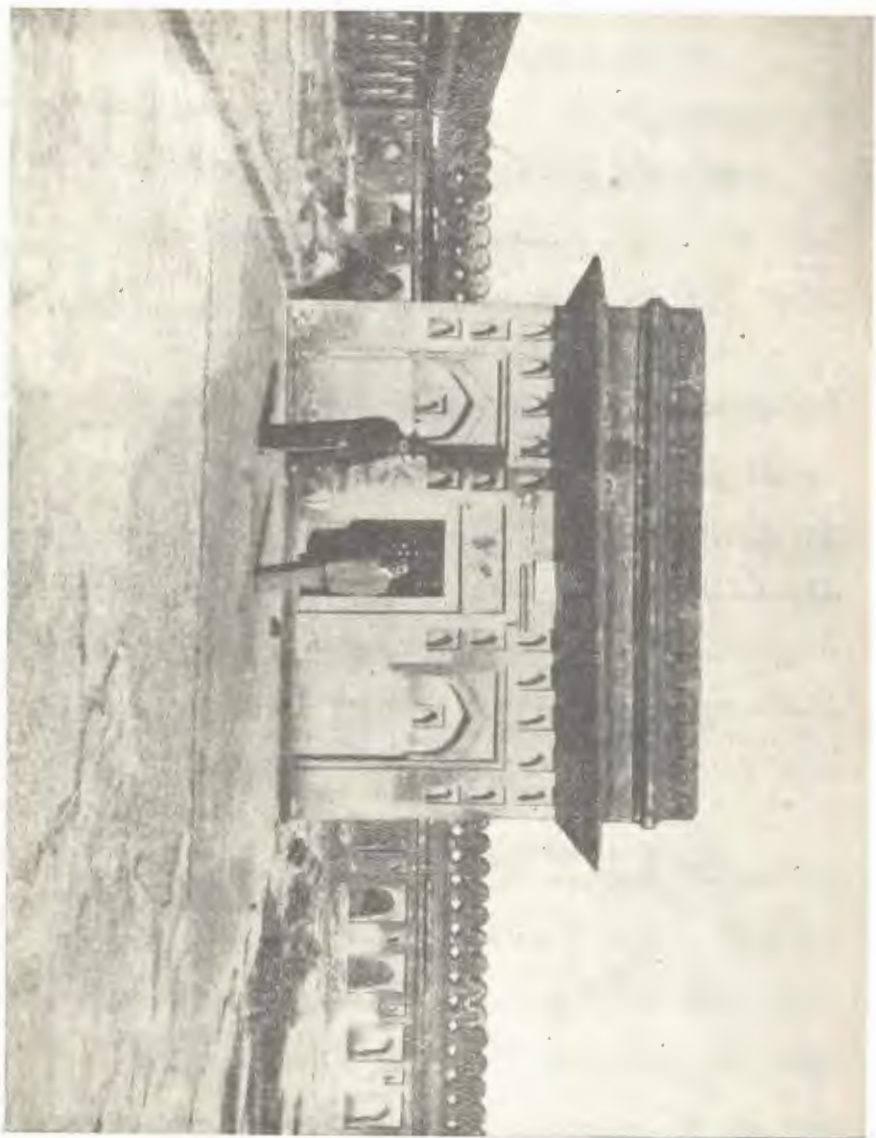
(رجوع شود به تصویر شماره هشتم)



۱۷ - درگاه امام ضامن : در جنب منار قطب الدین ایبک ، نزدیک دروازه بزرگ

علائی، مقبره‌ای موجود است متعلق یکی از سادات شیعه بنام امام محمد علی مشهدی .
این مقبره که بدرگاه امام ضامن معروفست و همچنین - سید حسینی پای منار - نیز
باو میگویند اکنون در کمال ظرافت موجود است . صاحب قبر در زمان سکندر شاه
لودی از مشهد مقدس به هندوستان آمده و در دهلی اقامت اختیار کرده است . مقبره او
در حجره مربع بسیار ظریفی است که بامر خود او و در حیات او از سنگ مرمر ساختمان
شده و بعداً در آنجا مدفون گردیده سال ۹۴۴ هجری ، و بر سر در ورود آن این
کتیبه بفارسی منقوشست :

«بسم الله الرحمن الرحيم وظیفه حمد و دعائی که مجاوران حظیره قدس و ساکنان
روضه امن بآن قیام نمایند (کذا) نثار خداوندی که مقربان درگاه او دنیا
و آخرت را فدای راه نموده اند و نقد جان و دل و پیکر آب و گل را صرف
بارگاه او فرموده و درود و افره و تحیات متکثره بمشهد معطر و حظیره منور
شفیع روز محشر و آل و اصحاب اطهر او واصل و مواصل باد و فی موقع
ضرب (کذا) الخیرات و مسیر البریات توفیق ازلی رفیق حضرت هدایت
مرتب محمد محمدت علی صفوت حسنی عشیرت حسینی نسبت عمده
سادات عظام خلاصه اتقای کرام ، عالی عیسی ترك و موسی تجرید ، کوه



تصویر شماره ۸ - آرامگاه مولانا جلالی - دهلی

عزلت و تفريد ، المؤيد من عند الله الغنى قطب الملة و الطريفة سيد حسینی الحسيني گردانيد تا اين بقعه شريف و منزل لطيف را احداث نمود و وصيت فرمود که چون مدت حياتش که بذيل قيامت پيوند باد بسر آيد و بتشريف ادخلوها بسلام آمين مشرف گرديده بسوی حظيرة قدس و روضه انس پرواز نمايد مقبره فايز الانوار آن حضرت اين بقعه نامدار باشد . و کان اتمام هذه البقعة (فی) شهور سنة اربع و اربعين و تسعمائة ٩٤٤ هـ .



۱۸ - در گاه شيخ علاء الدين نور تاج : در چند ميلي جنوب دهلی در ناحیه قصبه مهرولی « Mihrauli » ، در نزديکی در گاه خواجه قطب الدين بختيار کاکی (رح) ، مقبره ايست که بنام در گاه « شيخ يوسف قتال » معروفست . وی از مشايخ متصوفه هندوستان بوده و مرید قاضی جلال الدين لاهوری ، ولی در آستان آن در گاه کتیه ايست که آن مقبره را بشيخ علاء الدين نور تاج نسبت داده بهمين مناسبت آن مکان معروف به « شيخ سراي » شده است . مرحوم سيد احمد خان نز در کتاب آثارالصناديد اشتباهاً اين کتیه را بمقبره شيخ يوسف قتال نسبت داده^(۱) ولی در مجله کتیه های هندو مسلم^(۲) اين اشتباه تصحيح شده است .

اما اين شيخ علاء الدين که او نیز از مشايخ متصوفه هندوستانست فرزند شيخ نورالدين و نبیره شيخ فريدالدين شکر گنج صوفی معروف میباشد و معاصر است با اسکندر شاه لودی^(۳) . وفات شيخ علاء الدين در سال ۹۴۸ هجری واقع شده ولی اين کتیه مورخ به ۹۱۳ هجری میباشد . از اين قرار سی و پنج سال قبل از مرگ خود اين گنبد را ساخته است و عبارت فارسی کتیه چنين است :

۱- آثارالصناديد ، باب سوم ، صفحه ۴۶ .

۲- مجله Epigraphia Indo-Moslemica - (1919-20) ، صفحه ۷ .

۳- سکندر شاه لودی در سال ۸۹۴ هجری در شمال هند بتخت سلطنت نشسته و تا ۹۲۳ هجری مطابق ۱۵۱۷ م . سلطنت کرده است . وی از سلاطین معتبر اسلامی شمال هندوستانست و از دوستداران معماری و صنايع ظریفه . ابنیه خيريه و مساجد بسيار بنا کرده و کتیه ها از او باقی مانده است .

« بنای این عمارت گنبد در عهد سلطان الاعظم ابوالمظفر سکندر شاه سلطان خلدالله ملکه و سلطانه . بانی گنبد شیخ علاء الدین نور تاج نبیسه قطب العالم شیخ فرید شکر گنج ماه محرم سنة ثلث عشر وتسعمائة » ۹۱۳ هـ .



۱۹- خانقاه شیخ یوسف شاه : از عصر سلطنت افغانه - شیر شاه (۱۵۴۰-۱۵۴۵ م.)

و اسلام شاه (۱۵۴۵-۱۵۵۴ م.) در صوبه بهار کتیبه های اسلامی بسیار موجود است که بعضی عربی و بعضی فارسی میباشد، و غالباً بخط نسخ و ندره بخط نستعلیق نقش شده و در بنای مقابر پادشاهان و ابنيه و مساجد قرار دارند . آثار شیر شاه در دهلی نیز موجود است . در سر مقبره شیر شاه سوری در شهر سهرام (Sasaram) این بیت فارسی کتیبه شده است :

« شاها بقای عمر تو بادا هزار سال

سالی هزار ماهی و ماه هزار سال »

یکی از جمله کتیبه های قابل توجه آن عصر در سر در خانقاه شیخ یوسف گردیزی است در قصبه بهر گیت (Bohr Gate) در شهر مولتان .

این مرد عارف ابوالفضل جلال الدین محمد یوسف در ۴۵۰ هجری در شهر گردیز، نزدیک غزنین تولد یافته و در عهد غزنویان از موطن خود بمولتان آمده و در هند بنشر دعوت اسلام مشغول گشته است ، و در سال ۵۳۱ هجری وفات یافته . خلفا و جانشینان او را که سجاده نشینان مسند طریقت بوده اند همه « راجو » یا « یوسف شاه » لقب میداده اند . خانقاه مورد بحث منتسب بیکی از ایشانست موسوم به شیخ صدرالدین راجو که در زمان اسلام شاه سوری در ایالت بهار دستگاه تصوفی گسترده است و لوحه موجود در سه سطر بخط نسخ میباشد ازین قرار :

سطر اول : بسم الله الرحمن الرحيم ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم عمارت

خانقاه عالیجاه قدوة الواصلین

سטר دوم : عمدة المحققين قطب الاقطاب بندگی حضرت شاه یوسف گردیزی
در عهد سجاده حضرت شیخ المشایخ

سטר سوم : شیخ صدرالدین راجو در زمان سلطان السلاطین اسلامشاه فی سنة
۹۵۵ و پرداخت سیادت پناه سید احمد حسینی الواسطی شد (۱).

۹۵۵ هـ



۲۰- مزار پیر مسکران : در شهر احمد نکر (۲) لوحه سنگی وجود دارد که در
روی آن قطعه منظوم متضمن تاریخ وفات سید ابراهیم شاه ملقب به پیر مسکران نقش
شده است، بتاریخ ۹۶۷ هجری. و این قطعه در هفت سطر بخط نستعلیق است و هنوز در
شهر احمد نکر جماعتی بنام - مسکران - وجود دارند که آنها را ناکوری مینامند.
کتیبه مذکور بشرح ذیلست :

سطر اول : تاریخ وفات حضرت سید ابراهیم شاه

سطر دوم : در زمان حضرت شاه نظام (۳) شاه ابراهیم کامل با صفا

سطر سوم : سالک راه طریقت بالیقین رهبر دین مقتدای اولیا

۱- مجله Epigraphia Indo-Moslemica (1923-24) ، صفحه ۲۹.

۲- احمد نکر شهرست در هفتاد و پنج میلی شمال شرقی پونا و صد و سی میلی بمبئی در صوبه
مهاراشترا. این ناحیه در عهد سلطنت علاءالدین خلجی بحیثه تسخیر مسلمانان درآمده (۱۳۰۶ م.)
و در زمان سلطنت مغولیه احمد نکر يك صوبه از ممالك محروسه ایشان بوده تا آنکه در سال ۱۸۱۷ م.
بدست انگلیسها افتاد.

۳- مقصود یکی از سلاطین نظام شاهیه دکن است. این سلسله بعد از مرگ خواجه محمود
کاوان در جنوب هند سلطنت نمودند. احمد بن نظام الملك اولین سلطان این سلسله در سال ۹۰۰ هجری
شهری بنا نهاد و آنرا بنام خویش «احمد نگر» نامید. چندی بعد فرزند او برهان نظام شاه پادشاه آن شهر
گردید و بمذهب تشیع درآمد، در سال ۹۶۱ وفات یافت.

سطر چهارم:

ساکن ناگور پیر مسکران از جهان فانی شده سوی بقا

سطر پنجم:

رحلت آن عارف صاحب کمال کرد خالی از مقام خویش جا

سطر ششم:

از کرم سلطان عالی مقبره نزد - کالاشاه - تکیه شد بنا

سطر هفتم:

هاتفی کرده ندا تاریخ آن عارف حق رهنما شاه سخا^(۱)

۹۶۷ هـ.

* * *

۲۱- درگاه سید صاحب: دراحمد نگر مقبره‌ای دیگر موجود است منسوب

بسید صاحب نام، و مقابل آن مدفن شخصی دیگر است موسوم بغالب خان، که در سال ۹۷۰ هـ. کشته شده و کلمه «خان شهید» ماده تاریخ اوست. درحاشیه فوقانی مقابل آن قبر غزل بسیار لطیف و مناسبی از شمس الدین محمد کاتبی نیشابوری یا ترشیزی کتیبه شده است^(۲) و غزل اینست:

ما عاشقیم و کشته شدن اعتبار ماست

شمشیر عشق تیز ز سنگ مزار ماست

۱- رجوع شود بمجله *Epigraphia Indo-Moslemica* (1933-34)، صفحه ۵

۲- شمس الدین محمد کاتبی نیشابوری یا ترشیزی - از مشاهیر شعرای نیمه اول قرن نهم هجری است که سال ۸۳۸ وفات یافته. در دیوان او در غزل مذکور در فوق یک بیت اضافی دیده میشود و آن اینست:

ای دل خوشست صحبت اهل ورع ولی
پیر مغان بمیکده در انتظار ماست

بی زخم تیغ عشق ز عالم نمیرویم
 بیرون شدن ز معرکه بی زخم عار ماست
 ما با وجود سنگ ملامت سلامتیم
 گویا که سنگهای ملامت حصار ماست
 ما را گرفته یار سوی دار میکشد
 ساقی یار می که دم^(۱) گیر و دار ماست
 چون کاتبی خوشیم که در دور خط یار
 عالم معطر از قلم مشکبار ماست
 و در حاشیه تحتانی سنگ قبر این قطعه درماده تاریخ صاحب مزار از اثر شعرای
 همان زمان نقش شده است. گوینده شاعری - حکیمی - تخلص بوده است :
 شهید گشت بناحق یگانه غالب خان
 بلا نظیر جهان دیده زمانه ندید
 هزار حیف از آن نو جوان کزین گلزار
 شهید رفت وز عالم گل امید نچید
 «حکیمی» از پی تاریخ فوت غالب خان
 بیحر فکر و خرد هر طرف بسی گردید
 سروش غیب بگوش دلم نویدی داد
 که شد شهید بظلم و ستم ز دست یزید
 شهید گشت بظلم و ستم چو غالب خان
 حساب سال شهادت طلب ز «خان شهید»^(۲)

۱ - در اصل کتیبه «دمی گیر و دار» نوشته شده و آن رسم الخط بعضی از کتاب هند است که بجای کسره اضافه (ی) الحاق میکنند.

۲ - در این ماده تاریخ با تاریخ آنکه خان در دهلی که فوقاً ذکر شد توارد فکری برای دو شاعر حاصل شده است. رجوع شود به صفحه ۴۸ در همین کتاب.

۲۲- لوحه قبر موجی بدخشانی : در « موزه پرونشل Provincial Museum »

در شهر لکهنو، لوحه سنگی موجود است که بر روی آن دو قطعه فارسی در تاریخ وفات محمد قاسم موجی نقر شده است .

این شاعر که در سال ۹۷۹ هجری مطابق ۱۵۶۶ میلادی وفات یافته « محمد قاسم » نام و « موجی » تخلص دارد . در اواخر قرن نهم در زمان سلطنت ظهیرالدین بابر که شاهزاده همایون فرزند او بفرمان وی بیدخشان رفت بخدمت او پیوست و با آن شاهزاده به هندوستان آمد و در خدمت پادشاه منصب - جلبانی - یعنی کشتیرانی یافت و در اثر خدمت مستدام و هوش و کارآمدی پیوسته ترقی نمود تا آنکه در اوایل سلطنت اکبر باوج کمال رسیده لقب - امیرالبحری - یافت .

ویرا ذوق شعری بوده و مثنویات و اشعار چند دارد^(۱) که از آن جمله مثنوی یوسف و زلیخاست . ظاهراً تخلص « موجی » از آن سبب اختیار کرده که اشاره بخدمت دریا نوردی وی کند . گویند او را در ساحل رود جمنا در شهر آکره خانه ای عالی بوده که هم در آنجا وفات یافته است .

کتیبه لوحه سنگی فوق در سه سطر بخط نسخ بشرح ذیل است :

سطر اول :

قطعة فی التاریخ [و] المناجات
یا قدوس یا صبور یا رزاق یا فتاح

سطر دوم :

الهی چون از این غم خانه ، موجی
طناب خیمه امید بر کند
اگر باشد خطائی رفته از وی
درین دیر خراب آباد یک چند

بتاریخ وفاتش بین کسه گفتم
«کنه از بنده و عفو از خداوند» (۱)

۹۷۹ هـ

سطر سوم : قائله سعدالله

بروح قاسم موجی هر آنکس
که خواند فاتحه از روی اخلاص
خدا او را بحفظ خویش دارد
بحق محرمات خلوت خاص
کتبه عرب محمد بخاری

۲۳- لوحه قبر خواجگی درویش : درمدخل مقبره اتکه خان درجنب درگاه
نظام الدین اولیاء دردهلی قبرستان کوچکی است که هفت یا هشت قبر قدیمی موجود
است . یکی از آنجمله صورت قبری است از مرمر سفید که بداشتن دولوحه عمودی
ویک لوحه افقی ممتاز است .

این دولوحه عمودی یکی در بالای سر و یکی در پائین پای مزار نصب شده و شش
پا و نیم ارتفاع دارند . حاشیه این الواح و متن آنها بامنبت کاری و حجاری بسیار ظریف
و عالی مزین است . در لوحه بالای سر در وسط کلمه طیبه بخط ثلث ، و در ذیل بخط
نستعلیق این ابیات دریا زده سطر منقور است :

از جهان رفت خواجگی درویش	سوی فردوس رهنما آمد
دل ازین دار بی بقا بر کند	ز آنکه کار جهان فنا آمد

۱- رجوع شود بمجله *Epigraphia Indo-Moslemica* (1939-40) ، صفحه ۲۲ .

تنبيه - ماده تاریخ فوق ۹۷۹ میشود که مطابقست باتاریخ وفات موجی مذکور در مآثر الامرا
و معلوم نیست چگونه مولوی شمس الدین احمد نویسنده مقاله در مجله فوق اشتباهاً ۹۷۴ حساب
کرده است .

از سر اعتقاد و روی نیاز
 در بهشت برین نهاد قدم
 بر در شیخ اولیا آمد
 فارغ از قید ما سرا آمد
 سال تاربخ او خرد گفتا
 «عمر درویش بی بقا آمد»

قائله و کاتبه عبدالسلام . ۹۹۰ هـ

در پیشانی لوحه پائین پا که به منبت کاری و حجاری بسیار عالی ممتاز است در
 مربعی این بیت بخط کهنه تری دیده میشود:

«ای بی تو گردش فلک بی مدار حیف
 باشد زمانه و تو نباشی هزار حیف»

۲۴ - روضه شیخ سلیم چشتی فتحپوری - این شیخ ربانی که مراد و مرشدا کبر
 پادشاه بوده است از اولاد صوفی معروف شیخ فریدالدین شکر کنج میباشد. اکبر تولد
 فرزندش شاهزاده سلیم (جهانگیر) را از اثر دعای او میدانست و او را بنام وی موسوم
 ساخت. این شیخ بزرگوار عمری دراز کرده و در سنه ۹۷۹ هـ. در فتحپور سیکری وفات یافت
 و مقبره او در بالای تل مرتفع سیکری هم اکنون موجود، و زیارتگاه مسلمانان، و از حیث
 ظرافت و حجاری در جهان بی نظیر و تماشاگاه سیاحان جهان است. مسجد معروف فتحپور
 نیز در جنب روضه او قرار دارد. (صفحه ۳۲ همین کتاب)

این عبارت در لوحه سنگ مرمر بر مرقد او منقوش میباشد:

«تاریخ وفات شیخ الاسلام شیخ سلیم چشتی قدس سره العزیز .

مغیث ملت و پیر طریق شیخ سلیم

که در کرامت و قربت جنید و طیفور است

منور است از او شمع خانواده چشت

فرید کنج شکر را خلف ترین پور است

دو بین مباش «ز خود فانی و بحق باقی»

بسال رحلتش اندر زمانه مشهور است

چون عدد دو از ماده تاریخ کم شود سال ۹۷۹ استخراج میشود.

۲۵ - درگاه علی برید : سنگ این قبر نمونه ای از سنگ قبرهائست که اشعار

لطیف و مناسب اسانید سلفرا بر روی آن نقش کرده اند.

قبر علی برید در یک میلی جنوب غربی شهر بیدر^(۱) قرار گرفته است، و بنای عالی و معظمی است. در اطراف دیوار آرامگاه در روی زمینه کاشی ملون بعضی اشعار بسیار نغز و مناسب از عطار نیشابوری و سعدی شیرازی ، همچنین دو قطعه در ماده تاریخ فوت علی برید و تاریخ بنای مزار او بخط نستعلیق زیبا کتیبه شده است. تاریخ وفات و تاریخ بنا در روی سنگ نیز دیده میشود . تاریخ وفات ۹۸۷ هـ . و تاریخ بنا ۹۸۴ مییاشد .

الف - اشعار عطار که در روی دیوار خانقاه بر روی کاشی نوشته شده عبارت از

غزلیست بشرح ذیل:

ای همنفسان تا اجل آمد بسر من

از پای در افتادم و خون شد جگر من

دی تازه گلی بودم اندر چمن باغ

امروز فرو ریخت همه بال و پر من

یاران و عزیزان بسر خاک من آیند

و ز خاک پیرسند نشان و خبر من

۱ - شهر بیدر (Bidar) در نزدیکی حیدرآباد دکن در اوایل قرن پانزدهم میلادی (۱۴۲۷ م .) پایتخت سلاطین بهمنی بوده است و بعد از آن سلسله برید شاهی آنجا را پایتخت خود قرار دادند (۱۴۹۲ - ۱۵۰۹) . میرجمله از امرای شاهجهان آن شهر را در سال ۱۶۴۰ م . تسخیر نمود . قلعه بیدر بنای احمد شاه والی نهمین پادشاه بهمنی است که پایتخت خود را از گلبرگه با آنجا منتقل ساخت . خواجه محمود گاوآن وزیر ، در سال ۱۴۷۱ م . مدرسه ای در آنجا بنا کرد . قبور بسیاری از پادشاهان و غیر ایشان در آنجا موجود است .

گر خاک جهان جمله بغربال ببیزند
 حقا که نیابند نشان و اثر من
 رفتم بچنان جای که باز آمدنم نیست
 هم نیست امیدم که کس آید بمرمن
 عطار دلی دارم از درد بخون غرق
 حقا که نیاید دو جهان در نظر من

ب - اشعار سعدی از بوستان:

بروید گل و بشکفت نو بهار	دریغا که بی ما بسی روز کار
بیایند و بر خاک ما بگذرند	کسانی که از ما بغیب اندرند
گذشتیم بر خاک بسیار کس	تفرج کنان در هوا و هوس
چو کس را ندیدی که جاوید ماند	چرا جاودان ماندن امید ماند

و نیز این غزل از همو:

دامنکشان که میرود امروز بر زمین
 فردا غبار کالبدش بر هوا رود
 خاکت در استخوان رودای نفس خیره چشم
 مانند سرمه دان که در و توتیا رود

ج - قطعه در تاریخ گنبد خانقاه:

شاه فرخنده، برید نیکخو	بانی این گنبد گردون مثال
«نام گنبد قبة الانوار کو»	مصرع آخر که تاریخ بناست

۹۸۴ هـ .

د - قطعه در تاریخ وفات:

شاه سریر مملکت دین علی برید

چون تنگنای فانی دنیای دون بهشت

آسوده در بهشت شده از ورای غیب
تاریخ فوتش آمده «آسوده در بهشت»

۹۸۷ هـ.



۲۶ - مزار الشعراء در کشمیر : در شهر سرینگر پایتخت کشمیر ، در محله موسوم به در گجن (Drug-ian) ، در مشرق دریاچه معروف دال (تال) ، بر سر تپه مرتفعی که متجاوز از یکصد پا ارتفاع دارد محلیست محصور و اطراف آن سبزه و گل فراوان و در وسط پنج قبر نمایان است که بعضی بکلی ساده و بدون خط و کتیبه ، و یک قبر که اندکی نقوش بر آن باقی مانده ولی بکلی غیر مقرو است ؛ و این مقبره هم اکنون بمزار الشعراء معروف میباشد . در سرینگر مشهور است که بعضی شعرای عهد جهانگیری و شاهجهانی در اینجا مدفون شده اند . این پنج قبر ظاهراً متعلقست به :

الف - کلیم همدانی

ب - محمد قلی سلیم

ج - طغرای مشهدی

د - قدسی مشهدی

ه - یک نفر دیگر غیر معلوم، که ممکنست شیخ فتح الله شیرازی باشد .

نویسنده این سطور در تیر ماه ۱۳۳۴ شمسی . بزیارت آن مقبره نائل گردید و از اولیای دولت کشمیر تقاضا نمود که لوحه ای شامل اسامی این بزرگان و سال وفات ایشان را در آنجا نصب نمایند .

الف - ابوطالب کلیم :

در کتاب «اسرار الاخیار» معروف بتاریخ حسن که از اسناد مهمه تاریخ کشمیر است و نسخه خطی نفیسی از آن در کتابخانه دولتی کشمیر وجود دارد ، در جلد سوم قسمت چهارم، در شرح حال هر یک از شعرای فوق الذکر اشاره بمدفن آنان نموده . از آنجمله در ذیل میرزا طالبای کلیم چنین نوشته است :

« آخر عمر اورا برای نظم کردن شاهنامه شاهان جغتائیه بکشمیر
فرستادند و در آنجا رسیده بعد چند گاه از جهان در گذشت و در مزار شعرا
مأوا گرفت . »

ملا طاهر غنی کشمیری در تاریخ فوت ابوطالب کلیم این قطعه را گفته است:

حیف کز دیوار این کلشن پرید
طالبان آن بلبل باغ نعیم
رفت و آخر خامه را از دست داد
بی عصا طی کرد این ره را کلیم
اشک حسرت چون نمیریزد قلم
شد سخن از مردن طالب یتیم
هر دم از شوقش دل اهل سخن
چون زبان خامه میگردد دو نیم
عمرها در یاد او زیر زمین
خاک بر سر کرد قدسی و سلیم
عاقبت در اشتیاق یکدیگر
گشته اند این هر سه در یکجا مقیم
گفت تاریخ وفات او غنی
«طور معنی بود روشن از کلیم»

۱۰۶۱ هـ .

ب - قدسی مشهدی

از مشاهیر شعرای شاهجهانی و در تاریخ حسن سابق الذکر شرح حال او مشروحاً
آمده است و بطور خلاصه چنین گفته :

« حاجی محمد جان قدسی، وطنش مشهد مقدس رضوی است. بجهت انصرام بعضی مهمات بهند آمد باریاب صحبت شاه جهان گشت. و ملوک الشعرا ی وقت شد. گویند بموجب وفات فرزند خود محمد باقر محزون شد باز گشت بوطن نکرد. « ظفر نامه » شاهجهانی را بنظم آورده و همچنین مثنوی در تعریف و توصیف کشمیر و صعوبت راه آن سروده و بسیار خوب گفته است. آخر عمر بکشمیر آمد و در آنجا اقامت گزید. در مزار شعرا متصل پیل در گجن بخاک آرمید. وفات او در سال ۱۰۵۶ اتفاق افتاده است (۱).

ج - محمد قلی سلیم

قبر سوم ظاهراً منسوب است بمحمد قلی سلیم که او نیز در زمان شاهجهان از ایران بهند آمده و ملازمت نواب اسلامخان وزیر اعظم را داشته. این بیت ازوست:

کمتر نیم از قیصر و فغفور که من نیز

در هند سیه بختی خود شاه سلیم

مثنوی بنام « قضا و قدر » و همچنین مثنوی در « تعریف کشمیر » دارد. در تاریخ اسرارالاخیار معروف بتاریخ حسن در آخر شرح حال او مینویسد:

« آخر عمر بتقریب رفاقت بعضی امرا بکشمیر آمده در آنجا طبع سلیمی سقیم شده در مزار شعرا بخاک فنا آمیخت ».

تاریخ وفات او را باب سیر و تذکره ها ۱۰۵۷ هجری ضبط کرده اند. نام او را گرچه بعضی علی قلی ثبت کرده اند ولی ظاهراً محمد قلی صحیح باشد (۲). نویسنده این سطور از جناب مولانا آزاد وزیر فرهنگ هند شنیدم که در موزه دولتی سرینگر سنگ قبر سلیم موجود است. ازینرو بموزه مذکور رفته بجستجوی آن سنگ برآمدم،

۱- کلیم را ترکیب بندی است در رثاء قدسی که در دیوان او در طهران طبع شده است و در آنجا ماده تاریخ فوت قدسی را چنین گفته :

بچه تاریخ برون قدسی ازین بستان شد؟

بچمن کربه کنان رفته ز کل پرسیدم

« دور از آن بلبل قدسی چمن زندان شد »

کل ز شبنم همه تن اشک مصیبت شد و گفت

۱۰۵۶

۲- رجوع شود بتاریخ ادبیات ایران تألیف پروفیسور براون، و کلمات الشعرا ی سرخوش، و تاریخ حسن.

مشاهده شد که بر لوحه سنگی بخط نستعلیق جدید نوشته شده است «قدنوفی الفاضل ... ابن محمد صالح محمد سلیم الطهرانی فی سنه ۱۰۷۴» که با ملاحظه تاریخ فوت سلیم معلوم شد که این سنگ قبر متعلق بمحمدقلی سلیم نیست.

د - طغرای مشهدی:

قبر چهارم ظاهراً متعلق است بطغرای مشهدی در شرح حال او در تاریخ حسن چنین نوشته است:

«شاعری خوش فکر و معنی یاب و منشی طبیعت بود و از ملا زمان شاهزاده مرادبخش و او را مدح گفته . مثنوی نیز در وصف کشمیر دارد . آخر عمر بتحریر یک میرزا ابوالقاسم دیوان مشهور بقاضی زاده بکشمیر آمده ، در محله ناید بازار در یک دکانی دیوانه وار سکونت می کرده و بمعنی سنجی شاغل میبود . چون رحلت نمود در مزار شاعران محله در گجن بخاک آسود» .

ه - شاه فتح الله شیرازی (۱)

ظاهراً قبر پنجم (که در حقیقت قبر اول و از همه قدیمتر است) متعلقست بشاه فتح الله شیرازی که از شعرای زمان اکبر است ؛ صاحت تاریخ حسن در شرح او مینگارد:

۱ - در طبع اول ابن کتاب شاه ابوالفتح (گیلانی) ثبت شده . استاد دانشمند پروفیسور محمد شفیع لاهوری نویسنده را متوجه ساختند که شاه ابوالفتح (گیلانی) از حکماء عصر اکبر بوده ولی شاه فتح الله مدفون در مزار الشعراء سرنگر (کشمیر) شیرازی بوده است که در شعر و ریاضیات و عربیت صاحب علم ، و بعضدالدوله لقب یافته و در ۹۹۸ هـ . در کشمیر وفات کرده است . (رجوع شود به تحفه الکرام علی شیر قانع و تاریخ اعظمی کشمیر) و از قراریکه مورخین نوشته اند شاه فتح الله شیرازی در سوم شوال ۹۹۷ در کشمیر وفات یافت ، و در نوزدهم شوال همان سال حکیم ابوالفتح گیلانی درین راه کشمیر بکابل جهانرا بدرود گفت .

و این رباعی در تاریخ وفات آندون که هر دو ایرانی و شیعی و عالم بوده اند گفته شده است:

امسال دو علامه ز عالم رفتند رفتند مؤخر و مقدم رفتند
چون هر دو موافقت نمودند بهم تاریخ بشد که «هر دو باهم رفتند»

«شاه ابوالفتح (کذا) از علمای ایران صاحب طبع و خوش بیان بود، از ولایت بدکن آمده در مصاحبت اکبر شاه تقرب حاصل نمود. در سنه ۹۹۵ با اردوی پادشاه بکشمیر آمده در آنجا توقف نمود. عاقبت بقب محرقه مبتلی گشته از جهان درگذشت، و در مزارشاعران متصل بپیل در گجن بالای بلندی آسود. اهل شیعه قبر او را مصاف و مرجع خود کرده اند.»

* * *

۲۷ - درگاه خواجه باقی بالله: این درگاه در شهر دهلی زیارتگاه است و در جنب روضه قدم شریف واقع شده. بر دروازه جنوبی آن درگاه این قطعه که مشتمل بر ماده تاریخ وفات او است منقوش میباشد. خواجه مذکور از بزرگان مشایخ سلسله نقشبندیه است که در ۹۷۲ هـ. متولد و در ۱۰۱۲ هـ. وفات یافته است:

خواجه باقی آن امام اولیاء	عارف بالله اسرار نهفت
نکته بستانسرای انبیاء	از نهال جعفری خوش گل شکفت
چونکه بد مشرب فنا اندر بقاء	محو حق گشته ز اسرار صفت ؟
رخت بسته زین سرای بی بقا	چون ندای ارجعی از حق شفت
سال تاریخ وصالش خسروی	فی البدیهه «نقشبند وقت» گفت

* * *

۱۰۱۲ هـ.

۲۸ - مقبره اکبر: برای ظهور آثار فارسی در مقابر سلاطین بهترین نمونه مقبره اکبر پادشاه، امپراطور معروف بابری گورگانی هندوستانست که در قصبه سکندرا پنج میل و نیم خارج از شهر آگره واقع شده است و اکنون یکی از بهترین آثار تاریخی هندوستان می باشد و نیز صورتی کامل از معماری عصر مغول است.

اکبر در سال ۱۵۵۶ م. مطابق ۹۶۳ هجری بتخت سلطنت نشست و در ۱۶۰۵ م. مطابق ۱۰۱۴ هجری در آگره وفات یافت و در آن بنا مدفون شد. شرح ظرائف معماری

این بنای دلگشا خارج از حوصله این مقاله است، فقط بذکر بعضی ابیات فارسی که در سر در ورود و در مقبره بخط ظریف نستعلیق بقلم کاتبی موسوم بعبدالحق شیرازی در سال ۱۰۲۲ هجری کتیبه شده است اکتفا میشود.

در سر در خارجی قصیده مفصلی است که این دوبیت از آنست :

مرحبا خرم فضائی بهتراز باغ بهشت

مرحبا عالی بنائی برتر از عرش برین

کلک معمار قضا بنوشته بر درگاه او

هذه جنّات عدن فادخلوها خالدين

در پیشانی دروازه داخلی بنا بطرف باغ این قطعه است :

طاقی که از رواق نهم چرخ برتر است

روشن ز سایه اش رخ تابنده اختر است

این طاق زیب نه فلک وهفت کشور است

از روضه منوره شاه اکبر است

در روی قبر خارجی اکبر لوحه ای از سنگ مرمر سفید منصوبست و کلمه مبارکه «الله اکبر جل جلاله» در دو ضلع شمالی و جنوبی آن منقوشست. در اطراف قبر محوطه مربعیست که دورادور آن طاق نماهای کوتاهی همچنان از سنگ مرمر سفید دارد و در بالای طاق نماها با خط نستعلیق بسیار ظریف این مثنوی فصیح و بلیغ کتیبه شده است، لیکن متأسفانه شاعر نام خود را ذکر نکرده است.

در ضلع غربی :

بنام شهنشاه ملک قدم	که زاتش مبرا بود از عدم
همه پادشاهان روی زمین	از و صاحب تاج و تخت و نکین
کنند از عدم آشکارا وجود	بود ذات او مظهر عدل وجود
زلطفش که ومه طلبکار کام	بود در کеш قبله خاص وعام
نگارنده جوهر آب و خاک	طرازنده گوهر جان پاک
دو عالم ز فیض ازل آفرید	یکی کرد پنهان و دیگر پدید

بشاهان با افسر و تاج و گنج
شکفته تر از باغ در نوبهار
شناسندیگانه را همچو خویش

بیخشید آنکه سرای سپنج
که از عدل ایشان شود روزگار
ره داوری را چو گیرند پیش

ضلع جنوبی:

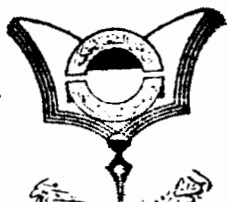
بود سایه ذات پروردگار
که شه اکبر آن سایه ذوالجلال
بر تخت او گشت افلاك پست
دل اهل عالم ازو گشت شاد
شده جمع مردان صاحب شکوه
بگوهر شدی بهتر از جان پاك
چو اندیشه رفتی ز ماهی بماء
بایمای ابرو بدادی بیزم
بهر کار چشمش بانجام بود

شهی کوچنین زیست در روزگار
ز نهصد فزون بود شصت و سه سال
ببالای زرینه مسند نشست
جهان را بیاراست از عدل و داد
بر پایه تختش از هر گروه
بمهر ار فکندی نظر سوی خاك
بدرگاه او هر که بردی پناه
گرفتی بیک حمله ملکی برزم
چو لطف خدا ، لطف او عام بود

ضلع شرقی:

که در دل نگنجید راز نهان
که کرد آفرینش جهان آفرین
چنین کرد شاهی ز روی جلال
سوی آن جهان رفت روشن روان
کنون هشت جنت مسخر نمود
سرایست این عالم آب و گل
که با کس بیایان نبرده است مهر
که با کینه‌ور مهر ناید بکار
از آن تشنه دل کی شود کامیاب

روان شد چو آوازه‌اش در جهان
پیرداخت آنگونه روی زمین
بگیتی دو افزون ز پنجاه سال
چو از عدل آباد کرد این جهان
شه هفت کشور از این پیش بود
بنزد خردمند هشیار دل
مجو مهر از جوهر نه سپهر
سپهر است پر کینه، مهرش مدار
جهانست مانند موج سراب



ضلع شمالی :

نہتست پیمان کس روزگار
نماند بگیتی کسی جاودان
چہ خوش گفت آن کامل نکتہ سنج
« جهان ای برادر نماند بکس
شد از عدل شہ اکبر کامکار
جهان گشت خرم بدوران او
ولی دہر بی مہر پیمان کسل
ز تأثیر بی مہری این جهان
روانش ہمیشہ ز حق شاد باد

کہ شکست آنرا بہنگام کار
ز دست اجل کس نبردست جان
کہ از کوہر دانش اندوخت کنج
دل اندر جہان آفرین بند و بس
بسان بہشت برین روزگار
زمین و زمان شد بفرمان او
ز کین مہر او کرد بیرون ز دل
روان شد سوی عالم جاودان
ازو عالم قدس آباد باد



۲۹۔ مزار قاضی نور اللہ شوشتری معروف بشہید ثالث : السید نور اللہ الشریف

المرعشی الشوشتری - در سال ۹۵۶ ہجری متولد شدہ است و نسب او بعلی بن الحسین (ع) منتهی میشود . در آغاز عمر در ایران بتحصیل علوم عقلیہ و نقلیہ پرداختہ و از مشاہیر علمای شیعہ امامیہ گردید . در ۹۹۵ در ایام سلطنت اکبر پادشاہ مغولی بر حسب دعوت حکیم ابو الفتح گیلانی و شاہ فتح اللہ شیرازی بہندوستان آمد و در شہر لاہور بمنصب قاضی القضاتی معین گردید . از این جہت اورا «قاضی» نامیدند .

در زمان سلطنت جہانگیر کہ پادشاہ متعصبی بود اورا تکفیر کردہ اند و بامر آن پادشاہ در سال ۱۰۱۹ ہجری برابر با ۱۶۱۱ میلادی بقتل رسید و ازین سبب در نزد طائفہ امامیہ بشہید ثالث معروفست^(۱) . مقبرہ او در شہر آگرہ در محلہ دیال باغ مرکز تجمع شیعیان و زیارتگاہ ایشانست . ظاہر آدر سال ۱۱۸۸ منصور خان صوبہ دار آگرہ مقبرہ اورا تعمیر نمودہ و چہار دیواری بر آن نصب کرد . از آن ببعد همچنان در سنوات ۱۲۹۰ و

۱۔ قاضی نور اللہ صاحب تالیفات متعدد است کہ از آنجملہ است مجالس المؤمنین در شرح حال مشاہیر شیعہ ، ودیگر کتاب احقاق الحق رد ابطال الباطل تألیف ابن روزبہان کاشی یا صفہانی .

۱۳۰۳ هجری قمری مرمت یافت. در این اواخر مرحوم مولوی سید ناصر حسینی معروف بن ناصر المله (مؤلف کتاب عباقات الشیعه) تعمیرات اساسی فرمود و خود نیز در آنجا مدفونست. در اطراف قبر ضریحی از سنگ مرمر بارتفاع سی سانتیمتر دورادور قبر نصب شده، و بر روی آن قبر لوحه مرمریست که بخط نستعلیق چنین کتیبه دارد:

«مرقد مطهر و مضجع منور سید سند عالی مقدار، شهید سعید و الانبار، بهار باغ امامت، سحاب گلشن سیادت، برق کشتزار اهل ضلالت، پیشوای فرقه ناجیه با سعادت، یاد کار شهسوار یشرب و بطحا، چشم و چراغ شهید کربلا، آفتاب آسمان هدایت و رهبری، ابوالفضائل سید نورالله شوشتری نورالله مضجعه که در سنه ۱۰۱۹ به عهد جهانگیر بدرجه شهادت فایز گشته و مرمت مرقد مطهرش در سنه ۱۱۸۸ هجری بشهود پیوست.»

و در روی لوحه سنگ بخط ثلث چنین کتیبه شده است:

الله

مرقد منور السید نورالله الحسینی الشوشتری

و در پائین سنگ قبر چنین نوشته است:

«در عهد جهانگیر پادشاه بسعادت شهادت فایز شدند سنه ۱۰۱۹ هجری»

و در وسط لوحه قبر این قطعه است:

ظالمی اطفاء نورالله کرد

قرة العين نبی را سر برید (۱)

سال قتل حضرتش ضامن علی

گفت: «نورالله سید شد شهید»

هـ ۱۰۱۹

در این اواخر یعنی در سال ۱۳۴۶ هجری سر در جدیدی از طرف خان بهادر ناظم - حسینی بسنگ سرخ نصب کرده اند که دورادور درب قطعه ای مشتمل بر چهارده بیت

۱- آنچه مورخین نوشته اند جهانگیر امر کرد سید را بچوب بستند و بدان سبب هلاک شد. بنابراین اینکه شاعر گفته است «سر برید» مطابق با واقع نیست.

ذیل بفارسی بخط نستعلیق کتیبه شده است. ضعف تألیف و سستی ترکیب این اشعار حاکی از انحطاط ادب فارسی در قرن اخیر درهند میباشد.

مبتلا بودند خاصان خدا	در جهان اندر بلاهای شدید
رمزها دارد بلا و امتحان	نص برین معنیست قرآن مجید
بو البشر از کید شیطان رجیم	رحمت و آزار در جنت کشید
کرد سامان لهب بهر خلیل	درد و آلام مرض ایوب دید
در فراق یوسف مصری ز حزن	دیده‌های پیر کنعان شد سفید
در چه و زندان شده یوسف اسیر	تیسغ بیدینی سر یحیی برید
حمزه را وحشی بخاک و خون کشید	ابن ملجم کرد حیدر را شهید
دختر اشعث حسن را زهر داد	در مدینه بهر ترویج یزید
روز عاشورا سر سبط نبی	خنجر شمر از پس گردن برید
رفت بر آل نبی ظلم و ستم	نوبت آخر بنورالله رسید
قاضی نورالله میان آکره	شهدمرگ از دست میخواری چشید
ساخت باب روضه اش ناظم حسین	شد معینش هر سعید و هر رشید
سال تاریخ بنای باب را	گفت هاتف: «باب مظلوم و شهید» (۱)
نزد ارباب یقینست، ای عروج	باب خلد این باب نورالله شهید



۳۰- در گاه بزرگ مخدوم جهان^(۲): در بیست میلی شهر پاتنا (بهار) قریه ایست

قدیمی و تاریخی بنام «مانیر شریف» (Maner Sharif) که گویند در ۵۷۶ هـ. پیری بنام امام محمد تاج فقیه از اورشلیم مهاجرت کرده و آن قریه را متصرف شده. و سادات مانیر همه از اولادو احفاد آن شخص هستند. یکی از اعقاب او موسوم به شیخ یحیی مانیری ملقب به «مخدوم جهان» در سن صد و ده سالگی در سال ۶۹۰ هـ. وفات یافته در آنجا مدفون

شد. مزاروی بنام «درگاه بزرگ» تا کنون باقی و زیارتگاه است. محمد تغلق و سکندر لودی و بابر پادشاه مغولی همه برای تبرک زیارت آن درگاه رفته اند. در عهد جهانگیر بن اکبر، یکی از امراء وی مسجدی در قرب آن درگاه بنا کرده که این ابیات در آنجا کتیبه است:

ای خوش آنکس کاندرین دار فنا	تخم احسان کاشت در کشت بقا
خاصه کاو کرده بنای مسجدی	بر طریق کعبه بیت الهدی
همچنین بر مرقد سلطان دین	شیخ یحیی سر گروه اولیا
ساخت ابراهیم خان کا کر زدل	مسجدی عالی بنا بهر خدا
بنده عاصی چو در تاریخ آن	جستجو بنمود و میزد دست و پا (!)
ناکهان در گوش هوش او سر و ش	بهر این دارالامان دو سرا
گفت این مصراع از الهام غیب	« کرد ابراهیم بیت الله بنا »

۱۰۱۴ هـ.

۳۱- درگاه کوچک شاه دولت: از احفاد شاه یحیی مذکور در فوق، پیردیگری

بنام شاه دولت که در عصر خود مورد احترام بسیار بوده است و عبدالرحیم خان خانان بقول صاحب مائراامرا در صف مریدان وی قرار داشته. روایت کنند که در سن صد و بیست و پنج سالگی در سال ۱۰۱۷ هـ. وفات یافت و مقبره وی بنام «درگاه کوچک» در همان قریه مانیر واقع است. همان شاعر که گوینده ماده تاریخ درگاه بزرگ است این ابیات را برای این یک نیز ساخته و در درب ورودی درگاه منقوش می باشد:

قطب اقطاب زمان قدوه دین	آنکه از مهر و مه انور بوده
شاه دولت که سوی عالم قدس	چون بگیتی بسفر در بوده
سال هجرش خرد عاصی یافت	« وارث حال پیمبر بوده »

۱۰۱۷ هـ.

از بهر نثار این بنای آباد	از درج دلم دو در تاریخ فتاد
اول بشمر «روضه احباب» و دوم	«مانند بهشت جاودان ایمن باد»

۱۰۲۵ هـ.



۳۶ - کتیبه‌های نامی: کتیبه‌هایی چند در نقاط مختلفه هندوستان متفرقند که

بعضی از آنها بنظر نویسنده رسیده، همه از میر محمد معصوم نامی بهکری میباشند و آنچه که بدست آمده در اینجا ثبت مینماید.

میر محمد معصوم بهکری متخلص به «نامی» از رجال و همچنین از خطاطان معروف دربار اکبر پادشاه میباشد و در سال ۱۰۱۹ هجری وفات یافته و کتیبه‌های نستعلیق بخط او و از اشعار خود او در غالب بلاد هندوستان که در قلمرو اکبر پادشاه قرار داشته متعدد یافت میشود مانند قندهار، آگره، فتح‌پور، سیکری، ناگور، اودگیر و بیدر که این همه را در تواریخ مختلفه مابین ۱۰۰۷ تا ۱۰۱۴ هجری کتابت کرده است (۱).

شرح حال محمد معصوم نامی در آثار الامراء بتفصیل مسطور است که چگونه در زمانه اکبر ترقی کرده و مرتبه امارت یافت، تا اینکه بسفارت بدربار پادشاه ایران باصفهان رفته (۲) مورد عنایت و لطف شاه عباس اول صفوی قرار گرفت. او را کتایبست بنام تاریخ معصومی در تاریخ صوبه سند که در پونا بچاپ رسیده است. جهانگیر پادشاه باو لقب «امین‌الملک» عطا کرد. بآنکه در شرح حال او نوشته اند که: «کتابه نویس خوش خط بالا دست بود» ولی خط نستعلیق اودر این کتیبه‌ها چندان تعریفی ندارد. گویند که در مساجد اصفهان و تبریز نیز کتیبه‌هایی ازو موجود است ولی راقم سطور تا کنون از آنها اطلاعی ندارد (ممکنست اداره باستانشناسی ایران در این باره تحقیقی بفرمایند).

چهارده فقره از کتیبه‌های او و پسرش، میر بزرگ، در اینجا نقل میشود:

الف - در کتیبه‌ای که ازو در نارینا (Naraina) موجود است این بیت خود را

بروی سنگ نقر کرده:

«چند بخشی تو درین خوابگاه خیز که بسیار دراز است راه

قائله و راقمه محمد معصوم البکری النامی سنه ۱۰۱۴ ه.».

۱- رجوع شود به جلات Epigraphia Indo-Moslemica (1919) صفحه ۱۷، (1929) صفحه ۲۶، (1923)

صفحه ۲۰ و (1949) صفحه ۴۰.

۲- شرح این سفارت بتفصیل در «اکبرنامه» مذکور است بآنجا رجوع شود.

توان دادن تمام عمر اخضر و آب و گل
حاشم اینکانه را تا دوستی نزنل کند
در نه خاقل از خوشی هر حرف آب و گل کند
آرشاید یکدی صا جلدی در وی کند نزل

تصویر شماره ۹ - کتبه نامی (ج و د)

ب - در سنگ لوحه‌ای که اکنون در ستونی در مقبره گرگ علی شاه در بلده چاتسو در نزدیکی جیپور موجود است این رباعی کتیبه ازوست :

طاعة الله غنیمه

جام از می عیش تلخکام افتاده این مجلس باده نا تمام افتاده
بنگر ز حریفان می و جام افتاده مستانه بخواب هر کدام افتاده

قائمه محمد معصوم سنه ۱۰۱۰ هـ .

ج و د - در خرابه‌های باغ معروف بیاغ حسام دو کتیبه روی دو سنگ بوده است که اکنون یکی را بشهر بیدر برده‌اند و دیگری را بدیوار اندهری محل در اود گیر نصب کرده‌اند . در اولی نوشته است :

ساختم این خانه را تا دوستی منزل کند
ورنه عاقل عمر خود کی صرف آب و گل کند

در دومی نوشته است :

توان کردن تمام عمر را مصروف آب و گل
که شاید يك دمی صاحب‌دلی در وی کند منزل
(رجوع شود به تصویر شماره نهم)

ه ، و ، ز ، ح - در شهر ناگور (Nagaur) در خانقاه تاریکین چهار کتیبه موجود است که یکی از آن جمله بخط خود نامی وسه دیگر بخط فرزندش میربزرگ میباشد که او نیز مانند پدر خطاطی نامی بوده است و آنها مشتملند بر عبارات منشور و منظوم که بخط نستعلیق نوشته شده .

کتیبه اول - بر لوحه سنگی که بر سراصطخری نصب شده چهار سطرست بشرح ذیل بخط میربزرگ (وهمین رباعی را پدر او میر محمد معصوم نامی نیز بخط خود در سادال پور کتیبه کرده است) .

سطر اول :

نامی بکشا چشم بصیرت در یاب
بنیاد زمانه همچو نقش‌یست بر آب

سطر دوم :

با تو گویم که حاصل دنیا چیست

بیداری یکزمان و باقی همه خواب

سطر سوم : بتاریخ سنه ۱۰۰۸ در خدمت نواب امیر محمد معصوم نامی

بزیارت این مزار رسید

سطر چهارم : حرّره میر بزرگ

کتیبه دوم - بخط خود میر معصوم نامی قطعه ایست درسه سطر از اینقرار :

سطر اول :

دو جهان در نظر دیده و ران مختصر است

هر که بر بست ازو چشم طمع دیده و راست

سطر دوم :

تا تو بد عهد ره مهر و وفا بر بستی

نامی دلشده را روی بدیوار و دراست

سطر سوم : بعد از فتح دکن حضرت اعلی بنده را بحجاب عراق رخصت فرمودند.

العبد محمد معصوم بکری سنه ۱۰۱۰ .

کتیبه سوم - بخط میر بزرگ درسه سطر، بشرح ذیل - کتیبه عربی است و بخط

نستعلیق :

سطر اول : عن سلیمان علیه السلام اعظم المصائب فوت الوقت بلا فائدة

سطر دوم : حرّره العبد میر بزرگ بن امیر محمد معصوم النامی تخلصاً و البکری

مسکناً

سطر سوم : و الترمذی اصلاً و الحسینی نسباً و کان ذلك فی سنه ۱۰۰۸ ثمان و الف

کتیبه چهارم - کتیبه ایست فارسی همچنان بخط میر بزرگ مشتمل بر پنج بیت

از مثنویات خمسه پدر او، در هشت سطر (این کتیبه چون اشاره بسفر او بایران مینماید

دارای ارزش تاریخی است) بشرح ذیل :

سطر اول : درحین مراجعت ازایران در ملازمت نواب امیر محمد معصوم نامی
 سطر دوم : باینجارسید و این چند بیت ازخمسۀ ایشان که درانیولا باتمام رسانیده
 سطر سوم : بودند تحریر نمود درسنه ۱۰۱۳ .

سطر چهارم : از معدن الافکار :

بحر ز کرداب شده کاسه کر
 تانمی از جود تو یابد پمگر

سطر پنجم : از کتاب حسن و ناز :

حدیث لعل آن سرچشمۀ نوش
 شده پیرایۀ لب چون در کوش

سطر ششم : از کتاب اکبر نامه :

بگلچینی آن گلستان شدم
 سراپا صبا وار دامن شدم

سطر هفتم : از کتاب رای و صورت :

حسن است درم خریدۀ او
 خوبی گیل آفریدۀ او

سطر هشتم : از کتاب خمسۀ متحیره :

هست بر نامت ابتدای همه
 بتو آغاز و انتهای همه

ط - کتیبه دیگری نیز در همان شهر موجود است که گرچه رقم نامی را ندارد
 ولی خط خود اوست در چهار سطر از اینقرار :

سطر اول : در تاریخ سنه چهل و چهار الهی موافق سنه ۱۰۰۸ بند کان اعلی حضرت
 جهان پناه

سطر دوم : فلک بارگاه ظل الله متوجه فتح دکن بودند بدینجا عبور افتاد

سطر سوم :

تا کی گوئی بچرخ شد خانه ما
خندند همه بر دل دیوانه ما

سطر چهارم :

زافسانه دیگران بیا عبرت گیر
زان پیش که بشنوند افسانه ما

ی - کتیبه دیگر بر روی سنگ درمعبد نیل کنت (Nil - Kanth) در شهر ماندو

در چهار سطر ایضاً بقلم نستعلیق بخط نامی باین شرح :

سطر اول : حضرت ظل الله اکبر پادشاه فتح دکن و داندیش
سطر دوم : نموده در سنه ۱۰۰۹ عازم هند شدند قائله نامی
سطر سوم :

دیدم جفدی نشسته در صبح پگاه
بر کنگره مقبره شروانشاه

سطر چهارم :

فریاد کنان ز روی عبرت میگفت
کو آنهمه حشمت و کجا آنهمه جاه

یا - در محل معروف بیدر شاه نزدیک ماندو (Mandu) چند مقبره و خرابه يك

بنا موجود است که یکی از آن قبور دارای چند کتیبه فارسی است بشرح ذیل :

اول - بخط نستعلیق :

چشم آنشب که ز شوق تو نهد سربلحد

تا دم صبح قیامت نگران خواهد بود

دوم - ایضاً بهمان خط از همان کاتب :

بر سرتربت من چون گذری همت خواه

که زیارتکه رندان جهان خواهد بود

سوم - در دو لوحه مقابل یکدیگر این بیت کتیبه شده :
 خود رفته ایم و کنج مزاری گرفته ایم
 تا بار دوش کس نشود استخوان ما
 ظاهراً این خط باید بقلم میر محمد معصوم نامی باشد .
 (رجوع شود به تصویر شماره دهم)

یب - کتیبه در کنار استخر در قصبه سادل پور (Sadul Pur) در نزدیکی دهار (Dhar) نیز بخط نامی موجود است که ارزش تاریخی دارد، در نه سطر بشرح ذیل :

سطر اول : بندگان حضرت شاهنشاه خلافت پناه ظل الله جلال الدین محمد
 سطر دوم : اکبر پادشاه در حین توجه تسخیر دکن این منزل را بعز قدوم
 سطر سوم : رشک فردوس برین ساختند و کان ذلک
 سطر چهارم : فی تاریخ اوایل اسفند ارشد سنه ۴۴ الهی
 سطر پنجم : موافق سنه ۱۰۰۸ حرّره محمد معصوم نامی بکری
 سطر ششم : نامی بگشاچشم بصیرت دریاب
 سطر هفتم : بنیاد زمانه همچو نقشیت بر آب
 سطر هشتم : باتو گویم که حاصل دنیا چیست
 سطر نهم : بیداری یکزمان و باقی همه خواب

یج - بر روی لوحه سنگی متصل بدروازه علیای قلعه اسیر کره در نیمار (Nimar) چهار کتیبه هست که اولی آنها بخط میر محمد معصوم نامی میباشد و چون واقعه فتح قلعه را بدست اکبر ذکر میکنند دارای ارزش تاریخی است . این کتیبه در شش سطر است از اینقرار :

سطر اول : قلعه اسیر که با کره ائیر همسر است و از زمان بنا تا امروز دست
 سطر دوم : تصرف از آن کوتاه بود در تاریخ سنه چهل و پنج موافق سنه ۱۰۰۹ بردست
 سطر سوم : شاهنشاه ظل الله جلال الدین محمد اکبر پادشاه مفتوح شد



تصویر شماره ۱۰ - کتیبه از نامی درمافو

سطر چهارم:

کرد از تائید لطف ایزدی فتح اسیر
شاه هفت اقلیم عالمگیر اکبر پادشاه

سطر پنجم:

نامیا داد الهی دادش این فتح عظیم
سال تاریخ الهی خواه از «داد اله»

۴۵ الهی.

سطر ششم: قائله و کاتبه محمد معصوم بکری

دو کتیبه دیگر مربوط بزمانهای دیگر است و بخط نامی نیست.

ید - در قلعه سرخ شهر اکره در اطاق دربان جنب «دروازه دهلی» کتیبه دیگری
از نامی موجود است در پنج سطر متضمن تاریخ جلوس جهانگیر بن اکبر پادشاه بشرح ذیل:

سطر اول:

شاه جهان چون گرفت جای بتخت شرف
تخت ز رفعت نهاد بر زبر چرخ پا

سطر دوم:

دست دعا بر کشاد پیر فلک از نشاط
گفت که بادا مدام حکم تو فرمان روا

سطر سوم:

خواست که - نامی - کند سال جلوسش رقم
بود در آن دم لبش پر ز ثنا [و دعا]

سطر چهارم:

میل دو چشم حسود يك الفش کرد و گفت
باد جهان پادشاه شاه جهانگیر ما (۱)

قائله و راقمه محمد معصوم البکری

۱ - سال جلوس جهانگیر ۱۰۱۴ هـ . است ولی از این مصرع بحساب جمل ۱۰۱۵ استخراج
میشود که ناچار يك الف برای «میل دو چشم حسود» حذف خواهد شد .

* * *

۳۳ - قبر شیخ فرید بخاری ملقب بمرتضی خان : در جنوب دهلی در نزدیکی

مزار شیخ نصیر الدین چراغ دهلی لوحه قبری مشاهده شد که دارای کتیبه فارسی بود این قبر متعلق است یکی از امرای زمان اکبر بن همایون پادشاه ، موسوم بسید احمد بخاری ملقب بمرتضی خان . عین کتیبه بخط نستعلیق که از روی سنگ یاد داشت شده از اینقرار است :

یا الله

سبحان الملك الحي الذي لا يموت ولا يفوت . در زمان دولت حضرت عرش آشیانی جلال الدین اکبر پادشاه غازی شیخ فرید الدین سید احمد بخاری بنایات آن حضرت ممتاز بود و در عهد عدالت نور الدین جهانگیر پادشاه ابن اکبر پادشاه بخطاب مرتضی خانی سرافراز گردید . بتاریخ سنه (۹) نه جلوس و مطابق سنه ۱۰۲۵ هجری بر حمت الهی بیوست

مرتضی خان چو بحق واصل شد گشت اقلیم بقا مفتوحش

بهر تاریخ ملایک گفتند « باد پر نور الهی روحش »

و نیز در روی لوحه سنگی شکسته که در جوار قبر افتاده بود این بیت مشاهده شد:

« فرید مرتضی خان را ز احسان

الهی عاقبت محمود گردان »

* * *

۳۴ - روضه شیخ کبیر معروف به بالاپیر : در قنوج در کنار رود « کالی » بنائست

عالی که از سنگهای مرمر ساخته شده . مقبره شیخ کبیر که از مشایخ قادریه است و سه تن از نزدیکان او در آنجا قرار دارد . یکی از فرزندان موسوم به شیخ مهدی در سنه ۱۰۵۷ ه . گنبدی عالی بر مقبره او بنا کرده است و بر پیشانی دروازه آن این عبارات و ابیات کتیبه شده :

در خانه اول : این گنبد عالی در زمان دولت نواب معلى القاب بهادر خان بن دریا خان افغان غوریه خیل داود زی عمارت پذیرفت .

در خانه دوم : این گنبد عالی در هزارو پنجاه و هفت هجری در عهد سلطنت ابوالمظفر شهاب الدین محمد صاحب قران ثانی شاهجهان پادشاه غازی خلدالله ملکه تعمیر پذیر شد .

در خانه سوم : تاریخ وفات شیخ کبیر بالا پیر بن حضرت شیخ قاسم قادری
 شده ز هجری سال هزارو پنجه و چار دوشنبه وده و دو بود از مه رمضان
 که پیر کامل و قطب زمانه شیخ کبیر سپهر علم و عمل بحر دانش و عرفان
 بگفت داعی حق را اجابت لبیک روانه کرد روان را بروضه رضوان
 در خانه چهارم :

روضه فیض بخش شیخ کبیر در حقیقت بود بهشت برین
 یافت توفیق زین عمارت خوش شیخ مهدی سپهر صدق و یقین
 هست در لفظ «نغز» تاریخش بیگمان الف و سبعة و خمسين
 . ۱۰۵۷ هـ

در خانه پنجم :

تاریخ وفات شیخ قادر شاه بن شیخ کبیر
 شیخ قادر چو رفت از عالم گریه کردند جمله اهل الله
 سال تاریخ از خرد جستم گفت بشمر ز «مات قادر شاه»
 . ۱۰۵۲ هـ

متصل باین روضه گنبدی دیگر است که در آنجا شیخ مهدی بن بالا پیر متوفی بسال ۱۰۸۸ هـ مدفون است. (۱)



۳۵ - مرقد سرمد : سرمدکاشی که یکی از شعرای مجذوب و آشفته حال زمان خود بوده است و رباعیات پر وجد و حال دارد در زمان شاهجهان در دهلی میزیسته و

داراشکوه فرزند شاه که شخصی عارف مشرب و صوفی دوست بوده باو ارادت میورزید. در اوایل جلوس اورنگ زیب بتهمت الحاد و زندقه بفتوای علمای زمان بقتل رسیده است. قبر او در نزدیکی دروازه شرقی مسجد جامع دهلی در شاهجهان آباد (دهلی کهنه) هم اکنون موجود است و مسرقد و محجری دارد و این اشعار سست بر روی قبر او مسطور:

هو الرحیم
لا اله الا الله محمد رسول الله

مرقد سرمد

شاه سرمد بعد عالمگیر چون سفر ساخته بخلد برین
گفت تاریخ اکبر مسکین «لحمد مرقد شهید سرمد این»
۱۸ ربیع الثانی ۱۰۷۰ هجری

سید محمد شاه سجاده نشین در گاه شریف

(رجوع شود به تصویر شماره یازدهم)

یکی از معاصرین وی ماده تاریخ ذیل را درباره قتل او گفته است :

عارف حق حکیم سرمد بود بر همه عالمان سرآمد بود
همچو مهر فلک بعیانی بود ذاتش بیا کدماانی
ذات والای آن خدا آگاه بود بیشک قتل عشق الله
گفته ام سال قتل آن مقبول «بود مقبول سرمد مقتول»

۱۰۷۰ هـ .



۳۶ - مقبره غازی الدین خان : در بیرون دروازه اجمیر در شهر دهلی کهنه فعلی

مقبره و مدرسه ای واقعست متعلق بغازی الدین خان بهادر فیروز جنگ پدر نظام الملك آصفجاء، جداعلای سلاطین آصفجاءهید کن، که یکی از اعیان معروف زمان اورنگ زیب



تصویر شماره ۱۱ - مرقد سرمد ، دهلی

میباشد . وی پس از آنکه در شهر احمد آباد سال ۱۷۰۲ م . مطابق ۱۱۱۲ هجری وفات یافت جنازه او را بدهلی نقل کرده و در اینجا مدفون ساختند . این مقبره از سنگ مرمر بنا شده و در داخل عمارت مدرسه و سیعی وجود دارد بسبك معماری مدارس قدیم ایران که طرفین شمال و جنوب آن مشتمل بر دهلیزها و حجر اتست و در سمت غربی آن مسجدی از سنگ سرخ ساخته . ظاهر آهم در اینجا کمپانی هند شرقی اولین مدرسه را تأسیس کرده است که از طرف اعتماد الدوله نواب فضل علیخان بآن مساعدت مالی شده است و برای اولین بار در آنجا زبان انگلیسی تعلیم میداده اند . فعلاً یکی از کالجهای مهم شهر دهلی موسوم به «دهلی کالج» در این بنا قرار دارد و این کتبه در سر در مدرسه بخط نستعلیق منقوشست :

«نه بر لوح نقشی بماند ولیک

جزای عمل ماند و نام نیک

بیاد حسنات نواب اعتماد الدوله ضیاء الملك سید فضلعلی خان بهادر سهراب جنگ، که يك لك و هفتاد هزار رویه برای ترقی علوم در مدرسه هذا واقع در دهلی خاص مولد و موطن خویش بصاحبان کنینی (کذا) انگریز بهادر تفویض نموده اند منقوش گردید . در سنه ۱۸۲۹ عیسوی . کتبه سید امیر رضوی^(۱)

۳۷ - تکیه بابا شاه مسافر غجدوانی بخاری : در شهر اورنگ آباد جایگاهی

بسیار مصفی وجود دارد که منتسب به بابا شاه مسافر نقشبندی است . آن مکان را که به پانچگی (آسیای آبی) موسوم است نظام الملك آصف جاه اول در سال ۱۱۱۷ ه . بنا کرده و بعد از آن یکی از بزرگان دکن بنام جمیل بك خان استخری خیلی وسیع و فواره های بسیار جمیل در آنجا بنیاد فرموده که اکنون یکی از تزهنگاه های زیبای شهر اورنگ آباد است ، میر غلامعلی آزاد بلگرامی مثنوی در وصف آن مکان سروده است .

۱ - نویسنده این سطور هنگامیکه از دهلی کالج بازدیدی بعمل آوردم این کتبه را ملاحظه و یادداشت کردم .

بابا شاه مسافر نقشبندی که از مشاهیر متصوفه قرن دوازدهم هجری است متولد در غجدوان بخارا است و مرید بابا شاه سعید پلنگ پوش، و مسافرت بسیار در بنگاله و هندوستان شمالی کرده و بالاخره در اورنگ آباد مقیم گشته است. وی در سال ۱۱۱۰ هجری وفات یافت و در جنب قبر مرشد خود مدفون گشت. (۱)
 درس در مقبره وی در طرف دست راست درب ورود این چهار بیت بقلم نستعلیق بسیار زیبا بر روی سنگ کتیبه شده است :

پیر کامل سر آمد عرفا	خاص در گاه رب عرش مجید
قطب روی زمین و غوث زمان	اختر برج سعد و شاه سعید
در نظر داشت دار باقی را	چشم ازین دار بیوفا پوشید
سال تاریخ وصل گفت خرد	« قصر جنت بود مکان سعید »

۱۱۱۰ هـ .

ایضاً در سردر ورود درب وسط این سه بیت منقور است :

مسافر شاه اقلیم حقیقت	مقیم عرش شد از فرش این طاق
چو وقت وصلش آمد از دل شوق	بحق پیوست از بس بود مشتاق
خرد تاریخ سال رحلتش گفت .	« مسافر شد ز عالم قطب آفاق »

آزاد بلگرامی گوینده این اشعار را شاعری بنام عنایت الله بیگ اندجانی متخلص براجی معرفی کرده است . اکنون این تکیه و مزار زیارتگاه مسلمانان آندیار و محل سیاحت جهانگردان اقطار و امصار می باشد .
 (رجوع شود به تصویر شماره دوازدهم)



۳۸ - ماده تاریخ مهدیخان نواب : در شهر حیدرآباد مقبره شخصی بنام نواب

میر مهدیخان صاحب، در محوطه کوچکی واقعست در نزدیکی محله موسوم به « کوتله



تصویر شماره ۱۲ - تکیه باباشاه مسافر بخاری - اودنک آباد

علی جاه،^(۱) چون سبک خاصی در ماده تاریخ اختراع کرده که منحصر بفرد است از این جهت قابل ذکر میباشد.

این لوحه از سنگ سیاهست و در راس آن آیات مبارکه سورة القدر بقلم ثلث حکاکی شده است اما نقش سنگ بقلم نستعلیق میباشد و این بیت کتیبه شده:

[نواب میر مهدیخان صاحب]

سال تاریخ ولادت مدت عمر و وفات هر سه تاریخ از خطاب واسم و از صاحب عیان حل تعمیه از این قرار است:

خطاب واسم و صاحب = نواب میر مهدیخان صاحب = ۱۱۲۰

صاحب = ۱۰۱

سال تاریخ وفات = ۱۱۲۰ هـ . مدت عمر = ۱۰۱ سال

چون سنین عمر از تاریخ وفات تفریق شود ۱۰۱۹ باقی میماند که سال تولد آن مرحوم است -



۳۹ - مقبره بیدل: در نزدیکی پورانا قلعه در دهلی مقبره میرزا عبدالقادر بیدل

قرار دارد که سال گذشته هواخواهان این شاعر بزرگ در ایالت امانه ای جمع کرده و آرامگاه ظریفی برای او بنا کردند. سردار نجیب الله خان سمنگر کبیر افغانستان در دهلی برای ساختن این بنا زحمت بسیار کشیده اند. بر سنگ قبر او تاریخ - سیم صفر سنه ۱۱۳۳ هجری منقوشست که سال وفات آن شاعر معروف است.

کتیبه فارسی دارد بشرح ذیل:

سطر اول: آرامگاه میرزا عبدالقادر بیدل

سطر دوم: ۱۰۵۴ هـ . ق - ۱۱۳۳ هـ . ق .

سطر سیم: این بنا در سال ۱۳۷۴ هـ . ق . با اعانت دوستداران افغانی بیدل بسر

رسید .

(رجوع شود به تصویر شماره سیزدهم)



تصویر شماره ۱۳- آرامگاه بیدل در دهلی

بیدل در عصر خود در هندوستان شهرتی بسزا داشته است. هم اکنون در افغانستان و پاکستان نیز اشعار او را بسیار میپسندند. متأسفانه در ایران چنانکه باید شناخته نشده است.

* * *

۴۰ - تکیه شاه مردان : این عمارت در شهر دهلی جدید واقع شده و در آنجا نشان قدمی بر سنگی ساخته شده که آنرا نشان قدم امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع) میدانند. آن نقش پارا در سال ۱۳۷ هـ در حوضی از سنگ مرمر قرار داده اند و بر گرد آن این بیت خواجه حافظ منقوش است :

بر زمینی که نشان کف پای تو بود سالها سجده صاحب نظران خواهد بود
همه ساله در بیستم رمضان شیعیان دهلی برای کسب فیض بآنجا میروند. در زمان بهادر شاه ثانی آنجا را تعمیر کرده اند ولی در زمان حاضر بعد از اختلاف هندو و مسلمان و کشمکشهایی که در سال ۱۹۴۷ م. واقع گردید خرابی بسیار در این مکان راه یافته و مقداری از اراضی آنرا تصاحب کرده اند.

* * *

۴۱ - مزار شیخ محمد علی حزین : شیخ محمد علی حزین یا محمد علی بن ابیطالب الکیلانی، متولد در اصفهان سال ۱۱۰۳ هجری، مؤلف مجموعه حزین و تذکره المعاصرین و کلیات، در زمان سلطنت نادر شاه در سال ۱۱۴۶ هـ. به هندوستان مهاجرت کرده و در آنجا کتاب تذکره را در شرح حال شعرای معاصر خود تألیف فرموده است و ظاهراً در سال ۱۱۸۵ هجری در بنارس وفات یافت و در همانجا مدفون شد. نویسنده این سطور بزیارت مقبره او موفق گردید.

در دو مایلی مغرب بنارس^(۱) در مقبره مخصوص جماعت شیعه اثنا عشریه در

۱- شهر بنارس در کنار رود گنگ شهر تاریخی و مقدس هندو است. اکنون در ناحیه (U. P.) صوبه شمالی هند قرار دارد و دارای ۲۸۰,۰۰۰ نفر سکنه میباشد. در قدیم الایام «وراسی» نام داشته و در کتب مقدسه هندو بنام «کاشی» نامبردار است. در کتب مقدسه مثل مهابهارتا و راماین اسم آن بلد مکرر ذکر شده و معبد معبود شیوا در آنجاست. همه ساله صدها هزار نفر برای زیارت و غسل در آب گنگ بآنجا میآیند.

زیارتگاهی که بنام سیده فاطمه علیها سلام الله دایر کرده اند ، قبور زیادی از شیعیان موجود است. در يك طرف آن تکیه قبر حزین در روی مصطبه قرار دارد و محجری در اطراف آن مصطبه است و بر روی مزار سنگی قرار دارد بطول يك متر و نیم و عرض سی سانتیمتر و در روی سنگ این عبارات و اشعار منقوش است :

(رجوع شود بتصویر شماره چهاردهم)

سطر اول : یا الله

سطر دوم : یا محسن قد اتاك المسئی

سطر سوم و چهارم و پنجم : العبد الراجی الى رحمة ربه محمد المدعو بعلى بن ابيطالب الجیلانی

در طول سنگ در دو حاشیه این دو بیت مقابل یکدیگر نقر شده :

زبانان محبت بوده ام دیگر نمیدانم

همین دایم که گوش از دوست پیغامی شنید اینجا

حزین از پای رهپیمای بسی سرگشته دیدم

سر شوریده را بالین آسایش رسید اینجا

وزیر مصرع چهارم این عدد منقوش است که گویا تاریخ وفات اوست « ۱۱۸۵ »

در پائین لوحه سنگ این بیت بطور افقی منقور شده :

روشن شد از وصال تو شبهای تار ما

صبح قیامتست چراغ مزار ما



۴۲- امام باره آصف الدوله : در شهر لکهنو^(۱) که در قرن سابق تختگاه سلاطین

اوده (Oudh) بوده است تکیه ای یا باصطلاح اهل محل - «امام باره» - وجود دارد که

۱- در باب کتیبه های موجوده در لکهنو نویسنده این سطور شکر گزار الطاف جناب آقای

ك . م . منشی (Mr. K. M. Munshi) حکمران ایالت شمالی یوپی (U. P.) میباشد که با کمال لطف یادداشت هایی از آن کتیبه ها برای نویسنده این سطور فرستاده اند ، از آن جمله همین کتیبه تکیه آصف الدوله است .



تصویر شماره ۱۴ - آرامگاه شیخ محمدعلی حزین - بنارس

از نظر ظرافت معماری و تناسب بنا و عظمت طاق در جهان بی نظیر است و آنرا نواب آصف الدوله (پادشاه لکهنو - ۱۷۷۵ تا ۱۷۹۷ میلادی) بنا نموده است. آن نواب خیراندیش بنای این امام باره را در سال ۱۷۸۴ باین نیت شروع نمود که بدینوسیله بمردم قحطی زده لکهنو در آن سال اعاتی کرده باشد. گویند که ده میلیون روپیه بمصرف آن رسانید. طاق وسط آن از حیث عرض و طول در تمام عالم منحصر بفرد است^۱. بانی آن بنا و همسر او شمس النساء بیگم هر دو در همانجا مدفون اند. شیعیان امامیه که در لکهنو جمعیتی دارند هر ساله در دهه عاشورا آن جا را چراغانی نموده بمراسم عزاداری قیام می نمایند. ملا محمد شوشتری که از روضه خوانهای معروف آن زمان بوده است قطعه ذیل را در تاریخ وفات نواب سروده است که در آنجا اکنون موجود میباشد.

گلشن عشرت بتاراج خزان رفت ای ندیم

شامه استشمام حسرت می نماید در نسیم

آصفی کین نه صدف را یک در شهوار بود

آن در شهوار رفت از دست و عالم شد یتیم

لکهنو بی آصف است و آسمان بی آفتاب

شهر یونان بی مسیح و طور سینا بی کلیم

نقد رحمت در کنار و فرد بخشش در بغل

بر کریمان جنس غفران است اعطاء کریم

نقشبند کاف و نون بر تربت آصف نوشت

«هنا روح وریحان و جنات النعیم»

۱۲۱۲ هـ.

و نیز قطعه ذیل در بالای درب ورود مسجد متضمن تاریخ تعمیرات و سفید کاری بعدی است:

از حکم شاه شاهان چون جلوه سفیدی

آمد بجمله مسجد بسیار نیک وزیبا

(۱) طول طاق شبستان این امام باره ۱۰۶۳ پا، و عرض آن ۵۳ پا، و ارتفاع بنا ۵۰ پا - و آن یکی از بزرگترین طاقهای عربی و طویل جهان است.

تاریخ فرخ او کندم به لوح سیمین
 کرده رقم سفیدی نور ید است و بیضا
 ۱۲۵۰ هـ

* * *

۴۳- آرامگاه اسدالله خان غالب : شاعر استاد فارسی زبان قرن اخیر هندوستان
 اسدالله خان غالب است که در سال ۱۲۱۲ هجری متولد شده و لفظ « غریب » ماده
 تاریخ ولادت اوست، و در ۱۲۸۵ وفات یافته است. هم اکنون مقبره او در جنب درگاه
 خواجه نظام الدین اولیا در دهلی موجود میباشد. یکی از شاگردان او مجروح تخلص
 آیین بیت را درباره او گفته که بر روی قبرش حك کرده اند (۱):

رشك عرفی و فخر طالب مرد

اسدالله خان غالب مرد

اکنون که سال ۱۳۷۵ هجری قمری مطابق با ۱۹۵۶ میلادی است دوستان و
 هواخواهان برفراز قبر او چارطاقی کوچکی از سنگ مرمر سفید ساخته اند که تصویر
 آن زیلاً ملاحظه میشود.

(رجوع شود به تصویر شماره پانزدهم و شانزدهم)



۱- این مرثیه و ماده تاریخ را پرفسور هیرالال چوپرا استاد دانشگاه کلکته از مولانا حالی پانی پتی
 دانسته است.



تصویر شماره ۱۵ - آرامگاه غالب - دهلی



تصویر شماره ۱۶ - لوحه مزار غالب - دهلی

فصل ششم

کتیبه‌های جدید در قرن بیستم میلادی

۱ - طالار اشوکا (در قصر رئیس جمهور) : در قرن بیستم نیز نقش پارسی بر احجار

هند نمایان میشود . بارز ترین و عالیت‌ترین نمونه آن همانا کتیبه‌ایست که در شهر دهلی جدید در اوائل این قرن نگاشته شده . و آن در قصر رئیس جمهور - راشتراپاتی بهاون (Rashtrapati Bhawan) - قرار دارد . در این قصر که بنای آن در پانزدهم دسامبر سال ۱۹۱۱ م . شروع و در سال ۱۹۲۶ م . خاتمه یافت و محل سکونت گردید تالار بزرگی وجود دارد که فعلاً بنام طالار اشوکا (Ashoka Room) موسوم است . و سابقاً آنرا بال روم (Ball Room) می‌گفته‌اند این طالار در ۱۹۳۳ - ۱۹۳۲ م . بابتکار لیدی - ویلنگدن (Lady Willingdon) خانم نایب‌السلطنه هندوستان (۳۶-۱۹۳۱ م.) ساخته و پرداخته شده . و یک شخص معمار ایتالیائی موسوم به کلنلو (T. Coloneo) در آن نظارت می‌کرده است و آنرا بنیت پذیرائیهای رسمی ساخته‌اند . گویند ده‌تن نویسنده و نقاش و مینیاتورست در آنجا مشغول کار بوده‌اند که از آنجمله عبدالرشیدخان و محمد یمین و مشتاق احمد رانام می‌برند (۱) .

اشعاری که در آنجا نگاشته شده از کلام اساتید شعرای فارسی انتخاب شده، مخصوصاً نظامی و خیام و سعدی و جامی و خسرو دهلوی . از عبدالرشید خان مذکور نقل می‌کنند که هیچیک از کسانی که اشعار را می‌نوشته‌اند فارسی نمدانسته از اینرو اغلاط فاحش در آنجا فراوان واقع شده است .

بنای طالار ترکیبی است از سبک معماری مغولی و ایرانی و معماری جدید «مدرن» (Modern) . این طالار مربع است و نمود پا در نمود پا مساحت دارد و اطراف آن دیوارهای مرتفع و طاقها و زاویه‌ها و غرفه‌ها ساخته شده ، گالریهای دو طرف که

۱ - بعضی اطلاعات تاریخی از نقاشیها و کتیبه‌های این طالار نقل از گزارشی است که بلطف

آقای اماندگوش رئیس اداره باستان شناسی هندوستان (Archaeological Department of India) برای نویسنده این سطور تهیه گردیده است .

در شمال و جنوب واقع شده‌اند نقشه‌های هندسی در سقف آنها مرسم است. سابقاً آن دیوارها از پائین تا بالا منقش بوده و لسی بعداً در زمان نایب السلطنتی لاردلین لیتگو (Lord Linlithgow - ۱۹۴۰ - ۱۹۳۵ م.) نقاشیهای دیوار را محو کرده‌اند.

تابلوی وسط سقف نقاشی آب و روغنی است و محتویست بر تصویر فتحعلیشاه قاجار پادشاه ایران (۱۸۳۴ - ۱۷۹۷ م.) و دور نمای شکارگاه او را نشان میدهد، بسبکی که در ایران نیز در نقاشیها و حجاریهای آن زمان فراوانست. ظاهراً يك نسخه خمس نظامی مصور که در زمان آن پادشاه و برای او کتابت شده بوده نقاشها در دست داشته و صور این طالار را از مینیاتورها و تصاویر و ابیات آن کتاب اقتباس کرده‌اند.

از قراریکه در قصیده مکتوب در اطراف تابلوی شکارگاه نوشته شده پرده‌ای از شکارگاه فتحعلیشاه بوسیله یکی از نقاشان زمان مهرعلی نام طرح و ترسیم شده بوده که آن تابلو در سقف این طالار نصب شده است و معروفست که عین پرده سابقاً از طرف ایران بحکومت هند هدیه شده بوده. در شاه‌نشین قسمت جنوبی طالار بالای بخاری از مرمر سفید تصویری تمام قد خیالی از نظامی گنجوی کشیده‌اند و زیر آن تصویر لوحه مرمری نصب شده که با قلم نستعلیق و با آب طلا این بیت را بر روی آن نوشته‌اند:

خداوندی که عرش و کرسی افراخت

تواند قدرتش قصری چین ساخت [کذا]

(رجوع شود به تصویر اول کتاب)

در شاه‌نشین قسمت شمالی بالای نمای بخاری مرمری، قرینه تصویر خیالی نظامی تصویر زنی تمام قد قرار دارد که زیر آن با انگلیسی نوشته شده است (Portrait, A Persian Lady) و بر روی لوحه مرمری که زیر آن تصویر قرار دارد ایضاً با آب طلا و قلم نستعلیق این بیت حک شده است:

باین رونق و زیب و زینت مکان

ندیده بروی زمین آسمان

(رجوع شود به تصویر شماره هفدهم)



تصویر شماره ۱۷ - تصویر بانوی ایرانی در کاخ
رئیس جمهور دهلی نو

در سقف طالار دور تادور کتیبه‌ای موجود است چسپیده بسقف که زمینه آن
 لاجوردی است و با خط نستعلیق سفید این رباعیات بترتیب از گوشه شمال غربی نوشته
 شده :

چون عهده نمیکند کسی فردا را
 حالی خوش کن تو این دل سودا را
 می نوش بنور ماه ای ماه که ماه
بسیار بتابد و نیابد ما را
 ای کرده ز لطف و قهر تو صنع خدا
 در عهد ازل بهشت و دوزخ بر ما
 بزم تو بهشت است و مرا جرمی نیست
چونست که در بهشت ره نیست مرا
 بت گفت به بت پرست کای عابد ما
 دانی ز چه روی گشته‌ای ساجد ما
 با ما بجمال خود تجلی کرده است
آنکس که ز تست ناظر و شاهد ما
 بر دست یکی تیغ چو آبست مرا
 کز وی همه سال فتح بابست مرا
 پیوسته دل خصم کبابست مرا
وز کله او جام شرابست مرا
 دانی که چه مدت است ای دلبر ما
 با این جهتی [کذا] نرفته از بر ما
 خود کس نفرستی و نپرسی هر گز
تا بی تو چها میگذرد بر سر ما

می قوت جسم وقوت جانست مرا
 می کاشف اسرار نهانست مرا
 (چهارمصرع محو و لایقرء میباشد)

در دیوار جنوبی

کاش از پی صد هزار سال از دل خاک
چون سبزه امید بر دمیدن بودی
 اول بخودم چو آشنا میکردی
 آخر ز درم چرا جدا میکردی
 چون ترک منت نه بود از روز نخست
سر گشته بعالمم چرا میکردی

جز راه قلندر خرابات میوی
 جز باده و جز سماع و جز نای مجوی
 بر کف قدح باده و بردوش سبوی
می نوش کن و بکار بیهوده مگوی

گفتم که سر زلف تو بس سر خورده است
 گفتا که تو تن بنه اگر سر خورده است
 گفتم که ز سرو قامت بر نخورم؟
گفتا که ز سرو کی کسی بر خورده است

در جستن جام جم جهان پیمودیم
 روزی نه نشستیم و شبی نغنودیم
 ز استاد چو وصف جام جم بشنودیم
خود جام جهان نمای جم میبودیم

از گوشه جنوبی دیوار شرفی

ساقی دل ما که دانه مهر تو کاشت
 مهر تو نهفته تا ابد خواهد داشت
 دامن مفشان زمانه بر اهل نیاز
کز دامن تو دست نخواهیم گذاشت
 ساقی مه رخسار تو جان همه است
 بلبل چو بیاغ ناله بر دست گرفت
 می باید (جام) لاله بر دست گرفت
 زان پیش که مردمان همه از سرجهل
گویند فلان پیاله بر دست گرفت
 از باد صبا دلم چو بوی تو گرفت
 ما را بگذاشت جستجوی تو گرفت
 اکنون ز منش هیچ نمیآید یاد
بوی تو گرفته بود خوی تو گرفت
 ساقی نظری که دل زانديشه تهی است
 شیران همه رفته اند سر بیشه تهی است
 هر شب ز حباب کفزدی شیشه چرخ
امروز که دور ما بود شیشه تهی است

سرفتنه را قیامت هوس است

ده عقل ز نه رواق و از هشت بهشت
 هفت اخترم از شش جهت این نامه نوشت
 کز پنج حواس و چار ارکان و سه روح
ایزد بدو عالم چو تو يك کس نسرشت

کتیبه دیوار شمالی

..... هر دو جهان از قدح مستان است
 خورشید ازل ز جام می تابان است
 این نکته که در قلب جهان پنهان است
 از شیشه می اگر بدانی آنست

زا بروی تو محراب نشین شد چشمت
 آن کافر مست را امامت هوس است

ساقی دل ما که دانه مهر تو کاشت
 مهر تو نهفته تا ابد خواهد داشت
 دامن مفشان زمانه بر اهل نیاز
 کز دامن تو دست نخواهیم گذاشت [مکرر]

گر بر فلکی ب خاک باز آرندت
 و بر سر نازی بنیاز آرندت
 فی الجمله بنه تو چهل تا بتوانی
 آزار مجوی تا نیاز آرندت

خواهی که اساس عمر محکم یابی
 یکچند بعالم دل بی غم یابی
 فارغ منشین ز خوردن باده و می
 تا لذت عمر خود دمامد یابی

می نوش بعیش کوش و خوشدل میباش
 زان پیش کزین دایره بیرون باشی

دور تابلوی شکارگاه در وسط ضلع غربی :

گویند که مرد را هنر می باید یا نسبت عالی ز پدر می باید
 امروز جهان شده است در نوبت ما کاین ها همه هیچ نیست ز رمی باید

رفتیم زمان زمانه آشفته بماند با آنکه ز صد گهر یکی سفته بماند
 افسوس که صد هزار معنی دقیق از بی خردی خلق نا گفته بماند

میلیم بشراب ناب باشد دایم گوشم بنی و رباب باشد دایم
 گر خاک مرا کوزه گران کوزه کنند آن کوزه پر از شراب باشد دایم

باشد که درون میکه در یابیم عمری که درون مدرسه کم کردیم
 امروز خوشم بدار فردا با من آنچه از کرم تو میسزد آن میکن

در دائره دور زنجیر چراغ وسط سقف :

آن دوست که بد سلام دشمن کردیش کنون تمام دشمن
 و آن در که بد از وفا پرستی بر من بهزار قفل بستی

ایضاً دور تابلوی شکارگاه در ضلع جنوبی :

هنکام صبح ای صنم فرخ پی بر ساز ترانه و پیش آور می
 کافکند بخاک صد هزاران جم و کی این آمدن تیرمه و رفتن دی

شخصی بزن فاحشه گفتا مستی هر لحظه بدام دگری پابستی
 گفتا شیخا هر آنچه گوئی هستم اما تو چنانکه می نمائی هستی

چون هست زمانه در شتاب ای ساقی

بر نه بکفم جام شراب ای ساقی

در ده قدحی ز لعل ناب ای ساقی

بر گیر ز آنشم بآب ای ساقی

دور تابلوی شکارگاه در ضلع شرقی :

صحرا رخ خود ز ابر نوروز بهشت

این دهر شکسته دل بنو گشت درست

باسبزه خطی بسبزه زاری می خورمی خور [کذا]

بر یاد کسی که سبزه از خاکش رست

در میکده عشق اجل اسم منست رندی و پرستیدن می قسم منست

من جان جهانم اندرین دیرمغان این صورت کون جملگی جسم منست

سر دفتر عالی معانی عشق است سر بیت قصیده جوانی عشق است

ای آنکه خبر نداری از عالم عشق این نکته بدان که زندگانی عشق است

جز حق حکمی که حکم را شاید نیست هستی که ز حکم او برون آید نیست

هر چیز که هست آنچنان می باید آنچیز که آنچنان نمی باید نیست

دور تابلوی شکارگاه در ضلع شمالی :

ساقی زمی که لعلت [کذا] آنرا ساقی است

دل بر نکنم تا دمی از من باقیست

مشتاقم از آن بدیدنت گستاخم

گستاخی من ز غایت مشتاقیست

بی باده نبوده ام دمی تا هستم

امشب شب قدر است و من امشب مستم

لب بر لب جام و سینه بر سینه خم

تا روز بگردن صراحی دستم

از باده شود تکبر از سرها کم

وز باده شود گشاده بنند محکم

دوش از سر روح از صفای دل من
 در میکده آن روح فزای دل من
 جامی بمن آورد که بستان و بنوش
 گفتم نخورم گفت برای دل من

وسط سقف :

در وسط سقف تابلوی بزرگی ساخته شده که فتحعلیشاه را در حال شکار شیر نشان میدهد و شباهت بسیار با حجاری کوه بی بی شهربانو در شهر ری دارد. در این تابلو فتحعلیشاه با نیزه بشیر حمله کرده است. در اطراف او هم نقش جمعی از پسران و نزدیکان او دیده میشود. در چهار طرف این تابلو چهار تابلو کوچکتر وجود دارد
 بترتیب :

- ۱ - در قسمت جنوب شکار بهرام کور و منظره دوختن شیر و کور با تیر
- ۲ - در شمال منظره سلطان سنجر و پیرزن دادخواه .
- ۳ - در مغرب منظره شکار بهرام کور با آزاده کنیز کش و دوختن گوش و پای آهو با تیر .

- ۴ - در مشرق منظره گفتگوی دو جغد بر دیوار دیه خراب .
- دور تادور این تابلوهای چهار گانه يك کتیبه بشکل مستطیل و در داخل آن کتیبه دیگر بشکل بیضی دیده میشود. دور تابلوی شکار گاه فتحعلیشاه هم کتیبه ای بشکل مستطیل نوشته شده . در گوشه و دور آویز چراغ ها نیز کتیبه هایی وجود دارد بشرح و تفصیل ذیل (اشعار از مثنویات خمسه نظامی است).

اشعار کتیبه بزرگ - یعنی کتیبه مستطیل اول - از گوشه جنوب غربی
 ببعد (مربع مستطیل بزرگ) :

ایشان همه گشته بنده فرمان او بر همه شاه چون سلیمان
 از شیر و پلنگ و گرگ و روباه لشکر گاهسی کشیده در راه

هر وحش که بود در بیابان ست او شده شتابان

چون محمد ز جبرئیل براز	کوش کرد آن پیام روح نواز
ز آن سخن هوش را تمامی داد	کوش را حلقه غلامی داد
آن امین خدای در تنزیل	وین امین خرد بعقل دلیل
دو امین بر امانتی گنجور	این ز دیو آن ز دیو سیرت دور
آن آنچه بود شرط پیام	وین شنید آنچه بود کلام
.....	شد ز نقش مراد نقش پذیر
کردن از طوق آن کمند نتافت	طوق زر جز چنین نشاید یافت
برق کردار بر براق نشست	تازیش زیر و تازیانه بدست
چو بر آورده بر عقیلی پسای	کبک علوی خرام جست ز جای
گر او را داد خاک از تخته بندی	که بد این تخت گیرانرا گزند
که او بی تاج شد تاجش رضا باد	سران تاجداران را بقا باد
خصوصاً وارث اعمار شاهان	نظر گاه دعای نیکخواهان
مؤید نصره الدین کافرینش	ز نام او پذیرد نور بینش
پناه خسروان اعظم اتابک	فریدون وار بر عالم مبارک
بشاهی تاج بخش تاجداران	بدولت یادگار شهریاران
بدانائیش هفت اختر شکرخند	بمولائیش نه گردون کمر بند
ستاره پایه بخت بلندش	فلک را بوسه که سم سمندش
سریرش باد در کشور خدائی	وثیقت نامه کشور کشائی
جهانرا تا ابد شاه جهان باد	بد آنچ امید دارد کامران باد
سعادت یار او در کامرانی	بساعد با سعادت زندگانی [کذا]
ورق کینجا رساندم در نوردم	سخن را بر سعادت ختم کردم
روانش باد جفت شادکامی	که گوید باد رحمت بر نظامی

در دایره گوشه :

خواهم ز شما پری نشانی	از بهر پری زده جوانی
دلالتگنی بدلتوازیست	کاینجا نه حدیث تیغ بازیست
گنجینه فدا کنم بخروار	وز خاصه خویشتن درین کار
شیرین تر ازین سخن جوابست	گر کردن این عمل صوابست
در دادن سر که هم نکوشید	ور ز آنکه شکر نمی فروشید
شمشیر زدن چراست باری	چون راست نمی کنید کاری
گشت آن دو سپه زیكدگر باز	چون کرد سخن میانجی آغاز
از کینه کشی عنان کشیدند	چون خواهش یکدگر شنیدند
وز هر دو گروه دور شد جنگ	صلح آمد و دور باش در چنگ
کرد از سر کین کمیت را گرم	مجنون چو شنید بوی آزر
کای از تو رسیده جفت با جفت	با نوفل تیغ زن بر آشت
به زین نبود تمام کاری	احسنت زهی امید واری
شمشیر کشیدن سپاهت	این بود بلند کلاهد
این بود فسون دیوبندیت	این بود حساب زورمندیت
و انداختن کمندت این بود	جولان زدن سمندت این بود
نیکو هنری بجای من کرد	رایت که خلاف رای من کرد

ایضاً در دایره گوشه :

کردیش کنون تمام دشمن	این دوست که بد سلام دشمن
بر من بهزار قفل بستی [مکرر]	وان در که بد از وفا پرستی

بردی زه کار من زهی کار	از یاری تو بریدم از یار
بس قایم کافتد از سواری	بس رشته که بگسلد ز تاری
بر کرک فکند و بر سگ افتاد	بس قیر شبان که در تگ افتاد

کتیبه ییضی وسط (بهرام گور و کنیزك):

خواست اول کمان گروهه چو باد	مهره‌ای در کمان گروهه نهاد
شاه چون دید پیچ پیچی او	چاره گر شد ز بد بسیجی او
تیر شد برق شد جهان افروخت	کوش و سم را بیکدگر بردوخت
گفت شه با کنیزك چینی	دستبردم چگونه می‌بینی
صید را مهره در فکند بگوش	آمد از تاب مهره مغز بجوش
سم سوی کوش برد صید زبون	تا ز کوش آرد آن علاقه برون

گفت پر کرده شهریار اینکار	کار پر کرده کی بود دشوار
هر چه تعلیم کرده باشد مرد	گر چه دشوار شد تواند کرد

کتیبه وسط (بهرام گور و شیر و گور):

اشقر انگیخت شهریار جوان	سوی آن کرد شد چو آب روان
دید شیری کشیده پنجه زور	در نشسته پشت و کردن کور
تسا ز بالا در آردش بزمین	شه کمان بر گرفت و کرد کمین
تیری از جعبه سینه پیکان چست	در زه آورد بر کشید درست
سفت بر سفت گور و شیر چست	سفت و از هر دو سفت بردن چست [کذا]
پیش تیری چنان چه درع و چه ورق	تا بسوفار در زمین شد غرق
شیر و گور اوفتاد و گشت هلاک	تیر تا پر نشست در دل خاک

ز هر سو شاخ گیسو شانه می‌کرد	بنفشه بر سر گل دانه می‌کرد
------------------------------	----------------------------

کین ده ویران بگذاری بما	نیز چنین چند سپاری بما
آن دگرش گوید ازین در گذر	جور ملک بین و برو غم مخور
گر ملک اینست و چنین روز کار	زین ده ویران دهمت صد هزار
در ملک این لفظ چنان در گرفت	کاه بر آورد و فغان بر گرفت

بیاوردند صورت پیش دل‌بند در آن صورت فرو شد ساعتی چند
 دلش گر چه بشیرین مبتلا بود بترک مملکت گفتن خطا بود
 نواهایی بدینسان رامش انگیز همیزد باربد در بزم پرویز
 نه دل میداد از و دل بر گرفتن نمی شایستش اندر بر گرفتن

بالای تابلوی شکار بهرام گور (مکرر):

صید را مهره در فکند بگوش آمد از تاب مهره مغز بجوش
 سم سوی کوش برد صید زبون تا ز کوش آرد آن علاقه برون
 بالای تابلوی سلطان سنجر و پیرزن:

ز آن یار بداشت در زمان دست آن بند و رسن همه بر او بست
 چون دید زن این چنین شکاری شد شاد باین چنین شماری
 بالای تابلوی ده ویران:

کین ده ویران بگذاری نما نیز چنین چند سپاری بما
 آن دگرش گوید ازین در گذر
 گر ملک اینست و چنین روزگار
 جور ملک بین و برو غم مخور
 زین ده ویران دهمت صد هزار

بالای تابلوی بهرام و شکار شیر و گور:

اشقر انکیخت شهریار جوان سوی آن کرد شد چو آب روان
 دید شیری کشیده پنجه زور درنشته پشت و کردن گور [مکرر]

در نقاشی دیوار شمالی بالای شاه نشین:

ای پیش از آنکه در قلم آید ثنای تو .
 واجب بر اهل مشرق و مغرب دعای تو
 ای از بقای عمر تو نفع جهانیان
 باقی مباد هر که نخواهد بقای تو

چه قصری آنکه خلد ازوی نشانی بود رضوان یکی از پاسبانی
 ز رفعت آسمان یک پایه او مه و خورشید زیر سایه او
 زهی فرخنده قصری کز لطافت جهانرا نسخه خلد برینست
 بزبب افروزی و زینت فزائی تو گوئی آسمانی بر زمین است
 چو فردوس برینست این مکانی ز رضوان هم بوصفش داستانی
 ز رفعت از فلک بگذشته شانش مه و خورشید خشت آستانش

بر دیوار جنوبی :

همیشه تا که ز تأثیر ابر نوروزی
 چمن شود ز ریاحین چو جنت المأوی
 نهال عمر تو سر سبز باد و بدخواهت
بزیر خاک چو بیخ درخت ناپیدا
 ای درگه تو قبله ارباب امید وی نکهت خلق تو حیات جاوید
 از پرورش تو قطره گردد دریا وز تربیت تو زده گردد خورشید
 راستی موجب رضای خداست
 کس ندیدم که کم شد از ره راست
 بارعیت صلح کن و ز جنگ خصم ایمن نشین
 زانکه شاهنشاه عادل را رعیت سنگراست [کذا]
با خلق کرم کن که خدا با تو کرم کرد

بر گوشه راست دیوار مشرقی سالن این دو بیت بهمین صورت نوشته شده :

بلبم رسیده جانم تو بیا که زنده مانم
 پس از آنکه من
 همه آهوان صحرا سر خود نهاده بر کف
 بامید آنکه روزی

بروی دیوار غربی :

زهی صفای عمارت که در تماشایش
 بدیده باز نگردد نگاه از دیوار
 دولت جاوید یافت هر که نکونام زیست
 کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را
 هر که میخواهد که بیند شکل فردوس برین
 کویا این قصر و این باغ همایون را بین

زهی فرخنده قصر پادشاهی که شد سامان بتأیید الهی
 زهی دلنشین قصر پیراسته بهشتی بصد خوبی آراسته

در اطراف تابلوی شکار شیر فتحعلیشاه (بشکل مستطیل) این قصیده با قلم
 نستعلیق نسبة خوب نوشته شده است :

ويحك ای پرده که بی پرده زتن نور خدای
 پرده آرای قدم از رخ تو پرده گشای
 جان در پیکر نیک تو بود جان پرور
 روح در تن بمثال تو بود روح فزای
 گرد صحرای تو بر چهر خوی آلودشهان
 یا گل غالیه بو یا گل خورشید اندای
 صید گاه ملکی کز ملک العرش بقدر
 روزبانان درش بر ملککان بسار خدای
 هر کجا تیغ زند چاک دل خاره و روی
 هر کجا پای نهد خاک سر قیصر و رای

گسر سزاید ز یکی ذره شود مهر فروغ
 گسر گزاید بیکى ذره شود چرخ گرای
 سخنی گفتمش از بزم و ملک شد حیران
 نکته‌ای گفتمش از جاه و فلک شد دروای
 جرخ بامهر بر آشوفت که ها عود بسوز
 مهر برماه بر افروخت که هین نیل بسای
 هم بگرز از کمر گاو زمین مهره شکن
 هم برمح از جگر شیر فلک پرده گشای
 تیغ ونیزه که بود در کف گوهر بارش
 گشته از ماه بر شیر ژیان لعل قبای [کذا]

خسرو شیر شکر فتحعلیشاه که هست
 از تن شیر فلک دشنه او هوش ربای
 نیزه اش گشته چو از صید ممالک فارغ
 خواست تا از دل شیران شود او زنگ زدای
 شد شکار افکن این مرحله جان پرور
 کآرد از لطف هوا پیر کهن را برنای
 در پی خود پسر از بیست دو افزون خسرو
 کرد و شیراوژن و لشکر شکن و ملک آرای
 سینه خسرو روس آمده زان پالادن
 دیده قیصر روم آمده زین خون پالای
 رانده بر شیر جوان خسرو شیراوژن رخس
 آسمان و آراز آن خفته زمین خاست زجای
 کور تازان برهش در همه دل دردا درد
 شیر پویان بدرش جان همه در وایا وای

داد بنگر که هم از نیزه و شمشیر و کمند
 شیر و آهو و کوزن آمده زو کامروای
 زد رقم صورت آن صید که جان پرور
 بنده شاه جهان مهر علی بر دیبای
 پادشاهان زمین پیش شهنشاه زمان
 بادچون صورت گرما به همه سرد بجای^(۱)

* * *

۲ - کتیبه پایه مجسمه ادوارد هفتم : از زمان حکومت انگلیس در هند همچنان

کتیبه هائی چند بفارسی موجود مانده است . از آن جمله کتیبه ایست که بر صفحه برنز
 برپایه غربی مجسمه ادوارد هفتم در ادوارد پارک نزدیک مسجد جامع دهلی رسم
 کرده اند جلوس ادوارد هفتم در سال ۱۹۰۱ م و وفات او در سال ۱۹۱۰ م . واقع شده
 و این مجسمه بعد از مرگ او نصب شده عبارت کتیبه از اینقرار است که بخط
 نستعلیق منقور شده :

« اعلیٰ حضرت اقدس ای دوردهفتم پادشاه ممالک انگلیس و قیصر هند ، این مجسمه
 ساخته شد با عانت محلی که هزاران هزار رعایای هند و برما محض اظهار تشکر
 و مهر و وفا متمولین بوجه اخلاص و مفلسین با وجود افلاس برای یادگاری آن
 پادشاه رضوان جایگاه نیک سیرت شوکت دستگاه فراهم آوردند که پدر مهربان
 می افتاد و کردار متین او سر مشق نواب السلطنت و سردارانش و دستور احقر
 زیر دستانش . پادشاهی که خمس ربع مسکون در تحت فرمانروائیش بود . با عدالت
 و درایت ضعیفان را بخشش ، مستحقان را پرورش و گناهکاران را نکوهش فرمود با

۱ - برای استکتاب و استخراج اشعار فوق نویسنده سطور وظیفه خود میداند که از زحمات

دوست دانشمند آقای محمد حسین مشایخ فریدنی رایزن فرهنگی ایران در دهلی نو و هم چنین
 از آقای یوسف کمال بخاری عضو اداره باستانشناسی هند تشکر نماید که روزهای متوالی اوقات خود را
 صرف تحریر و یادداشت کتیبه های طالار آشوکا نموده اند و هم چنین از آقای کولونل غفران Col . Ghufuran
 نایب رئیس دفتر نظامی حضرت رئیس جمهور که وسائل مطالعه و تحقیق ما را فراهم ساخته اند تشکر کند .

سخاوت بینهایتش رنجوران را دارالشفاء، قحطیان را قوت و غذا، زمین تشنه را آب، طلاب علم را استاد و کتاب مهیا نمود. شمشیر او علی الدوام مظفر، و حامی ممالک وسیعه بحروبر، سربازان اقوام مختلفه در لشکر بیشمارش مستخدم، و در امثال او امر مبارکش مستقدم. سفاین او شوارع بحر محیط را همیشه مامون، و متصرفات وسیعه‌اش را همواره مصون داشت. مابین ملل همه عالم محبت و اتحاد و میان اقوام همالکش صلح و وداد پایدار، و عزت والیان و حکمرانان را برقرار، و حریت و مساوات بیچارگان را استوار ساخت. سلطنت او برای هندوستان محبوبش رحمتی و برکتی، و برای هر که و مه تقوی و تربیتی. نام او دست بدست، از پدر به پسر، ابدالآباد خواهد رفت که او بود پادشاهی قویم و حکمرانی رحیم.

از سیاق کلام و سبک تحریر این کتیبه انحطاط زبان فارسی در اوایل قرن بیستم میلادی مشاهده میشود.



۳- درس در وزارت دفاع : همچنین در مدت مابین ۱۹۱۱ و ۱۹۲۸ م. در جنب قصر رئیس جمهور عمارت مجللی برای وزارتخانه ها و ادارات دولتی ساخته اند که یکی از آن جمله در قسمت جنوبی (South Block) که فعلا محل وزارت دفاع است، و در سر در آن طاق مرتفعی وجود دارد. بر بالای آن طاق این بیت بخط نستعلیق بسیار درشت کتیبه شده و با رنگ طلا منقش گشته. (۱)

در زاویه دست راست :

کیمیا خواهی زراعت کن که خوش گفت آنکه گفت
در زاویه دست چپ :

زرع ثلثانش ز راست و ثلث باقی هم زر است

(رجوع شود بتصویر شماره هجدهم)

۱- در طرف دیگر آن عمارت در قسمت شمالی (North Block) طاقهای مرتفعی در کرباس وجود دارد که کتیبه های فارسی در آنجا منقوش شده است مشتمل بر تاریخ بنا و غیره.



تصویر شماره ۱۸ - سردر مدخل وزارت دفاع - دهلی نو

•

فهرست مطالب

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۳۲	۵- مسجد آمبر	ب، ا	دیباچه
۳۲	۶- مسجد جامع فتح پور (سیکری)	۱	مقدمه
۳۳	۷- مسجد جامع اله آباد		فصل اول- کتیبه نویسی در هند
۳۳	۸- مسجد جامع اکبرآباد (آکره)	۷	رسم کتیبه نویسی
۳۴	۹- مسجد اکبرآبادی	۱۰	قدیمترین کتیبه هندی دوره اسلامی
۳۵	۱۰- مسجد جامع دهلی	۱۲	کتیبه های فارسی
۳۸	۱۱- کتیبه مسجد روشن الدوله	۱۳	کتیبه های اردو
۳۸	۱۲- کتیبه عیدگاه کپرا	۱۳	فهرست دکتر هورویتز
۳۹	۱۳- کتیبه مسجد شیعیان در دهلی	۱۳	کتیبه های مساجد، مقابر و اماکن مقدسه مذهبی
	فصل چهارم - کتیبه های متفرقه	۱۵	موضوع کتیبه ها
۴۱	ا- نیلی چتری یا چتر کبود	۱۷	قدیمترین کتیبه فارسی
۴۳	ب - کتیبه دهنه چاه	۱۷	دومین کتیبه قدیم فارسی
۴۴	ج - سرچشمه وبریناگ	۱۸	قدیمترین کتیبه فارسی در جنوب هندوستان
۴۵	د - کتیبه دهنه چاه		
۴۵	ه - مدرسه خیرالمنازل		فصل دوم - کتیبه های فارسی در قصور سلطنتی
۴۶	و - پل جونپور	۲۳	۱- در قلعه سرخ دهلی
۴۷	ز - سرای بختاورنگر	۲۵	۲- در قلعه سرخ اکبرآباد (آکره)
۴۸	ح - آب انبار	۲۷	۳- در قلعه فتح پور سیکری
۴۸	ط - ماده تاریخ و مقبره انکه خان	۲۷	۴- در قصور راجه های هند
۴۸	ی - دروازه مقیم در قلعه رهناس	۲۸	۵- قصبه آمبر
۴۹	یا - کتیبه پل جمنا		فصل سوم - کتیبه های فارسی مساجد
۵۰	یب - کتیبه ماده تاریخ ساختن دهانه چاه	۱	۱- مسجد کهنه در نواحی فتح پور (سیکری)
۵۰	یج - کتیبه بر لوله توپها	۲	۲- مسجد کوتله نظام الدین
	فصل پنجم - سنگ قبور و الواح مزارات و کتیبه درگاهها	۳	۳- کالی مسجد یا کلان مسجد
۵۲	۱- درگاه خواجه معین الدین چشتی (رح)	۴	۴- مسجد قلعه کهنه دهلی
۵۴	مسجد شاهجهان در عقب روضه خواجه		
۵۴	۲- درگاه قطب صاحب		
۵۶	۳- مقبره پرواز شاه		
۵۷	۴- درگاه خواجه نظام الدین اولیاء (رح)		

صفحه	موضوع	صفحه	موضوع
۱۰۳	۳۱ - درگاه کوچک شاه دولت	۵۹	۵ - آرامگاه امیر خسرو دهلوی
	۳۲ - کتیبه های نامی	۶۴	۶ - آرامگاه حسن دهلوی
۱۰۴	ا - کتیبه نارینا Naraina	۶۷	۷ - خانقاه سید علی همدانی
	ب - کتیبه در سنگ لوح های	۶۹	۸ - درگاه شاه عطا
۱۰۴	موجود در مقبره کرک علی شاه	۷۰	۹ - درگاه روشن چراغ دهلوی
۱۰۶	ج ، د - کتیبه های باغ حسام	۷۲	۱۰ - درگاه پیر چند حسینی
	ه ، و ، ز ، ح - کتیبه های	۷۳	۱۱ - مقبره شیخ نورالدین ولی
۱۰۶	خانقاه شهر ناکور	۷۴	۱۲ - مزار مولی کمال
۱۰۷	ط - کتیبه دیگر در همان شهر	۷۵	۱۳ - کتیبه گنبد قنوج
۱۰۹	ی ، یا - کتیبه های شهر ماندو	۷۶	۱۴ - کتیبه مسجد و مرقد شاه برهان
۱۱۰	پب - کتیبه استخر سادل پور	۷۷	۱۵ - روضه سیدالسادات
۱۱۰	پج - کتیبه قلعه اسیر گره	۷۹	۱۶ - مقبره مولانا جمالی
۱۱۱	پد - کتیبه های قلعه سرخ آکره	۸۱	۱۷ - درگاه امام ضامن
۱۱۳	۳۳ - قبر شیخ فرید بخاری ملقب بمرتضی خان	۸۳	۱۸ - درگاه شیخ علاء الدین نورتاج
۱۱۳	۳۴ - روضه شیخ کبیر معروف به بالاپیر	۸۴	۱۹ - خانقاه شیخ یوسف شاه
۱۱۴	۳۵ - مرقد سرمد	۸۵	۲۰ - مزار پیر مسگران
۱۱۵	۳۶ - مقبره غازی الدین خان	۸۶	۲۱ - درگاه سید صاحب
۱۱۷	۳۷ - تکیه بابا شاه مسافر غجدوانی بخاری	۸۸	۲۲ - لوحه قبر موجی بدخشانی
۱۱۸	۳۸ - ماده تاریخ مهدیخان نواب	۸۹	۲۳ - لوحه قبر خواجگی درویش
۱۲۰	۳۹ - مقبره بیدل	۹۰	۲۴ - روضه شیخ سلیم چشتی فتحپوری
۱۲۲	۴۰ - تکیه شاه مردان	۹۱	۲۵ - درگاه علی برید
۱۲۲	۴۱ - مزار شیخ محمد علی حزین	۹۳	۲۶ - مزار الشمره در کشمیر
۱۲۳	۴۲ - امام باره آصف الدوله	۹۳	ا - ابوطالب کلیم
۱۳۶	۴۳ - آرامگاه اسدالله خان غالب	۹۴	ب - قدسی مشهدی
		۹۵	ج - محمد قلی سلیم
		۹۶	د - طغرای مشهدی
		۹۶	ه - شاه فتح الله شیرازی
		۹۷	۲۷ - درگاه خواجه باقی بالله
		۹۷	۲۸ - مقبره اکبر
		۱۰۰	۲۹ - مزار قاضی نورالله شوشتری
		۱۰۲	۳۰ - درگاه بزرگ مخدوم جهان

فصل ششم - کتبه های جدید در قرن

بیستم میلادی

۱۳۹	۱ - طالار اشوکا (در قصر رئیس جمهور)
۱۴۶	۲ - کتیبه پایه مجسمه ادوارد هفتم
۱۴۷	۳ - کتیبه سردرب وزارت دفاع



فهرست تصاویر

صفحه

آخر کتاب	نقشه هند
اول کتاب	تصویر خیالی نظامی در کاخ رئیس جمهور ، دهلی نو
۱۱	۱- کتیبه پهلوی دور صلیب سنگی در کلیسای سن طماس (مدراس)
مقابل ص ۱۶	کتیبه کاروانسرا در بلده سورت
۱۹	۲- کتیبه دروازه شرقی مسجد قبة الاسلام ، دهلی
۲۰	۳- کتیبه شیخ احمد خندان در شهر بداون
۶۱	۴- لوحه قبر امیر خسرو دهلوی ، دهلی
۶۳	۵- کتیبه جنوبی قبر خسرو دهلوی
۶۶	۶- کتیبه مسجد مبارک شاه خلجی ، قرب مقبره حسن دهلوی - خلد آباد
۷۱	۷- کتیبه گنبد درگاه شاه عطا
۸۲	۸- آرامگاه مولانا جلالی ، دهلی
۱۰۵	۹- کتیبه های نامی (ج ، د)
۱۱۱	۱۰- کتیبه از نامی در ماندو
۱۱۶	۱۱- مرقده سرمد ، دهلی
۱۱۹	۱۲- تکیه باباشاه مسافر بخاری ، اورنگ آباد
۱۲۱	۱۳- آرامگاه بیدل در دهلی
۱۲۴	۱۴- آرامگاه شیخ محمد علی حزین ، بنارس
۱۲۷	۱۵- آرامگاه غالب ، دهلی
۱۲۸	۱۶- لوحه مزار غالب ، دهلی
۱۳۱	۱۷- تصویر بانوی ایرانی در کاخ رئیس جمهور ، دهلی نو
۱۴۸	۱۸- کتیبه سر درب مدخل وزارت دفاع ، دهلی نو

پایان